



هایدی یا
فوتبالیست‌ها

به صرف نوستالژی
برای کودکان دهه
شصت و هفتاد



تی‌ما

نوجوانان را
جدی بگیرید



۱۷



فمینیسم جنبش خوار

نحوه مواجهه متفاوت
فمینیسم با جنبش‌های شکل
گرفته در جهان

۱۳



چپ تهرانی در ایران ...

نگاهی به کتابی که تشکیلات
تهران حزب توده را بررسی کرده

۸

جشنی برای عدالت فرهنگی؛
استمرار شادابی در سینما
با جشن مهر سینما



۱۸

زخم‌هایی

باز به نام مسائل
زنان و جنسیت

نسبت پارادایم سیاسی
با کنشگری زنانه در متن
حوادث یک سال اخیر

۳

درباره غسل و تدفین اموات با معاون عروجیان
سازمان بهشت زهرا (س) به گفت و گو نشستیم

ایستگاه آخر

پیگیری مراسم تشییع و تدفین عزیزی از دست رفته آنقدر سخت و سهمگین است
که بدون یاری گروهی حرفه‌ای و متخصص امکان پذیر نیست؛ همان‌هایی که
با غسل و تدفین اموات به کمک‌مان می‌آیند

۶



تاریخ



کاندیداهای حزب توده در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی

تظاهرات اعضاء و هواداران حزب توده علیه انگلستان و آمریکا در مقابل سفارت انگلستان در تهران، ۱۰ تیرماه ۱۳۳۰ خ



داد، به نحوی که می‌توان فرهنگ لائیک و غربگرایی را که در دهه ۱۳۴۰ در ایران شکل گرفت، برآیند کنش متقابل سه خرده فرهنگ انگلوفیلی، مارکسیستی و امریکایی، در سیمای سخنگویان ایرانی آن ارزیابی کنیم. این تأثیر بویژه از طریق روشنفکرانی که در دهه ۱۳۲۰ در مکتب فکری و مطبوعاتی حزب توده پرورش یافتند و در دهه ۱۳۴۰، طبق یک برنامه سنجیده از سوی نواستعمار غرب و رژیم پهلوی، در ساختار نظام گذشته جذب شدند و در نهادهای فرهنگی کشور به کار گرفته شدند، اعمال شد.



احسان طبری از تئوری پردازان حزب توده ایران در یک گفت و گوی مطبوعاتی در زندان

بدین سان، نام «حزب توده ایران» برای حزب فوق انتخاب شد. جلسه پس از ۱۳ ساعت بحث و انتخاب ۱۵ نفر از اعضای کمیته مرکزی موقت و کمیسیون تقطیبش، که مسئولیت تشکیلات تهران نیز به آنها محول شده بود، به کار خود پایان داد و رئیس «اولین مرامنامه» حزب را تصویب کرد. این مرامنامه بعدها در نخستین کنفرانس ایالتی تهران (۱۷ مهر ۱۳۲۱) مرسوم و مدون تر شد. اسامی اعضای موقت کمیته مرکزی، که مسئولیت «کمیته ایالتی تهران» را نیز به عهده داشتند، به شرح زیر است:

۱. سلیمان محسن اسکندری (رئیس حزب)
۲. عباس اسکندری
۳. ایرج اسکندری
۴. دکتر رضا رادمش
۵. دکتر مرتضی یزدی
۶. دکتر محمد بهرامی
۷. نورالدین الموتی
۸. عبدالصمد کامبخش
۹. رضا روستا
۱۰. آرادشس
۱۱. عبدالحسین نوشین
۱۲. محمود بقراتی
۱۳. علی امیرخیزی
۱۴. محمد علی شریفی
۱۵. ابوالقاسم اسدی.

حزبی محکوم به شکست

حزب توده که به عنوان وارث سوسیال دموکراسی عهد مشروطه و سپس «حزب کمونیست ایران» در مهرماه ۱۳۲۰ پایه گذاری شد، در سال های پس از جنگ جهانی دوم، که اتحاد شوروی در صحنه بین المللی حضور خود را به عنوان یک «ابر قدرت» اعلام داشت، توانست بسرعت به عنوان یک حزب منسجم در صحنه سیاست و فرهنگ ایران حضور یابد و در کشمکش با جریان های وابسته به بریتانیا و آمریکا،

تأسیس حزب با چراغ خاموش به نام توده هم پیمان بادشمن

در ۱۵ مهر ۱۳۲۰، جلسه هیأت مؤسسان حزب توده با شرکت بیش از ۸۰ نفر در منزل سلیمان محسن اسکندری تشکیل شد. از این تعداد حدود ۳۷ نفر از کمونیست های زندانی بودند. عناصر هوادار انگلیس نیز، در چهار چوب سیاست «جبهه واحد ضد فاشیستی» در این جلسه شرکت داده شدند. حیدر علی اوف نیز، که ایرانی الاصل بود در جلسه شرکت داشت، ولی اکثر شرکت کنندگان او را نمی شناختند و چند نفری که می شناختند، او را معرفی نکردند.

در جلسه، از سوی برخی از کمونیست های قدیمی، که از تصمیمات کمیترین اطلاع نداشتند پوشش غیر کمونیستی حزب مورد اعتراض قرار گرفت. آنان خواستار احیای نام «حزب کمونیست ایران» بودند. علی اوف به عنوان یک کمونیست ایرانی، که از جمهوری آذربایجان آمده، به سخنرانی پرداخت و چنین استدلال کرد: «... با توجه به شرایط و احوال ایران، حزبی باید تأسیس شود که معتدل و میانه رو باشد تا بتواند همه طبقات را در خود جمع آوری کند، بدین لحاظ نام حزب کمونیست در شرایط فعلی برای ایران مناسب نیست...»



حزب توده که به عنوان وارث سوسیال دموکراسی عهد مشروطه و سپس «حزب کمونیست ایران» در مهرماه ۱۳۲۰ پایه گذاری شد، در سال های پس از جنگ جهانی دوم، که اتحاد شوروی در صحنه بین المللی حضور خود را به عنوان یک «ابر قدرت» اعلام داشت



احسان طبری و فرخ نگهدار در جلسه مناظره تلویزیونی با آیت الله محمدتقی مصباح یزدی



حزب توده تمام مساعی خود را صرف اثبات مدل شوروی سوسیالیسم به مدل های دیگر، بویژه مدل چینی، می کرد و رادیوی «پیک ایران» حرارت خود را در این زمینه نشان می داد. این اعمال پوچ و زیان بخش، درست در دورانی بود که انقلاب اسلامی در بطن جامعه، در میان کوخ نشینان به رهبری روحانیت مجاهد، نضج می یافت

نورالدین کیانوری دبیرکل حزب توده ایران و برخی اعضا و نفوذیهای این گروه پس از دستگیری در مصاحبه تلویزیونی



باشد، در ایران روی نخواهد داد. در تمام این دوره طولانی، که از سال ۱۳۳۰ آغاز و به سال ۱۳۵۷ ختم می شود، کار حزب توده در داخل ایران بازی با اعمال ساواک به نام «سازماندهی» و در خارج، ستیزه ایدئولوژیک با گروهک های ملی گرا و «چپ» در کنفدراسیون بود. حزب توده تمام مساعی خود را صرف اثبات مدل شوروی سوسیالیسم به مدل های دیگر، بویژه مدل چینی، می کرد و رادیوی «پیک ایران» حرارت خود را در این زمینه نشان می داد. این اعمال پوچ و زیان بخش، درست در دورانی بود که انقلاب اسلامی در بطن جامعه، در میان کوخ نشینان به رهبری روحانیت مجاهد، نضج می یافت.

حزب توده پس از انقلاب اسلامی

زمان نهایی حزب توده از آغاز سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۱ فرامی رسد و بنا براراده دبیر شوروی و سردمداران ک. گ. ب. سرانجام کیانوری دبیری حزب توده را به دست گرفت. او که در تحلیل خود از وضع ایران و حوادث سال انقلاب، موقعیت جنبش را بهتر از اسکندری می دید، سرانجام ابتکار رهبری حزب توده را از چنگ اسکندری بیرون کشید. اسکندری ترجیح می داد با ادامه سلطنت بدون حکومت و استقرار عناصر لیبرال، مرکز حزب توده را، که با آن می توانست در بازی های دیپلماتی ایران شرکت کند، به ایران منتقل سازد. او به شکست نهضت روحانیت اطمینان داشت. بعد از اینکه این نهضت به پیروزی درخشانی نائل آمد اسکندری اطمینان داشت که به قول او «حکومت آخوندها دوامی ندارد و کار به دست سیاستمداران کهنه کاری که همه با او آشنایی و دوستی داشتند، خواهد رسید.» ولی حکومت مردم به رهبری روحانیت با پیگیری در راه پیروزی امام مستقر شد و اسکندری پس از یک مصاحبه بی توفیق با تهران مصور صحنه ایران را ترک گفت. اما کیانوری با استفاده از اطلاعاتی که از منابع شوروی و محافل سازمان مخفی «نوید» به دست می آورد توانست سمت حوادث را حدس بزند. منتها این «سیاستمدار کهنه کار» هم، در دل به شکننده بودن رژیم جمهوری اسلامی عقیده داشت و سازمان مخفی و نظامی را برای ورود در آخرین کارزار آماده می ساخت. نتیجه



آیت الله محمدتقی مصباح یزدی در جلسه مناظره تلویزیونی با احسان طبری و فرخ نگهدار



مناظره شهید بهشتی با نورالدین کیانوری دبیرکل حزب توده در صدا و سیما



ناخدا بهرام افصلی

شیراز فرو ریختند و از میان تشکیلات خوزستان، خائن بزرگی مانند عباس شهریاری، ماجراهای بسیاری برپا کرد. ولی عده ای از دانشجویان که از راهبایی رهبران حزب توده سرانجام میسوس شدند، در خارج در داخل در گروهک های مختلف در صدد پیدا کردن «راه های قاطع» و راه های «قهرآمیز» شدند. آنها اشکال را تنها در بی عرضه بودن رهبری حزب توده در خارج، در خیانت و سرسپردگی عناصری از این رهبری در داخل ایران می دیدند. آنها در واقع «اشتباهی» درباره ایدئولوژی نکرده بودند، ولی اشتباهشان در خود راه عمل بود. راه مارکسیسم (خواه تراز شوروی و خواه تراز چینی) چاره کار نبود و آزمایش با آن دائماً به بن بست رسید. گویا تجربه رادمنش ها، اسکندری ها، کامبخش ها، کیانوری ها، قاسمی ها، شرمینی ها، زاخاریان ها، ملکی ها، قاسملوها، خنجی ها، متقی ها، شهریاری ها، که هر کدام این راه ضد مردمی را پیمودند و با شکست مواجه شدند، بس نبود و لذا وجود نیکخواه ها، تهرانی ها، پارسانزادها و سیروس نهاوندی ها لازم بود که معلوم شود معجزه ای از تلاش مارکسیستی با هرمارک و مدلی که

باز محکوم به شکست بود. در میان همکاران او کسانی مانند متقی و ثابت، خود را به پلیس بختیار فروخته بودند و همین مسأله موجب لورفتن خسرو روزبه شد.

رادمنش در خارج، به عنوان دبیر کل حزب، مسئول «تشکیلات ایران» می شود و روابط خود را با متقی برقرار می سازد. متقی در جلسه ای که به نام «جلسه کرج معروف است، آن توده ای هایی را که مایل به ادامه کار بودند (و البته در میان آنها افراد فروخته شده نیز کم نبودند) خسرو آورد. ولی افشای متقی توسط خسرو روزبه از زندان، کار او و مدافعتش را در رهبری خارج (در درجه اول قاسمی و فروتن) دشوار می سازد. نوبت «سلطنت» در مخروبه منقرضه حزب توده، این بار به یک عامل مستقیم ساواک به نام قدرت الله نادری (دانش) می رسد، که موفق می شود با رادمنش ارتباط برقرار کند. پس از افشای او نزد رادمنش، عامل دوم ساواک، عباس شهریاری، با «جسارت» به برلین شرقی می آید، ولی با وجود مخالفت کیانوری و فروتن - اعضای کمیسیون ایران - به کسب اعتماد رادمنش نائل می شود و بر رأس «تشکیلات تهران» تا عزل رادمنش از دبیر کلی می ماند... ولی در کنار این شاخه خشکیده و معوج تشکیلاتی متقی - نادری - شهریاری، سازمان هایی هم در سنت و نام حزب توده و فرقه دموکرات و پارٹی دموکرات کردستان در شهرستان ها تشکیل می شوند. این سازمان های «موریا نه خورده» که همگی دستخوش رخنه عمال شناخته نشده ساواک بود، یکی پس از دیگری لورفتند و از هم پاشیدند. در تبریز، گروه حسن زهناب، ایوب کلانتری، علی عظیم زاده، جواد فروغی، علی آذری در سال ۱۳۳۹ اعدام شدند. سازمان های اصفهان و خوزستان و

اتحاد جماهیر شوروی و سخنگوی سیاسی و فرهنگی آن در درون کشور فعال می باییم و در این دوران، حزب توده به دلیل شرایط سیاسی نوین ایران، موفق شد بر پایه تجربه غنی تشکیلاتی احزاب مارکسیستی جهان و با اتکا بر کادر ورزیده و مجرب خود، که سال های مدید در اتحاد شوروی و اروپای شرقی، عالی ترین دوره های آموزشی را طی کرده بودند و بالاخره با حمایت مادی اتحاد شوروی به ایجاد تشکیلاتی منسجم دست زد و بکوشد با عنوان یک نیروی سیاسی در جامعه انقلابی، وزن و اهمیت کسب کند و در کنار جریان های ضد انقلابی راست و میانه طرح هایی توطئه گرانه و مخرب را علیه انقلاب اسلامی پی ریزی نماید. با انحلال حزب توده در سال ۱۳۶۲، این تلاش نافرجام ماند و از آن پس، حزب توده مجدداً به یک جریان محدود و بی رمق در خارج از کشور بدل شد، که بقایای فروپاشیده آن امروز با طوفانی که جهان مارکسیسم را به کام خود برده و با بازتاب های ایدئولوژیک و فرهنگی آن دست به گریبانند.

رابطه کمیک با شوروی

رهبری حزب پس از پیروزی کودتای سیا در ۲۸ مرداد، درصدد جبران شکست برمی آید. ولی همین تلاش های خرابکارانه اش منتهی به کشف سازمان نظامی و لورفتن قریب ۷۰۰ نفر افسرو دانشجوی افسری و درجه دار و نیز دستگیری برخی از رهبران (بهرامی، یزدی، علوی) و سرانجام فرار دونفر دیگر به خارج (کیانوری و جودت) می شود. موج تنفر نامه نویسی از حزب، صفحات روزنامه های دولتی را پر می کند. اعضا در مجله عبرت، حزب را مورد حملات شدید به سود ارتجاع و شاه قرار می دهند. ۱۵ مهر ۱۳۳۳، در سالروز تأسیس حزب توده، دادگاه فوق العاده نظامی پس از ۱۰ ساعت شور، حکم اعدام ۱۲ نفر از افسران عضو شاخه نظامی حزب توده را صادر کرد. ۲۶ مرداد ۱۳۳۴، در دومین سالگرد تلاش حزب توده برای قبضه قدرت پس از فرار شاه، در حالی که شش نفر از افسران به میدان تیربرای اعدام اعزام می شوند، شاه و زنش ثریا، بنا به دعوت دولت شوروی، به مسکو وارد شدند. شوروی با نشان دادن بی اعتنایی به سر نوشت ستاینندگان توده ای خود، نشان داد که منافع خود را بر آبروی سیاسی ترجیح می دهد.

تلاش های بی حاصل

خسرو روزبه تنها افسر از ۱۲ نفر اعضای «هیأت اجراییه سازمان نظامی» است که زنده مانده بود. ولی کوشش خسرو روزبه در این



این سازمان های «موریا نه خورده» که همگی دستخوش رخنه عمال شناخته نشده ساواک بود، یکی پس از دیگری لورفتند و از هم پاشیدند

دستگیری نورالدین کیانوری توسط واحد اطلاعات سپاه پاسداران



محمد مهدی پرتوی از اعضای حزب توده ایران و برخی اعضا و نفوذیهای این گروه پس از دستگیری در مصاحبه تلویزیونی



سخنرانی امام خمینی در قم

مروری بر سرآغاز نهضت امام خمینی (ره)

تعهد شاه برای اجرای طرح امریکا

شاه سخت نگران و بیمناک بود، به همین جهت توطئه و بهانه جویی را آغاز کرد. وی به همراه فرح در ۲۱ فروردین ۱۳۴۱ به امریکا رفت و با کنسی مذاکره کرد و متعهد شد که اجرای اصلاحات مورد نظر امریکا را شخصاً به عهده گیرد. مجموعه مذاکرات و تعارفات رد و بدل شده و بیانیه پایانی، خبر از این می داد که امریکا در اولین اقدام خبر از قطع کمک های خود به است. امریکا در اولین اقدام خبر از قطع کمک های خود به امینی داد. شاه پس از بازگشت به ایران با اتکا به نفس آشکاری وارد صحنه سیاسی شد.

جلسات هیأت دولت را در حضور خود تشکیل می داد و دستوراتی صادر می کرد. امینی دریافت که دوران وی تمام شده است، لذا در ۲۶ تیر ۱۳۴۱ استعفاى خود را تقدیم شاه کرد. شاه بلا درنگ اسدالله علم، خان و خان زاده منطقه قائنات و غلام خانه زاد را به نخست وزیری منصوب کرد. روز ۲۸ تیر علم مأمور تشکیل کابینه شد و سی ام تیر کابینه را به شاه معرفی کرد. علم برای اثبات چاکری خود در مصاحبه با خبرنگاری یونایتد پرس، برنامه دولت خود را فرامین شش ماده ای اعلیحضرت اعلام کرد. کنسی برای حمایت از شاه و دولت جدید، یک ماه بعد معاون خود لیبندون جانسون را به ایران فرستاد. نخست وزیر و جمعی از اعضای کابینه از وی استقبال کردند و جانسون هم در فرودگاه مصاحبه ای کرده و از اصلاحاتی که دولت علم در دست اجرا دارد، حمایت کرد.

قبام

علیه طرح امریکا



جان اف کندی و محمد رضا شاه پهلوی در سفر شاه ایران به امریکا

برآید نیز خواهد شد. شخص مورد نظر امریکایی ها علی امینی بود. علی امینی برتری هایی نسبت به نخست وزیران مورد نظر شاه داشت. شاه، علی امینی را در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۰ مأمور تشکیل کابینه کرد. علی امینی نیز از شاه خواست تا برای انجام اصلاحات، مجلس شورای ملی را منحل کند که سه روز بعد مجلس با حکم شاه منحل شد. همچنین دولت کنسی یک کمک ۱۵ میلیون دلاری در اختیار امینی قرار داد که سپس به ۶۷ میلیون دلار رسید.

امینی اصلاحات کنسی را آغاز کرد، ولی شاه از قدرت گرفتن امینی به شدت بیمناک شد. ادوارد ویل سفیر امریکا در تهران به وزیر امور خارجه امریکا نوشت: «با اینکه موقعیت شاه در یک سال گذشته رو به زوال بود، مع هذا کانون قدرت در ایران محسوب می شود و در رأس نظامی قرار دارد که امینی تابع آن است. بنابراین دولت امریکا باید نه خود را به نخست وزیری نزدیک کند که قدرت بقایش نامعلوم است و نه در موقعیتی قرار گیرد که از او علیه شاه پشتیبانی کند.»

اردیبهشت ۱۳۴۰ دارد که دانش آموزان تظاهرات کردند و یک نفر کشته شد؛ اما امکان اینکه در آینده جو حاکم موجب ترکیبی از مخالفان و افراد ناراضی نیروهای نظامی بشود و دست به اقدامی برای سرنگون کردن رژیم بزنند را نمی توان نادیده گرفت و چنانچه روند سیاسی کنونی ادامه یابد، این امکان افزایش خواهد یافت.»

نگرانی دولت کنسی موجب شد تا گزارش ها و پیشنهادهای مختلفی تهیه شود. بدین ترتیب دولت امریکا مطالعات موردی درباره ایران را آغاز کرد. حاصل مطالعات دولت کنسی این بود که به سفیر توصیه کردند به شاه پیشنهاد کند که ما حاضریم ۲۵ میلیون دلار در اختیار دولت ایران قرار دهیم به شرط آنکه ایرانیان هر کاری را که مادر جهت اصلاح و پیشرفت لازم می دانیم به اجراء آورند. (این اطلاعات بر مبنای اسناد وزارت امور خارجه است که در مرکز اسناد انقلاب اسلامی نگهداری می شود. این شامل نظریات و پیشنهادات ما در مورد انتخاب نخست وزیری که بتواند از عهده اجرای اصلاحات پیشنهاد شده

محمد پورجواد
پژوهشگر



اگر چه روزهای میانی مهرماه ۱۳۴۱ جامعه ایران از یک پروژه بزرگ امریکا برای ایران ملتهب شد؛ اما ریشه آن به سال های قبل بازمی گشت. پس از فرار شاه در سال ۱۳۳۲ و بازگشت او با کودتای امریکایی، بار دیگر مجموعه بحران های سیاسی و اقتصادی ایران در ۱۳۳۹ امریکایی ها را نگران کرد و این نگرانی زمانی شدت یافت که کنسی با خروش چف در وین ملاقات کرد. رهبر شوروی به تمسخر شاه پرداخت و گفت ایران دستخوش تحولات سیاسی خواهد شد و مثل یک سیب گندیده در دامان شوروی خواهد افتاد.

همچنین مشاوران کنسی نیز گزارش های مایوس کننده ای برای رئیس جمهور تهیه کردند. در گزارشی که مشاور مخصوص رئیس جمهور امریکا در امور امنیت ملی تهیه کرده بود، درباره وضعیت شاه می نویسد: «در تظاهرات تهران کنسی کشته نشد؛ اشاره به تظاهرات روز ۱۲



اسدالله علم

آغاز نهضت روحانیت
با لایحه جنجالی

اولین اقدام دولت علم همان چیزی بود که در مصاحبه اش قول داده بود. علم طبق برنامه اعلام شده قبلی، یکی از فرامین ۶ ماده‌ای شاه یعنی تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی را به اجرا گذارد. در ۱۴ مهر ۱۳۴۱، لایحه انجمن‌ها در ۹۲ ماده و ۱۸ تبصره به تصویب رسید. بدین ترتیب خبر لایحه در ۱۶ مهر در روزنامه کیهان و اطلاعات منعکس شد.

پس از انتشار لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی توسط دولت، سه موضوع حساسیت علماربرانگیخت: عدم اشتراک عضویت به مسلمانی؛ قسم به کتاب آسمانی به جای سوگند به قرآن؛ اشکال علما در این بود که نظام سیاسی مشروطه با فداکاری و پشتیبانی علما و نیروهای مذهبی به ثمر رسیده بود. حتی روشنفکران غیر مذهبی نتوانسته بودند از سایه مذهب و روحانیت در قانون اساسی و قوانین دوره‌های اول تا پنجم مجلس شورای ملی ممانعت به عمل آورند. لذا هرچه روحانیت و مذهب در عمل کنار گذاشته شد، در قانون به عنوان عناصر اصلی و ارکان نظام جایگاه خود را حفظ کرد.

پرچمداری امام خمینی

شعائر دینی کوشا هستیم و این تلگراف برای دولت ارسال می‌شود. بدین ترتیب روحانیت قم به رهبری امام خمینی و حضرات آیات گلپایگانی و شریعتمداری که از نامه‌نگاری خود با شاه پاسخ و نتیجه لازم را نگرفته بودند، نوبت حمله و انتقاد خود را متوجه رئیس دولت یعنی اسدالله علم کردند و طی تلگرافاتی خطاب به علم خواستار لغو تصویب نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی شدند.

امام خمینی در تلگرافی برای اسدالله علم نخست‌وزیر فرستادند که در قسمتی از آن چنین آمده بود: «در تعطیل طولانی مجلسین دیده می‌شود که دولت اقداماتی را در نظر دارد که مخالف شرع اقدس و مباین صریح قانون اساسی است... در خاتمه یادآور می‌شود که علمای اعلام ایران و اعتبار مقدسه و سایر مسلمین در امور مخالفه با شرع مطاع ساکت نخواهند ماند و به حول و قوه خداوند تعالی امور



به دنبال اعلان تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در ۱۶ مهر توسط روزنامه‌ها، آیت‌الله خمینی ابتکار عمل را به دست گرفت تا مراجع با وحدت موضع، به رسالت خود عمل نمایند. امام خمینی در یک نشست نقشه‌های استعمار و امپریالیست را برای مراجع تشریح کرد. امام خمینی در پشت این لایحه دست استعمار را می‌دید. امام، تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را نمونه‌ای از توطئه‌های استعمار معرفی کرد و مسئولیت علما را در مقابل استقلال کشور و حفاظت از اسلام یادآوری کرد. نخستین تلگراف امام خمینی به شاه در باره همین موضوع بود. در بخشی از این تلگراف آمده است: «به طوری که در روزنامه‌ها منتشر شده است، دولت در انجمن‌های ایالتی و ولایتی اسلام را در رأی دهندگان و منتخبان شرط نکرده و این امر موجب نگرانی علمای اسلام و سایر طبقات مسلمین است.» حضرات آیات گلپایگانی و شریعتمداری نیز طی نامه‌هایی تقریباً مشابه به شاه، خواستار لغو تصویب نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی شدند. اما شاه که در نظر داشت تصویب نامه فوق لغو شود و گویا قدرت روحانیون را نیز در حدی نمی‌دید که بتوانند به طور جدی با رژیم وارد چالش و درگیری شوند، در پاسخ نامه‌های ارسال شده نوشت: «... پاره‌ای قوانین که از طرف دولت صادر شده و می‌شود چیز تازه‌ای نیست و یادآور می‌شویم که ما بیش از هر کس در حفظ

بازگشت شاه پس از کودتا



تدبیر امام برای لغو رسمی



تحلیل‌شان این بود که شاه از طرف آمریکا مأمور است این عمل را انجام دهد. لذا در طول مبارزه همواره نگرانی خود را به خطر افتادن استقلال کشور می‌دانستند. آیت‌الله گلپایگانی در اولین نامه خود به شاه، در مورد لایحه انجمن‌ها انگیزه خود را از تذکر به شاه علاقه به حفظ مصالح عالیه دین

این بار امام در نامه دیگری به شاه نوشتند: «... انتظار ملت مسلمان آن است که با امر اکید آقای علم را ملزم فرمایند از قانون اسلام و قانون اساسی تبعیت کند و از جسارتی که به ساحت مقدس قرآن کریم نموده، استغفار نماید والا ناگزیرم در نامه سرگشاده به اعلیحضرت مطالب دیگری را تذکرده‌ام... روح‌الله الموسوی‌الخمینی» سرانجام هیأت دولت تصمیم گرفت لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را از دستور کار خود خارج سازد.

اسدالله علم در پیامی به مراجع اعلام کرد که این لایحه به اجرا در نخواهد آمد اما امام خمینی اصرار داشت که اعلام لغو این لایحه باید رسماً در جرید کثیرالانتشار منعکس گردد. دولت علم سرانجام ناچار شد این لایحه را در ۱۰ آذر ۱۳۴۱ لغو کند و در جرید اعلام نماید که به تصویب هیأت وزیران، مصوبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی قابل اجرا نخواهد بود.

حضور مردم در صحنه

در پی این روشنگری‌ها، مردم نیز مخالفت خود را با مصوبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی به صورت تطیلی بازار و گردمایی در مساجد و سخنرانی‌های متعدد نشان دادند. گروه‌ها و جمعیت‌های دیگر نظیر جامعه اهل منبر تهران، اصناف مختلف تهران، روحانیون شمیران، بازرگانان و اصناف تهران و... طی صدور اعلامیه‌هایی خطاب به مردم و اسدالله علم اعتراض خود را به تصویب نامه هیأت وزیران درباره انجمن‌های ایالتی و ولایتی اعلام کرده و خواستار توقف آن شدند. اسدالله علم نخست‌وزیر جهت جلوگیری از گسترش دامنه اعتراضات و مخالفت‌ها در شهرهای مختلف کشور، بالاخص در شهرهایی که قدرت معنوی روحانیون در بین مردم بیشتر مشهود بود، نظیر تهران و قم، اقدامات امنیتی و پلیس مخفی را به مورد اجرا گذاشت تا با به وجود آوردن جو ارباب و ترس به مخالفت‌ها و اعتراضات پایان دهد. اما این اقدامات امنیتی چندان مثر و موثر واقع نشد و بار دیگر موجی از تلگرافات و نامه‌های تند و انتقادآمیز از سوی علمای روحانی به طرف شاه و اسدالله علم ارسال شد.

اسدالله علم در پیامی به مراجع اعلام کرد که این لایحه به اجرا در نخواهد آمد اما امام خمینی اصرار داشت که اعلام لغو این لایحه باید رسماً در جرید کثیرالانتشار منعکس گردد. دولت علم سرانجام ناچار شد این لایحه را در ۱۰ آذر ۱۳۴۱ لغو کند و در جرید اعلام نماید که به تصویب هیأت وزیران، مصوبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی قابل اجرا نخواهد بود.

گفت و گو



درباره غسل و تدفین اموات با معاون عروجیان سازمان بهشت زهرا (س) به گفت و گو نشستیم

ایستگاه آخر

پیگیری مراسم تشییع و تدفین عزیزی از دست رفته آنقدر سخت و سهمگین است که بدون یاری گروهی حرفه‌ای و متخصص امکان پذیر نیست؛ همان‌هایی که با غسل و تدفین اموات به کمک‌مان می‌آیند

اعظم ذوالفقاری منطری
خبرنگار



بعد از شست و شوی پیکر، خانواده باید متوفی را شناسایی کنند و پس از آن نماز میت برای متوفی اقامه می‌شود و از آنجا پیکر کفن شده و آماده با آمبولانس به قطعات بهشت زهرا (س) منتقل می‌شود



چهار سنگ شست و شو داریم که ۲۴ ساعته کار می‌کنند و چهار سنگ رزرو هم داریم. پای هر سنگ شست و شو ۹ یا ۱۰ نفر حضور دارند و کار غسل متوفی را انجام می‌دهند

آنان بردارند و هم غم از دست دادن عزیزشان را کمی تسلی دهند. بنابراین به نظرمی‌رسد همکاران شما شامل کارکنان بسیاری می‌شود که در بخش‌های مختلف باید حاضر باشند. به طور معمول روزانه مراسم تدفین چند نفر در بهشت زهرا (س) انجام می‌شود؟

بیشترین آمار پذیرش متوفی در بهشت زهرا (س) مربوط به دوران شیوع کرونا بود که روزانه تا ۳۹۰ متوفی هم پذیرش کرده‌ایم. در شرایط فعلی حدود ۱۵۰ تا ۱۶۰ نفر را پذیرش می‌کنیم. این تعداد آمار روزانه پذیرش متوفیان در بهشت زهرا (س) است. برای این حجم از پذیرش متوفیان، ۱۵۰ نفر در دو شیفت فعالیت می‌کنند. شیفت‌ها به این صورت است که هر روز ۷۵ نفر مشغول به کار می‌شوند. این افراد روز بعد را استراحت می‌کنند و ۷۵ نفر دیگر به امورات متوفیان رسیدگی می‌کنند. این تعداد کارکنان در بخش‌های مختلف از جمله سردخانه، ورود و خروج خانم‌ها و آقایان، پذیرش و ... است.

چهار سنگ شست و شو داریم که ۲۴ ساعته کار می‌کنند و چهار سنگ رزرو هم داریم. همه سنگ‌ها حتی رزروی‌ها، روزانه کار می‌کنند. پای هر سنگ شست و شو ۹ یا ۱۰ نفر حضور دارند و کار غسل متوفی را انجام می‌دهند.

شست و شوی متوفی در بخش بانوان سختی‌های زیادی دارد. کار بسیار سنگینی است. از طرفی امکان ندارد که آقایان در این بخش

می‌شود. خانواده متوفی، مدارک شناسنامه‌ای فرد فوت شده را می‌آورند و اطلاعات درباره فرد تکمیل می‌شود تا این اطلاعات با گواهی فوت مطابقت داده شود، پس از آن تخصیص قبر و دیگر امورات کفن و دفن انجام می‌شود. این مراحل که طی شد، بستگان متوفی برای شناسایی فرد فوت شده می‌آیند و پس از تأیید آنان، اول تخصیص قبر انجام می‌شود و بعد برگه شست و شو به آنان داده می‌شود. قسمت شناسایی متوفی معمولاً برای خانواده‌ها سخت است و گاهی از انجام آن سر باز می‌زنند. البته باید شناسایی فرد فوت شده توسط یکی از بستگان درجه اول صورت گیرد که کار بسیار سختی است. بعد از شست و شوی پیکر، خانواده باید متوفی را شناسایی کنند و پس از آن نماز میت برای متوفی اقامه می‌شود و از آنجا پیکر کفن شده و آماده، با آمبولانس به قطعات بهشت زهرا (س) منتقل می‌شود. در مجموعه همکارانی برای انجام تشریفات تدفین حضور دارند. همکاران بخش خاکسپاری نیم ساعت قبل از اینکه متوفی برای تدفین آماده شود، در محل دفن حاضرند. علاوه بر آن گروه دیگر از همکاران ما تشریفات مراسم تدفین را با هماهنگی خانواده متوفی آماده می‌کنند. وقتی پیکر متوفی به محل دفن می‌رسد، پیکر تحویل همکاران ما می‌شود و آنان اقدام به خاکسپاری می‌کنند. در واقع همکاران ما در همه این مراحل در کنار خانواده متوفی هستند تا هم باری از روی دوش

مراحل تدفین عزیزمان را انجام دهیم. سازمان بهشت زهرا (س) تهران، مجموعه عروجیان را راه‌اندازی کرده تا مراحل تدفین برای بازماندگان متوفی ساده‌تر شود. علیرضا رباطی اول، معاون عروجیان بهشت زهرا (س) است و توضیح می‌دهد که کار سخت غسل و تدفین درگذشتگان چه چالش‌هایی دارد و مردم در آن شرایط سخت چه می‌کنند.

با پزشکی قانونی بهشت زهرا می‌رود. در پزشکی قانونی روال اداری ثبت مشخصات متوفی یا علت فوت انجام می‌شود و پس از آن پیکر به سردخانه تحویل می‌شود.

در برخی موارد همان روز که پیکر تحویل بهشت زهرا (س) شده، برای تخصیص قبر هم اقدام

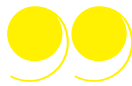
شرایطی باید برای برگزاری مراسم‌های عزاداری و برگزاری مراسم تدفین عزیزمان هم آماده باشیم و چه چیز سهمگین‌تر از اینکه پیکر عزیزمان را به ما نشان می‌دهند که شناسایی کنیم. در چنین شرایطی یاری دوستان و آشنایان را بیشتر از هر زمان دیگری نیاز داریم و در این میان، مردان و زنانی با روح بزرگ به ما کمک می‌کنند تا

با در منزل خود از دنیا می‌روند یا در بیمارستان. همکاران ما در مجموعه ۱۵۳۰ پایانه بهشت زهرا (س) تماس با بازماندگان را دریافت می‌کنند و اقدامات اولیه برای انتقال پیکر به بهشت زهرا (س) انجام می‌شود. از بیمارستان یا منزل، پیکر مستقیماً به سردخانه بهشت زهرا (س)

بعضی روزها در زندگی همه ما وجود دارد که هم از خاطمان نمی‌رود و هم از آنها اجتنابی نیست. شاید سخت‌ترین روزهای زندگی ما زمانی است که یکی از عزیزانمان را از دست می‌دهیم. غم از دست دادن یکی از اعضای خانواده یا دوستان آنقدر سنگین و بزرگ است که تا مدت‌ها نمی‌توانیم به زندگی عادی مان بازگردیم. در چنین

خانواده درگذشتگان باید چه روندی را طی کنند تا پیکر عزیزشان را سریع‌تر تحویل بگیرند؟ آماده‌سازی پیکر درگذشتگان برای تدفین چه روندی طی می‌کند؟ ابتدا برای انتقال پیکر فرد از بیمارستان یا منزل با ما تماس گرفته می‌شود. در واقع افراد

برخی از شخصیت‌های مذهبی که عزیزشان را از دست می‌دهند، برای غسل و کفن متوفی، خودشان دست به کار می‌شوند و به ما کمک می‌کنند



بتوانند کمک کنند. اکثر کارکنان خانم در بخش شست‌وشو گرفتار بیماری‌هایی مانند کمردرد، دیسک کمرو... می‌شوند. وقتی یک نفر از دنیا می‌رود، هیچ کنترلی روی بدن وجود ندارد و به همین دلیل وزن بدن بیشتر به نظر می‌رسد و حرکت دادن آن سخت‌تر می‌شود. عمده مشکلات کارکنان به مسائل جسمی و بیماری‌های اینچنینی مربوط می‌شود؟ اینکه فردی هر روز با تعدادی پیکر متوفی مواجه شود، چه تأثیری روی روحیه کارکنان می‌گذارد؟

این نکته شاید آنقدرها مطرح نشود که بخشی از مشکلات کارکنان ما در این مجموعه به بحث‌هایی است که همکاران ما با خانواده متوفی دارند. کسانی که عزیزشان را از دست داده‌اند، بویژه وقتی به ما مراجعه می‌کنند، به لحاظ روحی و روانی در حالت خوبی نیستند و قطعاً تا ماه‌ها درگیر بیماری عزیزشان بوده‌اند یا بعدها گرفتار این مشکلات هستند. لحظه آخری که خانواده‌ها، عزیز از دست رفته‌شان را می‌بینند، بسیار متأثر و غمگین هستند، حالا تصور کنید که باید خانواده پیگیر شست‌وشو و تدفین عزیز خود باشد.

باراننده و داغ‌دیده‌ها روی دوش کارکنان بهشت‌زهار(س)

برخورد با خانواده متوفی معمولاً مشکلاتی به وجود می‌آورد. فضای کار ما اینگونه است که مردم هنگام غم و غصه و ناراحتی به ما مراجعه می‌کنند و گاهی در جریان انجام کارهایشان، بداخلاقی هم دارند. مواردی پیش آمده بین اعضای یک خانواده دچار درگیری می‌شوند و کل فامیل متوفی وارد محدوده پذیرش شدند و همه چیز را بهم ریختند تا آنجا که حراست دخالت کرد تا مسأله جمع شود. از این نمونه‌ها زیاد پیش آمده و این درگیری‌ها به سرفیرو تدفین متوفی هم کشیده می‌شود. گاهی بعضی خانواده‌ها در همان زمانی که متوفی در حال شست‌وشو است، وارد بحث‌ارث می‌شوند و درگیری بین‌شان پیش می‌آید. یا تصور کنید که یکی از همین کارکنان، یکی از غسل‌ها یا هر کدام از همکاران ما، عزیز و عضوی از خانواده خود را از دست بدهد. شست‌وشو یکی از اعضای خانواده و انجام کارهای تغسیل و تدفین برای همکاران ما بسیار سخت‌تر است. برخی می‌گویند که غسل‌ها، چون زیاد پیکر درگذشتگان را شست‌وشو

فروپاشی روانی در تشخیص هویت متوفی

یکی از چالش‌های مهم ما با خانواده‌ها زمان تشخیص هویت متوفی رخ می‌دهد. از دیدن چهره عزیزشان در آن شرایط واهمه دارند و نمی‌توانند این کار را انجام دهند. از طرفی قبل از تدفین، به لحاظ قانونی، حتماً یک نفر باید متوفی را شناسایی کند. این مسأله در کار ما اشکال به وجود می‌آورد. اغلب تلاش می‌کنیم برای خانواده‌ها شرح دهیم که باید متوفی را شناسایی کنند. اصرار همکاران ما به این موضوع، باعث ناراحتی خانواده‌ها می‌شود و مشکلاتی به وجود می‌آورد.

گاهی که آمبولانس حمل متوفی در ترافیک شهر گیر می‌کند و دیر به بهشت زهرا(س) می‌رسد، باعث ناراحتی و عصبانیت خانواده متوفی می‌شود و حتی گاهی به درگیری خانوادگی با کادر مجموعه ما هم می‌کشد. این جریانات فشار روحی زیادی به کارکنان مجموعه وارد می‌کند. نه فقط کسانی که مشغول تغسیل یا تدفین هستند، همکارانی که مشغول پذیرش پیکر متوفی هستند، کسانی که تدارک برگزاری مراسم سرمرز را می‌بینند و... با چنین مشکلات و مسائلی روحی و روانی مواجه هستند. مثلاً در حال پذیرش یک متوفی، اگر لجن به لب یکی از کارکنان ما بیاید، ممکن است که باعث سوءتفاهم برای خانواده متوفی شود. همین چند عامل به ظاهر کوچک، باعث شده فضای کار در مجموعه سنگین باشد و کار را برای کارکنان مشکل کرده است.

بیشترین آمار پذیرش متوفی در بهشت زهرا(س) مربوط به دوران شیوع کرونا بود که روزانه تا ۳۹۰ متوفی هم پذیرش کرده‌ایم. در شرایط فعلی حدود ۱۵۰ تا ۱۶۰ نفر را پذیرش می‌کنیم. این تعداد آمار روزانه پذیرش متوفیان در بهشت زهرا(س) است. برای این حجم از پذیرش متوفیان، ۱۵۰ نفر در دوشیفت فعالیت می‌کنند. شیفت‌ها به این صورت است که هر روز ۷۵ نفر مشغول به کار می‌شوند. این افراد روز بعدرا استراحت می‌کنند و ۷۵ نفر دیگر به امورات متوفیان رسیدگی می‌کنند

اگر خانواده متوفی درخواست غسل دادن، کفن و دفن کردن عزیزشان را داشته باشند، راهی برای انجام درخواست آنان وجود دارد؟ آیا با چنین اقدامی، فشار کار از روی کارکنان

بخش‌های تغسیل و تدفین برداشته نمی‌شود؟

در چند ماه اخیر سعی کردیم که هم در غسل‌خانه بانوان و هم آقایان، فضایی را برای این منظور ایجاد کنیم که خانواده‌ها خودشان بتوانند متوفی را غسل دهند و کفن کنند. اگر خانواده‌ای چنین درخواستی داشته باشد، تلاش می‌کنیم تا حد امکان همراهی‌شان کنیم. اما به دلیل کمبود فضای کفن و غسل دادن متوفی وجود دارد، این امکان را اطلاع‌رسانی عمومی نکرده‌ایم.

کمک‌های جهادی برای تغسیل و تدفین

اما اگر کسی از قبل هماهنگ شود و از قبل غسل دادن میت را آموزش دیده باشد، می‌توانیم فضا را در اختیارشان قرار دهیم. اما این مسأله باید مطرح شود که همه نمی‌توانند متوفی را غسل دهند یا کفن کنند؛ علاوه بر اینکه غسل و کفن میت، آداب‌ی دارد که باید حتماً رعایت شود، انجام چنین کاری بسیار سخت است و ممکن است از عهده خانواده متوفی برنیاید و باز مشکلاتی برای کارکنان ما ایجاد شود. در واقع این‌طور نیست که با تسری چنین برنامه‌ای، احتمال این باشد که کار همکاران ما کم شود. اما در حد امکان و در صورت درخواست خانواده، می‌توانیم فضا را در اختیارشان قرار دهیم.

البته گاهی از طرف برخی افراد به صورت جهادی کمک‌هایی به همکاران ما می‌شود. این افراد کار غسل میت را بلدند و می‌توانند

کمک حال غسل‌ها باشند. در میان متوفیان، اشخاص خاص که در میان مردم شهرتی دارند، به شما مراجعه کرده‌اند؟ چالشی در پذیرش پیکر متوفی این افراد و انجام مقدمات کفن و دفن آنان داشته‌اید؟

افراد زیادی بوده‌اند که نباید نام ببریم. برخی از شخصیت‌های مذهبی که عزیزشان را از دست می‌دهند، برای غسل و کفن متوفی، خودشان دست به کار می‌شوند و به ما کمک می‌کنند.

هنرمندان زیادی هم در بهشت زهرا(س) تدفین شده‌اند که مسلماً مقدمات دفن آنان در مجموعه انجام شده است.

اعدامی‌ها، ارادل و اوباش هم داشته‌ایم که گاهی در حین انجام مقدمات کفن و دفن متوفیان آنان، نزاع خانوادگی هم ایجاد شده یا دعوای خیابانی‌شان به بهشت زهرا(س) کشیده شده و همکاران ما مشغول جدا کردن آنان شده‌اند.

برنامه‌ای برای کمک به همکاران تان برای درمان دردهای ناشی از چنین فعالیت سنگینی دارید؟

سازمان بهشت زهرا(س) به دنبال ایجاد درمانگاهی در نزدیکی همین مجموعه است که خدمات را با هزینه کمتری با رایگان به کارکنان بخش‌های مختلف ارائه دهد. تلاش بر این است که خدمات ارائه شده در این درمانگاه به صورت تخصصی متمرکز بر مشکلات جسمی و روحی کارکنان بهشت زهرا(س) باشد.

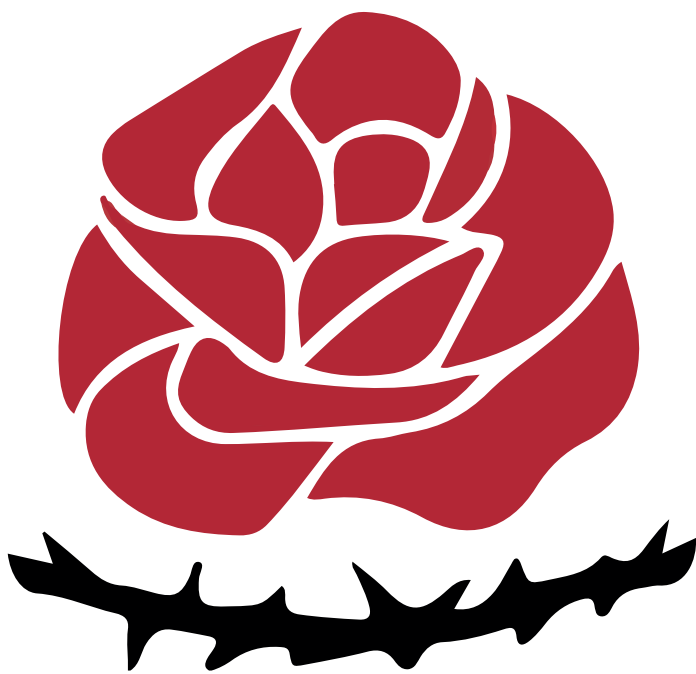


فضای کار ما اینگونه است که مردم هنگام غم و غصه و ناراحتی به ما مراجعه می‌کنند و گاهی در جریان انجام کارهایشان، بداخلاقی هم دارند

کتاب

چپ تهرانی در ایران...

نگاهی به تشکیلات تهران حزب توده



الهام قاسمی
خبرنگار

توجه ساواک بود. دستگیری عباسعلی شهرداری نژاد این امکان را به ساواک داد که تشکیلات تهران حزب توده را در اختیار بگیرد و از رهگذر آن ضربات خردکننده‌ای به حزب و دیگر سازمان‌هایی که به هر دلیلی با تشکیلات تهران مرتبط می‌شدند، وارد آورد.

از چهل صفحه است و سپس اولین سند کتاب را که مربوط به سوم خرداد ۱۳۴۳ است و به ادامه مبارزات حزبی در ایران اشاره دارد، آورده است. در آخرین فصل اسامی کارگران نفت خوزستان که به سرپرستی رضا روستا اتحادیه‌ای تحت عنوان «سندیکای کارگران صنعت نفت خوزستان» یا «شورای متحده کارگران» تشکیل داده بودند، ثبت شده است. در فصل دوم؛ سند پایانی کتاب ارائه شده که اسناد ساواک در رابطه با حزب توده است که شامل گزارشات از افراد حزب توده، تشکیلات و فعالیت‌ها و مناسبت‌های حزب توده در شهرهای مختلف، انتشار نشریات و اعلامیه‌ها در شهرهای گوناگون، کتاب‌ها و مقالات است و در واقع سند دوم اطلاعیه‌ای است که در آن «کاوس صاحب» به عنوان منبع ساواک معرفی شده است. فهرست اعلام و تصاویر، پایان بخش کتاب است. ناگفته نماند که این اثر در سال ۱۳۹۲ توسط نشر مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات نوشته و روانه بازار چاپ شده است.

حمایت‌های بی‌دریغ یکی از دو قطب قدرتمند و متخاصم جهان بود. جنگ سرد میان این دو قطب، یعنی آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی، ساواک را بر آن می‌داشت که حزب توده را یکی از اهداف مهم خود ببیند. بنابراین کنترل این حزب از طریق نفوذ و استخدام منبع مورد



لا به لای اسناد استنباط کنند. مؤلف در مقدمه کتاب روند حوادث را از سال ۱۳۲۰ مورد بررسی قرار داده و پس از مقدمه موجز، در دو فصل اسناد گردآوری شده توسط ساواک را ارائه داده است. مؤلف در فصل اول برای کمک به درک بهتر سند، ابتدا متن بازجویی عباسعلی شهرداری نژاد در سال ۱۳۴۲ را که بیش

حزب توده ایران در ۱۰ مهر ماه ۱۳۲۰ توسط عدای از کمونیست‌ها که پیش‌تر در «حزب کمونیست ایران» گردآمده بودند، تشکیل شد. این حزب یکی از اهداف سازمان اطلاعات و امنیت کشور بود. آنچه حزب توده را نزد ساواک با اهمیت می‌ساخت برخورداری حزب از

حزب توده مبتنی بر نخستین اساسنامه خود شامل چند سازمان بود. سازمان ایالتی تهران قدرتمندترین سازمان حزب توده به شمار می‌رفت که عباسعلی شهرداری نژاد قریب به هفت سال تشکیلات تهران را اداره می‌کرد. او در این دوران تعدادی از افرادی که قصد مبارزه با رژیم پهلوی را داشتند به ساواک تحویل داد. او به واسطه خیانتی که در مورد گروه حزبی مرتکب شده بود، توسط سازمان چریک‌های فدایی خلق در اسفند ۱۳۵۳ در خیابان پرچم به قتل رسید. کتاب «چپ در ایران؛ تشکیلات تهران حزب توده» به روایت اسناد ساواک «شانزدهمین کتاب از سلسله کتاب‌های چپ در ایران است. این اثر که از مجموعه اسناد این تشکیلات در بایگانی ساواک است، حاوی اطلاعات دست‌اولی را جمع به حزب توده، اعضا و ساختار حاکم بر آن است که می‌تواند به علاقه‌مندان و پژوهشگران کمک کند تا سیر فعالیت‌های حزب توده را دنبال کرده و نگاه رژیم پهلوی به آن را از



حزب توده مبتنی بر نخستین اساسنامه خود شامل چند سازمان بود. سازمان ایالتی تهران قدرتمندترین سازمان حزب توده به شمار می‌رفت که عباسعلی شهرداری نژاد، قریب به هفت سال تشکیلات تهران را اداره می‌کرد. او در این دوران تعدادی از افرادی که قصد مبارزه با رژیم پهلوی را داشتند به ساواک تحویل داد



مؤلف در مقدمه کتاب روند حوادث را از سال ۱۳۲۰ مورد بررسی قرار داده و پس از مقدمه موجز، در دو فصل اسناد گردآوری شده توسط ساواک را ارائه داده است. مؤلف در فصل اول برای کمک به درک بهتر سند، ابتدا متن بازجویی عباسعلی شهرداری نژاد در سال ۱۳۴۲ را که بیش از چهل صفحه است و سپس اولین سند کتاب را که مربوط به سوم خرداد ۱۳۴۳ است و به ادامه مبارزات حزبی در ایران اشاره دارد، آورده است



مطلبی برای همه فصول

راهنمای خرید ترجمه‌های خوب که کلاً موضوع خوبی است!

محمدعلی یزدانبار
دبیر گروه کتاب
Mohammadaliyazdanyar@gmail.com



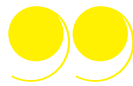
اول. در این شماره یک مطلب خوب داریم. البته ما کلاً مطالب خوبی داریم و خیلی هم همگی با کیفیت و فلان و بیسار هستند اما این یکی را وقتی خودم مطالعه می‌کردم احساس خوبی داشتم. مطلب راهنمای خرید کدام کتاب از کدام مترجم به نظر من مطلب واقعاً خوبی از آب درآمده است. البته مشابه این مطلب بارها و بارها در تمام صفحات فرهنگی و صفحات کتاب تقریباً تمام روزنامه‌ها و مجلات منتشر شده است و راستش را بخواهید مادامی که کیفیت مطلب، خوب و استاندارد باشد خواندن تمام این مطالب جذاب و یاری‌رسان است، حالا ما هم نسخه خودمان را برای شما پیچیده‌ایم و امیدواریم سردردتان را بهبود ببخشد! دوم. آقا گفتم سردرد یادندان درد افتادم! این دندان بنده در این سه چهار ماه اخیر یلان نیست که سر من نیآورده باشد! بارها باعث شده از درد به خودم بیچم و بارها مرا از خواب پرانده است، حالا چرا همه اینها را می‌گوییم؟ چون اگر پدر خدایم زنده و مادر عزیزتر از جانم به مسأله بهداشت دهان و دندان و آموزشش در کودکی اهتمام بیشتری می‌ورزیدند، من یک عمر با این ایده اشتباه بزرگ نمی‌شدم که «دندان خودش تا پایان عمر به خوبی و خوشی خدمت خواهد کرد». بنابراین، این کتاب‌های کودک و نوجوانی که مسائل پایه شخصی را به خردسالان آموزش می‌دهند جدی بگیرید، باعث می‌شود که سی سال بعد کسی از خواب به علت دندان درد از خواب نبرد. سوم. و نهایتاً دوباره افتادم به کتاب نخوانی، این مورد را باید تصحیح کنم که اتفاقاً لازم است هرچه سریعتر کتاب بخوانم، یزدانباری که کتاب نخواند مثل عقاب است که پروازش را چیده باشند! انصافاً خوششان آمد؟ کیف کردید؟ چقدر ادبیانه مثال زد!

چهارم. باقی بقای همگی شما!



مطلب راهنمای خرید کدام کتاب از کدام مترجم به نظر من مطلب واقعاً خوبی از آب درآمده است. البته مشابه این مطلب بارها و بارها در تمام صفحات فرهنگی و صفحات کتاب تقریباً تمام روزنامه‌ها و مجلات منتشر شده است و راستش را بخواهید مادامی که کیفیت مطلب، خوب و استاندارد باشد خواندن تمام این مطالب جذاب و یاری‌رسان است

سازمان ایالتی تهران قدرتمندترین سازمان حزب توده به شمار می‌رفت که عباسعلی شهریاری نژاد قریب به هفت سال تشکیلات تهران را اداره می‌کرد. او در این دوران تعدادی از افرادی که قصد مبارزه با رژیم پهلوی را داشتند به ساواک تحویل داد



محمد قاضی

عبدالله کوثری

بهمن فرزانه



کدام ترجمه از کدام مترجم؟ (قسمت اول)

کتاب‌های کدام مترجم را در سبد خریدم بگذارم؟

فاطمه منصوری نصرآباد
مترجم

اکثر مخاطب‌های جدی کتاب موقع انتخاب کتاب که می‌شود دنبال بهترین ترجمه ممکن می‌گردند. خیلی‌ها چند مترجم خوب را انتخاب کرده‌اند و هر جا کتاب ترجمه شده از آنها به چشم‌شان خورد بدون لحظه‌ای تردید آن را می‌خرند. تکلیف این دسته کتابخوان که مشخص است؛ هم مترجم‌رامی‌شناسند هم کتاب‌را! اما خوانندگان جدید چه؟ خواننده تازه که در کتابفروشی کلی

پدر ترجمه نوین فارسی
این لقبی است که اهالی ترجمه و ادب به محمد قاضی نسبت داده‌اند. مطالعه ترجمه‌های قاضی نشان می‌دهد که او به زبان فارسی اشراف کامل داشته و به خوبی با نگارش و بیان و لحن آشنایی داشته است. جدا از زبان فارسی، قاضی به فرانسوی تسلط خیلی خوبی داشت به همین دلیل ترجمه‌هایش از نویسندگان فرانسوی مورد توجه زیادی قرار گرفته است. طبق گفته‌های خودش، انگلیسی نیز بلد بوده و همین اشراف داشتن به زبان‌های مختلف راه را برای ترجمه و البته انتخاب کتاب‌های مهم هموار کرده است. معروف‌ترین کتاب



پدر ترجمه نوین فارسی لقبی است که اهالی ترجمه و ادب به محمد قاضی نسبت داده‌اند. مطالعه ترجمه‌های قاضی نشان می‌دهد که او به زبان فارسی اشراف کامل داشته و به خوبی با نگارش و بیان و لحن آشنایی داشته است

و کاستی‌ها جبران شود و در عین حال در پاورقی‌ها اطلاعات لازمه را برای خواننده آورده است، باعث شده ترجمه محمد قاضی هنوز هم که هنوز است برای خواننده جذاب و روان باشد. خلاصه کلام آنکه دقت و ظرافت و توجه به جزئیات که قاضی در ترجمه‌هایش به زبان فارسی به خرج داده و البته که انتخاب‌های مناسب برای ترجمه باعث شده آثارش ماندگار بمانند. اگر هم کنجکاو شدی کتاب‌های دیگری از

کاستی‌ها جبران شود و در عین حال در پاورقی‌ها اطلاعات لازمه را برای خواننده آورده است، باعث شده ترجمه محمد قاضی هنوز هم که هنوز است برای خواننده جذاب و روان باشد. خلاصه کلام آنکه دقت و ظرافت و توجه به جزئیات که قاضی در ترجمه‌هایش به زبان فارسی به خرج داده و البته که انتخاب‌های مناسب برای ترجمه باعث شده آثارش ماندگار بمانند. اگر هم کنجکاو شدی کتاب‌های دیگری از

معرفی ادبیات جهان به ایرانیان

مطمئنم در هر کتابفروشی که پا بگذارید کتاب صدسال‌تهایی گابریل گارسیا مارکز را می‌بینید. بهمن فرزانه مترجمی بود که این شاهکار را با ترجمه خود به ایرانیان معرفی کرد؛ نه فقط مارکز و صدسال‌تهایی که رتالیسم جادویی را هم وارد بازار کتاب ایران کرد. بهمن فرزانه مترجمی بود که پنج زبان می‌دانست: فارسی، انگلیسی، ایتالیایی، اسپانیایی و فرانسوی! اصلاً خود این تسلط داشتن به چند زبان و داشتن دوستانی در این کشورها باعث شده بود با ادبیات کشورهای مختلف جهان آشنا باشد و بتواند آثار مهمی را انتخاب کند. فرزانه جزو مترجم‌هایی است که معتقدند تمام آثار یک نویسنده خوب نیست و در انتخاب اثر باید سختگیرانه وارد عمل شد؛ احتمالاً همین موضوع باعث شده کتاب‌هایی که از بهمن فرزانه در ایران

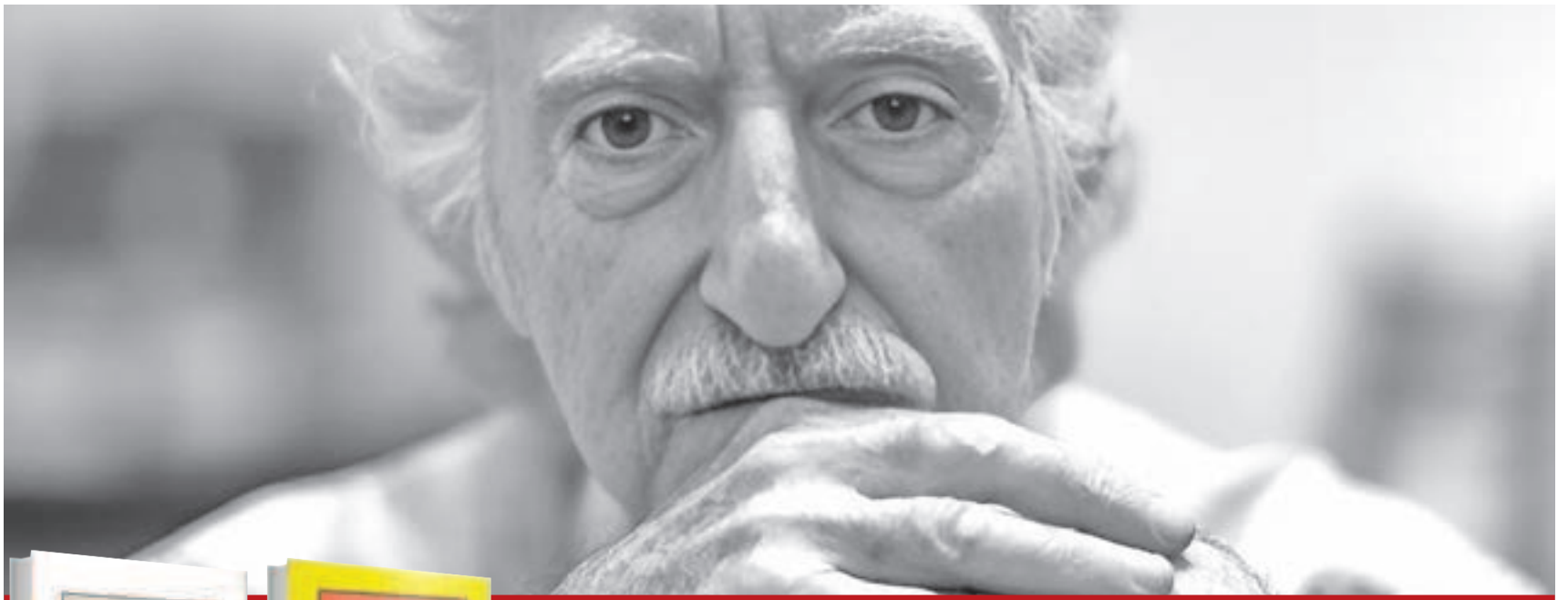
من همین شعردوستی‌اش که با انتخاب درست واژه‌ها و لحن‌ها... همراه شده می‌تواند به درستی سبک و منظور نویسنده را به مخاطب برساند. یکی از نویسندگانی که کوثری بسیار دوست دارد و آثار زیادی از او ترجمه کرده، کارلوس فونتنس است. آشنایی او با فونتنس در دورانی که به ترجمه به عنوان یک شغل جدی نگاه می‌کرد منجر به انتشار ترجمه‌هایی درخور توجه از ادبیات امریکای لاتین در ایران شد. شاید یکی از حرف‌های قابل تأمل کوثری درباره ترجمه این باشد که مترجم جوان و جدید فقط یک نوع فارسی را می‌داند و هنگام مواجهه با متن‌های مختلف نمی‌تواند آن‌طور که باید حق مطلب را ادا کند. از همین رو هم مترجم حتماً باید به لایه‌های مختلف زبان فارسی و اصطلاحات و کاربرد واژه‌ها کاملاً آگاه باشد و وقتی به این موارد مسلط شد، دست به معادل‌یابی بزند. برخلاف محمد قاضی یا بهمن فرزانه که ادبیات جهان را به ادبیات ایران معرفی کردند، عبدالله کوثری معتقد است پراکنده ترجمه کردن حرکت صحیحی نیست. همین عقیده هم او را مصمم کرده تا آثاری غنی از ادبیات امریکای لاتین ترجمه کند و فکرش پیش کامل کردن مجموعه آثار ترجمه شده امریکای لاتین باشد. اما جدی از همه این حرف‌ها، او هم مثل دو مترجم دیگر زبان واسط یعنی انگلیسی به فارسی ترجمه می‌کند و برخلاف خیلی از منتقدان معتقد است این ترجمه از زبان واسطه آسیبی به اثر اصلی نمی‌زند و گاهی خود این ترجمه می‌تواند کامل‌تر و گویاتر باشد. همین است که با وجود علاقه‌اش به ادبیات امریکای لاتین کماکان این آثار را از انگلیسی به فارسی برمی‌گرداند نه پرتغالی، اسپانیایی و امریکای لاتین! پیشنهاد می‌دهم اگر به ادبیات امریکای لاتین علاقه دارید با این ترجمه‌های عبدالله کوثری شروع کنید و «سور بز»، «آتورا»، «گرینگوی پیر»، «جنگ آخر زمان»، «مرگ در آند» را بخوانید؛ ولی از آثار خوب دیگری که ترجمه کرده هم می‌توانید کتاب‌های «ویزویل» و «آتور پیدس» را بخوانید.



بهمن فرزانه معتقد بود زبان فارسی و ادبیات ایرانی پایه، اساس و اصطلاحاتی دارند برای همین نمی‌شود به راحتی این آثار را به زبان‌های خارجی ترجمه کرد و شاید به همین دلیل هیچگاه دست به ترجمه اشعار و کتاب‌های معروف نزد



عبدالله کوثری معتقد است پراکنده ترجمه کردن حرکت صحیحی نیست. همین عقیده هم او را مصمم کرده تا آثاری غنی از ادبیات امریکای لاتین ترجمه کند و فکرش پیش کامل کردن مجموعه آثار ترجمه شده امریکای لاتین باشد



هدیه ابوالحسن نجفی به خوانندگان ایرانی در مورد ژیل پرور و کتاب وعدۀ گاه شیر بلفور

الهام اشرفی
نویسنده



ژیل پرور نویسنده و خبرنگار فرانسوی است (۲۰۲۳-۱۹۳۱). او سال‌ها به شغل وکالت و بعدها خبرنگاری مشغول بود که به نظر حضور در همین دو شغل بسیار به او کمک کرده‌اند در پرداختن به داستان‌ها و قصه‌ها. ما خوانندگان ایرانی آشنا شدنمان با ژیل پرور مدیون انتخاب و معرفی جناب ابوالحسن نجفی هستیم. در واقع تنها کتاب ترجمه شده پرور ایران همین کتاب است

یک داستان گفته نشده...

آنچه در داستان‌ها و کتاب‌ها و فیلم‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است چگونگی سرنوشت و سرانجام این گروه‌های مقاومت پس از جنگ دوم است؛ اینکه بعد از سقوط نازی‌ها افراد این گروه چه کردند، جذب چه گروه‌هایی شدند کمتر مورد توجه فیلمسازها و نویسندگان بوده است.

کتاب «وعدۀ گاه شیر بلفور» اما از معدود کتاب‌هایی است که به سرنوشت افراد مقاومت در حین جنگ دوم و از همه مهم‌تر سال‌های بعد از جنگ دوم پرداخته است. ژیل پرور نویسنده و خبرنگار فرانسوی است (۲۰۲۳-۱۹۳۱). او سال‌ها به شغل وکالت و بعدها خبرنگاری مشغول بود که به نظر حضور در همین دو شغل بسیار به او کمک کرده‌اند در پرداختن به داستان‌ها و قصه‌ها.

ما خوانندگان ایرانی آشنا شدنمان با ژیل پرور مدیون انتخاب و معرفی جناب ابوالحسن نجفی هستیم. در واقع تنها کتاب ترجمه شده پرور ایران همین کتاب است.

ویژگی داستان‌های این کتاب؛ ریتم و ضرباهنگ تند داستان‌ها است. اغلب داستان‌ها به اتفاقات نهضت مقاومت در اروپا و افرادی که در این گروه‌ها فعالیت داشتند و مأموریت‌های آنها پرداخته است. دو صفحه از هر داستان این مجموعه را که بخوانید، دیگر نمی‌توانید رهاپیش کنید؛ با اینکه داستان‌ها هر کدام نسبتاً بلند هستند. نویسنده داستان‌ها و قصه‌هایش را در عین سادگی، خیلی سراسر است و بی‌پیچیدگی روایت کرده و همه این سادگی قصه‌ها با ریتمی تند و نفس‌گیر بیان می‌شود.

نگاهی به داستان‌های این مجموعه در داستان «وعدۀ گاه شیر بلفور» نویسنده به روایت مأموریت چند عضو مقاومت علیه نازی‌ها و نجات یک زندانی در میدانی که شیر بلفور نمادش است پرداخته و چنان با هیجان این قصه روایت شده که شما به عنوان یک خواننده نمی‌توانید

سرنوشت جنگ ویرانگر جهانی دوم گره خورده است به نام گروه‌های مقاومت؛ تعداد بسیار زیادی از افرادی که در کشورهای اشغال شده توسط ارتش نازی کم‌کم یکدیگر را پیدا کردند و داوطلبانه و شجاعانه تحت تدابیر امنیتی شدید نازی‌ها در هر کشور به یک سری مبارزات آشکار و پنهان می‌پرداختند؛ از جمله تهیه غذا و مکان‌هایی برای یهودیان، فراری دادن و پنهان کردن یهودیان و یا فرزندانشان، عدم همکاری با دولت‌های اشغال شده، دادن اطلاعات غلط جغرافیایی و تاکتیکی به آلمانی‌ها، مخفی کردن خلبانان سقوط کرده و حتی جنگ‌های مستقیم و بازپس‌گیری شهرهای اشغال شده و... طی سال‌های پس از جنگ و تا همین امروز این درون‌مایه‌ها اساس فیلم‌ها و کتاب‌های بسیاری شده است.



است، رفتن زن و چرایی نماندنش. این یعنی موفقیت نویسنده که قصه‌اش را در داستان تمام نکرده، بلکه قصه در ذهن خواننده ادامه دارد. به‌طور کلی با اینکه داستان‌ها به وقایع درون جنگ دوم پرداخته، ولی نویسنده از نقش زنان در این دوره و گروه‌های مقاومت غافل نشده است، اتفاقاً زنان در داستان‌ها نقش پررنگی دارند؛ چه در جایگاه زنانگی و احساسی‌شان و چه در جایگاه مبارزاتی‌شان.

داستان «ناله‌های بلند» هم از داستان‌های مثال‌زدنی مجموعه است. با اینکه داستان در سه بخش

قصه‌ها را کنار هم می‌خواند. مادامی که کتاب را می‌خواندم، پیش خودم می‌گفتم، این داستان‌ها بسیار مناسب فیلم هستند؛ بعد با جست‌وجویی کوتاه متوجه شدم که اغلب کتاب‌های ژیل پرور تبدیل به فیلم‌های سینمایی یا فیلمنامه‌نویسی خود پرور شده‌اند. اوج هنرنویسندگی ژیل پرور در داستان اول مجموعه نمایان می‌شود؛ داستان «نامزد و مرگ». ماجرای داستان در یک نصفه روز اتفاق می‌افتد، زنی وارد زندگی مردی می‌شود، هر دو غریبه و بعد در آخر داستان زن می‌رود، ولی تا به امروز در ذهن من خواننده مانده

طولانی روایت می‌شود، ولی داستانی گیرا و با تعلیق خوب است. داستان پسری که پدرش در سال‌های جنگ دوم از افراد مقاومت بوده و پسر چنانکه در همه جای جهان معمول است؛ زحمات و از خودگذشتگی‌های پدرش را بی‌بهره می‌داند. پسر که حالا دانشجویی است که فقط به خوش‌گذرانی مشغول است، طی اتفاقاتی و بنا به قرار گرفتن افرادی بر سر راهش در مسیر شناختن پدرش می‌افتد و برای این کار به دیدن چند نفر از دوستان قدیمی پدرش و نیز یکی از افسران آلمانی زمان دستگیری پدرش می‌رود و این‌گونه ما را با دوره‌ها و افراد عجیبی آشنا می‌کند.

و در انتها، سقوط قهرمان‌ها

ویژگی دیگر داستان‌های مجموعه نگاه خاکستری راوی و عدم قهرمان‌پروری است. در اغلب داستان‌ها می‌خوانیم که افرادی که طی دوره جنگ هر کدام برای خودشان قهرمان‌هایی نجات‌دهنده و شجاع به نظر می‌رسیدند، چطور در سال‌های بعد از جنگ اسیر جایگاه و پست و مقام‌های دولت‌های مستقر پس از جنگ شدند. چطور از حالت قهرمانی و اسطوره‌ای تبدیل به مردمانی خائن، ریاکار و قربانی شدند. هر کدام قربانی یک سیستم. نویسنده به سرنوشت برخی از سران حزب نازی نیز در برخی داستان‌ها پرداخته است؛ افسرانی که با وجود انجام کشتارها و جنایات بسیار بعد از جنگ با خانه و زندگی‌هایی مرفه و خیلی عادی به زندگی خودشان ادامه دادند.



اوج هنرنویسندگی ژیل پرور در داستان اول مجموعه نمایان می‌شود؛ داستان «نامزد و مرگ». ماجرای داستان در یک نصفه روز اتفاق می‌افتد، زنی وارد زندگی مردی می‌شود، هر دو غریبه و بعد در آخر داستان زن می‌رود، ولی تا به امروز در ذهن من خواننده مانده است، رفتن زن و چرایی نماندنش



همه چیز
کاملاً زنده به نظر

می رسد؛ می شود سردی هوا
را با دست کشیدن روی برف ها
حس کرد؛ می شود کنار پینوکیو قدم
زد، به صدای برخورد پاهای چوبی اش
با سنگفرش های دهکده گوش
داد و با گریه نره و روباه مکار
رودررو شد



یک کتاب دیدنی!

لذت تماشا کردن پینوکیو روی صفحات کتاب



ریحانه عارف نژاد
خبرنگار

ترین کتاب های دنیاست و این یعنی بارها در سراسر جهان و با سروسشکل های متفاوت به چاپ رسیده است. اما حتماً می دانید که بین انواع و اقسام نسخه های هر کتابی - خصوصاً از ناشران و تصویرگران مختلف - تفاوت هایی هست که هر کدام را از دیگری متمایز می کند. مثل این نسخه منحصر به فرد پینوکیو که به نظر من بیشترین اقتباس های سینمایی اش دیدنی است!

احتمالاً الان دارید با خودتان می گوئید که این دیگر چه معرفی کتابی است؟ مگر پینوکیو هم معرفی می خواهد؟ اصلاً کسی در دنیا وجود دارد که او و پدر ژیتورا نشناسد؟ احتمالاً نه! از زمان نخستین چاپ پینوکیو تا حالا بیش از هشتاد میلیون نسخه از این اثر در سراسر جهان فروخته شده که آن را به یکی از پر فروش ترین داستان های تاریخ تبدیل می کند. ضمن اینکه پینوکیو جزو ترجمه شده

و فندق شکن را هم انجام داده است و امیدوارم این آثار نیز همانند پینوکیو به زودی در ایران ترجمه و چاپ شوند.

جشنواره تصویرگری براتیسلاوا و لوح افتخار جایزه هانس کریستین اندرسن را در کارنامه دارد، کاری می کند که شما برای دقایق یا حتی ساعاتی، دست از خواندن ادامه ماجرا بکشید و فقط به صفحات مقابلتان خیره شوید. هر بار به گوشه ای از تصویر نگاه کنید، جزئیاتی جدید به چشم تان می خورد، حتی احتمال دارد که دوست داشته باشید پینوکیو را به جای خواندن، قاب بگیرید و به دیوار بزنید تا هر روز این تصاویر را ببینید. همه چیز کاملاً زنده به نظر می رسد. می شود سردی هوا را با دست کشیدن روی برف ها حس کرد؛ می شود کنار پینوکیو قدم زد، به صدای برخورد پاهای چوبی اش با سنگفرش های دهکده گوش داد و با گریه نره و روباه مکار رودررو شد. این نقاشی ها به علاوه ترجمه روان آقای بهروز غریب پور، دست شما را می گیرند و با خود می برند تا جهان داستانی کارلو کلودی را با چشم های خودتان ببینید. روبرتو اینوچنتی در مصاحبه ای گفته بود: «چیزی که مرا بسیار جذب می کند، این است که داستانی را تنها با تصویر بیان کنم. چون این کار به من امکان می دهد تا به نکات اصلی داستان بپردازم و هنر نو با زوایی و تکرار را از میان بردارم... من می خواهم خوانندگانم (شما بخوانید تماشاگرانم) را به دنیایی وارد کنم که همه چیز در آن دارای معنا و مفهوم است.» آقای اینوچنتی تصویرگری کتاب های مشهور دیگری مثل سرود کریسمس

از گذشت صد و چهل سال، هنوز هم معروف و محبوب است. به سختی می شود اقتباس های سینمایی و همینطور تعداد تجدید چاپ هایش را شمرد. در ایران خودمان می توانیم این اثر را با انواع و اقسام قطع ها و حتی تصویرگری ها پیدا کنیم؛ ولی نشر افق دست به انتشار نسخه ای از این کتاب زده که با بقیه آنها زمین تا آسمان فرق دارد. نسخه ای که به قول مقدمه اش، توسط تصویرگر جدید آن «روبرتو اینوچنتی»، انگار دوباره خلق شده است!

سن و سال به او مزه داد، حتی کار ترجمه داستان های خارجی کودک را رها کرد و قلم به دست گرفت. البته در آن زمان خودش هم انتظار چنین شهرتی را برای خود و پسرک چوبی اش نداشت. اما پینوکیو بعد

آغاز یک ماجرای چوبی!

در سال ۱۸۸۱ پینوکیو برای اولین بار به اسم «داستان یک عروسک» در یک مجله کودکان در ایتالیا منتشر شد. مجله ای که یکی از مؤسسانش خالق خود آن عروسک، یعنی کارلو کلودی بود. پینوکیو در آن نشریه، یک عروسک دراز و لاغر بود که اگر از من بپرسید می گویم خیلی هم به قشنگی ترسیم نشده بود. البته احتمالاً کارلو کلودی از نقاشی های آقای «انریکو ماتزانتی» کاملاً راضی بوده است. کارلو کلودی تا قبل از چاپ داستان و دست یافتن به شهرت، به عنوان روزنامه نگار و مؤلف کتاب های آموزشی فعالیت می کرد. ولی وقتی جذب ادبیات کودکان شد و نوشتن برای این مخاطبان کم

روبرتو اینوچنتی، پینوکیو را به یک اثر تماشایی تبدیل کرده است. او که جوایز بزرگی مثل سیب طلای جشنواره تصویرگری براتیسلاوا و لوح افتخار جایزه هانس کریستین اندرسن را در کارنامه دارد، کاری می کند که شما برای دقایق یا حتی ساعاتی، دست از خواندن ادامه ماجرا بکشید و فقط به صفحات مقابلتان خیره شوید

پینوکیو تروتازه، ترگل و ورگل!

روبرتو اینوچنتی، داستان را به یک اثر تماشایی تبدیل کرده است. او که جوایز بزرگی مثل سیب طلای



و در نهایت...

اگر نوجوان، یا حتی بزرگسالی هستید که تا حالا این داستان جاودانه را نخوانده اید، خوش به حالتان! ماجراهای دیدنی و شگفت انگیزی به همراه یک آدمک چوبی در انتظارتان است. هر چند اگر هم مثل من قبلاً این کتاب را خوانده اید، داستانش برایتان خیلی تکراری شده است و یا نیمه نوستالژیکش را بارها از تلویزیون دیده اید، باز هم می توانید روی جذابیت و تازگی این اثر حساب کنید. این نسخه از پینوکیو تجربه هیجان انگیزی را برای شما رقم خواهد زد و حتی می تواند گزینیه خیلی خوش آب و رنگ و خوشحال کننده ای برای هدیه دادن به یک پینوکیو دوست کتابخوان باشد.

زندگی

کودک کیست؟ کودکی چیست؟

کودک شرور یا کودک معصوم

الهام اسماعیلی

نویسنده



کودک عامل
محصول دوران یا
فضاهای مجازی و
تکنولوژی است.
این کودک نه
نادان و نه ناتوان
است. او دارای
توانایی است
که در دنیای
دیجیتال او را از
بزرگسالانش
پیش تر
برده است

یونسف در جهان، روز ۲۰ نوامبر را به عنوان روز کودک اعلام کرد و در بسیاری از کشورها این روز را برای کودک جشن می گیرند.

در ایران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳ تا ۱۹ مهر را هفته ملی کودک نامید و در این هفته برنامه های مختلفی از سوی این نهاد برای کودکان سرزمین مان برگزار می کند. همچنین انجمن حمایت از حقوق کودکان، روز ۸ اکتبر مصادف با ۱۶ مهر را روز جهانی کودک نامید که هر سال آن روز را جشن می گیرند. حال به بهانه آن می خواهیم بدانیم کودک کیست؟

کودک یک موجود و مفهوم عینی است که از ابتدای حضور انسان در کره خاکی حضور داشته است. کودک موجودی بازیگوش، هیجان خواه، عمدتاً شاد و سرخوش است. از نظر قانون و براساس ماده یک کنوانسیون حقوق کودک، هر فرد زیر ۱۸ سال کودک محسوب می شود. چون افراد زیر ۱۸ سال اجازه بازکردن حساب بانکی و حق رأی ندارند و جرم شان نیز براساس قانون جدا از دیگر افراد بررسی می شود. در نظر عرف و عامه مردم دوره پس از پایان شیرخوارگی تا ابتدای بلوغ (نوجوانی) فرد را کودک می نامند و از این دوره به عنوان کودکی یاد می کنند. مرحله اساسی رشد جسمی و ذهنی، شکوفایی و تحول توانایی ها و استعدادها، شکل گیری ساختار خلق و خو در انسان و زیرساخت دوران جوانی و بزرگسالی در بازه سنی ۲ تا ۱۰ سالگی که فرد کودک نامیده می شود، رخ می دهد.

پس کودکی به چه معناست؟ در جامعه شناسی زیررشته مطالعات کودکی، کودکی مفهومی ذهنی است که با توجه به ویژگی دوران مختلف تاریخی، شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی جنسیتی در هر جامعه شکل گرفته است. کودک مفهومی بیولوژیک و کودکی مفهومی اجتماعی و پدیده ای تاریخی است.

از منظر روانشناسی، کودک و کودکی در برهه های مختلف تاریخی تعاریف متعددی داشتند. در سده های میانه که انسان مورد توجه قرار گرفت و بالطبع آن، کودک، کم کم شناخته شده بود، گروهی کودک را موجودی پلید و شرور می دانستند و چنین فرض می کردند که شرارت، شیطنت، فساد و پستی، عناصر اولیه و عمده در موجودیت کودک است.

مثال کودک شرور را می توانیم در آثار ادبیات کلاسیک جهان ببینیم. در دوران مدرن کودک معصوم و بی گناه در مقابل کودک شرور قرار گرفت. حال والدین باید در برابر جهان بد از او محافظت می کردند و این آغاز برنامه ریزی و نقش حمایتی بزرگسالان در قبال کودک بود. کودک فطری دیگر نظریه دوران مدرن بود که از سوی جان لاک مطرح شد، وی کودک را ذاتاً پاک همچون یک کاغذ سفید می دانست که آمادگی لازم برای

تبدیل شدن به هر آنچه دیگران می خواهند و او را به همان منظور آموزش می دهند، دارد. تا اینکه ژان پیاژه در اوایل قرن بیستم، نظریه رشد مرحله ای خود را بیان کرد و کودک دارای رشد طبیعی را معرفی کرد: پیاژه بر این باور بود که در فرایند رشد، خود کودک شرکت کننده ای فعال است و دست روی دست نمی گذارد تا رشد بیولوژیک یا محرک های خارجی، کار خودشان را بکنند.

او کودکان را دانشمندانی کنجکاو می دانست که به تحقیق و آزمایش درباره اشیا می پردازند و به درون محیط دست می زنند تا ببینند چه اتفاقی خواهد افتاد. مثلاً دست و پای عروسک خود را می کند یا چرخ ماشین اسباب بازی را از آن خارج می کند یا دست در پرز برق یا لوله جارو برقی و... می کند تا خودش نتیجه کارش را مشاهده کند و از آن یاد بگیرد و این پایه ای برای شکل گیری آموزش از طریق مفاهیم رشد شناختی به کودک بود.

از سوی دیگر نیز فروید پزشک و عصب شناس با توجه به روان انسان ها، بحث کودک ناخودآگاه را مطرح کرد که تا بزرگسالی در رفتار و روان فرد حضور دارد که در این یادداشت جای توضیح آن نیست.

در جامعه شناسی نیز کودک را با تعریف های مختلف بیان می کنند. در جامعه شناسی پیش از مدرن، کودک اجتماعی یا ابزاری نامیده می شد یعنی کودکی که شهروند نیست و در این دوران موقتی باید تحت تعلیماتی قرار بگیرد تا برای نقش های بزرگسالی آماده شود، یعنی همان آماده شدن برای کسب درآمد.

در جامعه شناسی مدرن تعریف از کودک نقطه مقابل کودک اجتماعی یا ابزاری است. به او کودک ساختاری می گویند که به عنوان شهروند تعریف می شود و در جامعه نقش و مسئولیت خودش را دارد.

حالا امروزه در جامعه شناسی پست مدرن شاهد تعریف از کودک عامل هستیم، کودک عامل محصول دوران یا فضاهای مجازی و تکنولوژی است. این کودک نه نادان و نه ناتوان است. او دارای توانایی است که در دنیای دیجیتال او را از بزرگسالانش پیش تر برده است. با شناخت ویژگی های کودک امروز و تفاوت قائل شدن میان رشد بیولوژیک آنها و رشد شناختی و اجتماعی شان در این جامعه، به جواب بسیاری از سؤال هایمان در مواجهه با رفتار و عملکرد کودکان در مواقع خاص پی خواهیم برد و او را در این مختصات اجتماعی بهتر درک می کنیم. به قول جامعه شناسان کودکی مفهومی برساخته دوران است.

کودک این روزگار ما مطالبه گر و منتقد بزرگسالان و جامعه است و ما باید برای حجم زیادی تغییر از سوی آنها در قواعد مرسوم آماده باشیم.



در جامعه شناسی مدرن تعریف از کودک نقطه مقابل کودک اجتماعی یا ابزاری است. به او کودک ساختاری می گویند که به عنوان شهروند تعریف می شود و در جامعه نقش و مسئولیت خودش را دارد



فیتیله‌گذاری برای گیاهانی توصیه می‌شود که برنامه آبیاری آنها به صورت یک روز در میان است

روش آبیاری در زمان مسافرت یا ترک منزل

قطره قطره

نسرین تقی‌خانی

مهندس کشاورزی و مشاور نگهداری گیاهان آپارتمانی

توجه به آبیاری، از نکات مهم در نگهداری گیاهان آپارتمانی است. زمان مسافرت یا وقتی که سرکار هستید و زمان کافی برای رسیدگی به گیاهان را ندارید؛ می‌توانید از روش‌های زیر برای تأمین آب مورد نیاز گیاه در زمان نبود خود استفاده کنید.

فیتیله‌گذاری

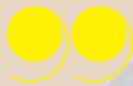
روش فیتیله‌گذاری از این دست اقدامات است. در این روش می‌توان از رشته نخ کاموا یا نخ پنبه استفاده کرد. یک ظرف یا مخزن را پر از آب کرده و انتهای نخ را به ارتفاع چند سانتی متر در مخزن آب قرار داده و سردیگر در خاک گلدان قرار می‌گیرد.

بهبتر است گلدان آبیاری شود تا جریان آب از طریق نخ بهتر صورت گیرد. به این ترتیب، آب از طریق نخ به صورت قطره قطره خاک را مرطوب نگه داشته و شرایط رطوبتی خاک را تأمین می‌کند. از مزیت‌های این روش این است که می‌توان همزمان چند گلدان را آبیاری کرد. این روش برای گیاهانی توصیه می‌شود که برنامه آبیاری آنها به صورت یک روز در میان است.

زیرگلدانی مناسب

روش دیگر استفاده از زیرگلدانی متناسب با اندازه گلدان است. در این روش، زیرگلدانی را با ماسه و آب پر کرده تا به تدریج رطوبت مورد نیاز گیاهان تأمین شود. این روش برای گیاهانی که به کمبود آب حساس نیستند مناسب است. البته ذکر این نکته ضروری است که استفاده از این روش برای همه گیاهان توصیه نمی‌شود چرا که شرایط اقلیمی و نگهداری گیاهان متفاوت است.

این روش‌ها برای طولانی کردن فاصله بین دو آبیاری مناسب است و طبیعتاً بعد از یک الی دو هفته گیاه باید آبیاری کامل داشته باشد.



تکنولوژی به جای کتاب

غوره نشده مویز شدند

علی غنی
نویسنده



اینکه کودکان هنوز غوره نشده در حال مویز شدن هستند، باعث می‌شود نسل جوان پیش رویمان بیش از پیش سطحی‌نگر و بی‌تجربه‌بار بیایند این آشنایی و رفاقت زودهنگام با تکنولوژی مجال تجربه شیرین کودکی و دلخواه‌هایش را از کودکان گرفته است

در سال‌هایی که چندین دور، وقتی مناسبی فرا می‌رسید که می‌توانست بهانه‌ای باشد برای شاد کردن قلب کوچک‌ترهای فامیل مثل خواهرزاده‌ها و برادرزاده‌ها، یک عده از بزرگترها بودند که فقط به جنبه سرگرمی هدیه یا عیدی اهمیت می‌دادند و دوست داشتند محبوب‌ترین‌ها را به بچه‌های فامیل هدیه کنند.

در مقابل اما یک عده هم بودند که برایشان مهم بود که علاوه بر شاد کردن دل کودک، هدیه‌ای برایش ببرند که کاربری آموزشی هم داشته باشد و بچه از قبال آن نکاتی هم بیاموزد.

من همیشه از آن دسته دوم بودم. حاضر بودم حتی اگر شده هزینه بیشتری بکنم اما به بچه‌ها هدایایی بدهم که برایشان جذابیت‌تعلیمی هم داشته باشد.

و از همین روی یکی در میان کتاب هدیه می‌دادم. اما از یک جا به بعد دیدم بعضی‌هایشان دیگر آن جور که در گذشته از گرفتن کتاب‌های خوب خوشحال می‌شدند، این روزها به آن قوت دلشان از کتاب هدیه گرفتن شاد نمی‌شود.

حتی بعضی از بچه‌ها دیگر مثل گذشته با من ارتباط عمیق نمی‌گرفتند، چون تمایلشان به سخن گفتن و بازی کردن و حتی نقاشی کشیدن هم کم شده بود.

خوب که دقت کردم متوجه شدم که وسیله‌ای جدید جای بسیاری از سرگرمی‌های گذشته و سرزندگی‌ها را برایشان گرفته است. یک وسیله که دائم سرشان در آن رفته و حتی فرصت لبخند زدن به عزیزانشان را هم ندارند. انگار که وقتشان برای بچگی کردن خیلی کمتر از گذشته شده و تمام دنیای ذهنی‌شان در آن صفحه رنگی جای گرفته است.

بعضی‌ها از همان سن پایین زورشان رسیده و به تنهایی برای خود یکی از این اسباب‌بازی‌های بزرگانه گرفته‌اند و مشغول شده‌اند. آن‌هایی هم که ندارند، دست به دامان پدر و مادرند و به هر ضرب و زوری شده، همراهشان را می‌گیرند و به گشت و گذار در میانبرها و بازی‌ها می‌پردازند.

حالا دیگر برای خیلی از ما هم کتاب، جزو گزینه‌های دست‌چندم برای هدیه دادن به کودکان قرار گرفته است و بچه‌ها بعد از دیدنش مثل گذشته‌ها خوشحال نمی‌شوند. این اتفاق تنها می‌تواند یک دلیل مهم داشته باشد و آن هم آشنایی زودتر از موعد بچه‌ها با فناوری‌هایی مثل تلفن‌های هوشمند و تبلت‌هاست. این آشنایی و رفاقت زودهنگام مجال تجربه شیرین کودکی و دلخواه‌هایش را از آنها گرفته است.

اگر دیر بجنبیم بچه‌هایمان چنان زودتر از موعد وارد بزرگسالی می‌شوند که دیگر به هیچ طریقی نمی‌توان جلوی آن را گرفت و اینکه آنها هنوز غوره نشده در حال مویز شدن هستند، باعث می‌شود نسل جوان پیش رویمان بیش از پیش سطحی‌نگر و بی‌تجربه‌بار بیایند.

از اتفاق با تمام تجربیات و بعضاً ناکامی‌هایی که در کتابخوان کردن نسل کودکان امروز تجربه کردم، اما باز هم عقب‌ننشستم و چند وقتی است که به دنبال راه‌های جدیدی برای آشنایی این نسل با کتاب می‌گردم. و خوب است بدانید به یافته‌های جدیدی هم رسیده‌ام.

نسل جدید به قوت همان نسل‌های گذشته اهل رفاقت است و با رفاقت نیز می‌شود دوستان جدید را به او معرفی کرد.

دوستانی حتی چنان ناشناخته چون کتاب. فقط کافی است پیش از هدیه یا پیشنهاد، اعتمادش به پیشنهاد دهنده جلب شده باشد و بداند که کسی که دارد به او کتاب هدیه می‌کند، دنیایش را می‌شناسد.

اگر بتوانید با بچه‌های خودتان یا اطرافتان جوری ارتباط بگیرید که با شما در بعضی روحيات و علايق خود احساس اشتراك بکنند، اتفاقاً خیلی اوقات پیشنهادها و هدیه‌های کتابی شما را با آغوش باز خواهند پذیرفت. فقط کافی است بدانند قرار است کتابی را از شما هدیه بگیرند که می‌تواند دنیایشان را در آنها ببیند و بخواند.

آموزش کوکی کدو حلوایی

یک جوک خوشمزه
از دوستی جو و کدو!فائزه صدیقی
نویسنده

آن چنان محسوس نیست و می توان از این روش برای مصرف کدو برای کودکان یا کسانی که تمایل چندانی برای خوردن این سبزی فوق العاده ندارند، استفاده کرد. با توجه به این مطلب و آمدن فصل پاییز، تصمیم دارم در کنار هم یک کوکی بسیار خوشمزه و آسان را از ترکیب کدو حلوایی و جو پرک درست کنیم که برای انواع میان وعده و همچنین تغذیه مدرسه بچه ها بسیار مناسب و دلپذیر است. پس امروز با من همراه باشید تا در کنار هم طرز تهیه این کوکی خوشمزه را آموزش ببینیم.

در دنیا شیرینی پزی، کمتر سیفی رامی توان پیدا کرد که مانند کدو تنبل (یا حلوایی) موفق به اختصاص زیرشاخه ای جدا به نام خودش شده باشد. قنادی با کدو چنان متنوع و محبوب است که با شروع فصل پاییز، تمام منابع معتبر شروع به ارائه دستورهای کدو دار متنوع می کنند. علت اصلی چنین محبوبیتی در استفاده از کدو در انواع شیرینی ها و نان ها، ایجاد بافت فوق العاده لطیف و مرطوب به کمک کدو در نان و شیرینی هاست. ضمن اینکه طعم کدو در کیک ها و نان ها

مواد لازم (هم دما محیط)

- کره: ۷۵ گرم • شکر قهوه ای: یک سوم پیمانه*
- شکر سفید دانه ریز: یک چهارم پیمانه • پوره کدو حلوایی: یک چهارم پیمانه • زرده تخم مرغ: یک عدد • آرد: سه چهارم پیمانه • جو پرک: سه چهارم پیمانه • دارچین: سه چهارم قاشق چای خوری • زنجبیل: یک چهارم قاشق چای خوری • جوز هندی: یک هشتم قاشق چای خوری (قابل حذف) • وانیل: یک چهارم قاشق چای خوری • نمک: یک هشتم قاشق چای خوری • بیکنگ پودر: یک دوم قاشق چای خوری • جوش شیرین: یک چهارم قاشق چای خوری • شکلات چیپسی: یک چهارم پیمانه (قابل حذف) • * اگر پیمانه های استاندارد شیرینی پزی را دارید از همان استفاده کنید، اما اگر به آنها دسترسی ندارید یک لیوان دسته دار فرانسوی را معادل یک پیمانه در نظر بگیرید.

چند نکته در خصوص مواد اولیه

دستور قابل مصرف است.

• در این دستور در صورت استفاده از جو پرک معمولی، بافت جو بعد از پخت در کوکی حس شده و بافت خاص و مطبوع کوکی جودار را ایجاد می کند، ولی اگر به دلایلی این بافت برای شما خوشایند نیست، می توانید از همین مقدار جو پرک خرد شده یا جو فوری استفاده کنید.

• نقش زرده تخم مرغ، ایجاد انسجام در خمیر کوکی و کمک به خشک نشدن و ماندگاری آن است و نباید حذف شود. سفیده باقیمانده را می توانید فریز کنید و در زمان دلخواه در دستورهایی مثل مرنگ یا شیرینی نارگیلی استفاده کنید.

• برای تهیه هر نوع دسر و شیرینی با کدو، نیاز به کدو پوره شده دارید. برای تهیه پوره، باید کدوها پخته شوند. شما می توانید کدوها را در فر یا در تابه ای روی گاز بپزید. از آنجا که هر چه پوره کم آب تر باشد، نتیجه بهتری در شیرینی پزی می دهد، پخت کدوها در فر یا به روش بخارپز بیشتر توصیه می شود، ولی اگر به هر دلیلی پخت روی گاز را ترجیح می دهید، کدوها را برش بزنید و با پوست ته یک تابه بچینید، نصف استکان آب کف تابه بریزید، در تابه را بگذارید و اجازه بدهید کدو بپزد.

• برای این دستور می توانید از کره حیوانی (کره صبحانه) یا کره گیاهی سوپرمارکتی (مارگارین) یا مخلوط هر دو کره استفاده کنید. دقت کنید که برای این دستور کره سنتی، کره لاکتیکی، کره کم چرب، روغن جامد و روغن صاف قابل استفاده نیستند. کره باید هم دما محیط باشد.

• برای پخت هر نوع دسر و شیرینی با کدو حلوایی، استفاده از ادویه الزامی است. دارچین، میخک، جوز هندی و زنجبیل با این گیاه استفاده می شود که بسته به دستور یکی از این موارد یا مخلوط همه آنها به کار می رود.

• میزان شکر در نظر گرفته شده در مواد لازم دستور، برای کدویی با شیرینی معمولی است، ولی کدوی خریداری شده ممکن است بسیار شیرین یا کم شیرین باشد، پس بعد از پوره کردن، مقداری از کدو را بچشید. اگر میزان شیرینی پوره کدو کم بود، به جای یک سوم پیمانه شکر قهوه ای، یک دوم پیمانه بریزید و اگر پوره کدو خیلی شیرین بود، یک چهارم پیمانه شکر قهوه ای بریزید. پس در این دستور به اندازه کمی می توانید میزان شکر قهوه ای را تغییر دهید ولی به شکر سفید دست نزنید. هر دو نوع شکر قهوه ای تیره و روشن برای این

نحوه پوره کردن کدو

برای تهیه پوره، ابتدا کدو تنبل یا حلوایی را از وسط نصف کنید، دانه ها و فیبرهایش را کاملاً خارج کنید، سپس آن را به تکه های باریک تقسیم کنید و بعد بپزید. می توانید برش ها را در دیگ بچینید و کدوها را روی گاز بپزید یا کف سینی فر کاغذ روغنی یا ورق نسوز بیندازید و کدوها را نیم ساعت تا ۴۵ دقیقه در فر ۱۸۰ درجه قرار دهید یا در ظرفی بالای بخار آب قرار داده و بخارپز کنید. در حین پخت، چنگال را داخل کدو فرو می کنیم و وقتی در آن فرورفت یعنی کدو پخته است. بعد از اتمام پخت و خنک شدن، پوست کدوی پخته شده را با استفاده از چاقو جدا کرده و بعد با کمک غذا ساز، مخلوط کن یا چنگال آن را کاملاً و تا حدی پوره می کنیم که مخلوط نهایی کاملاً یکدست شود. پس از آن پوره را حداقل به مدت یک ساعت در دمای محیط در صافی یا الک بریزید تا آب اضافی از آن خارج شود، زیرا این آب می تواند بافت نهایی کیک یا نان را شفته کند. بعد از گرفتن آب اضافی، پوره را اندازه گیری کنید و برای استفاده آماده بگذارید.

برای پخت هر نوع

دسر و شیرینی با کدو حلوایی، استفاده از ادویه الزامی است. دارچین، میخک، جوز هندی و زنجبیل با این گیاه استفاده می شود که بسته به دستور، یکی از این موارد یا مخلوط همه آنها به کار می رود

اهمیت آموزش سواد مالی در کودکان پول توجیبی یاد آمد؟

الناز موسوی یکتا
نویسنده



اصطلاح
پول توجیبی با
درآمد متفاوت بوده
وسن تعلق گرفتن
این دو هم در
کودکان متفاوت
است.

استفاده می کند. آموزش سواد اقتصادی یکی از موارد مهمی است که باید از سنین خیلی کم به کودک آموزش داده شود. برای مثال خانواده با توانایی های مالی و سبک زندگی، قانون خرید اسباب بازی با یک بازه عددی مشخص را همراه یکبار می تواند داشته باشد. برای خوراکی های مورد علاقه کودک در هفته دو بار می تواند هزینه کند. برای خرید از فروشگاه های بزرگ و مراکز خرید قبل از ورود به آن مکان قوانین بازنگری شده و به طور شفاف با کودک مطرح شود که ما برای خرید چه چیز آمده و حد خرید کودک چقدر است. یکی از راهکارهایی که در این مسیر مؤثر است، استفاده از کوپن های کوچکی است که در ازای رفتار یا کار خوبی به او تعلق می گیرد و برای هر کوپن عدد یا مقداری مشخص می شود. به طور مثال هر ۵ کوپن معادل ۵۰ هزار تومان است یا روش های دیگری که به تناسب خانواده، سبک زندگی و... متفاوت است. اما نکته ای که بسیار حائز اهمیت است توجه به زنگ خطرهایی بوده که فرزند با اعلام نیازی قصد دارد والدین را متوجه آن کند. باید دید که این نیاز به کسب درآمد از نشانه کم بودن پول توجیبی بوده یا موارد دیگری در این نگرش تأثیر داشته است. آسیب شناسی این موضوع و توجه به آن به والدین کمک می کند تا بیشتر در رفتار کودک و نوجوان خود دقت کرده و از خطرات احتمالی جلوگیری کنند. در ابتدا این آسیب شناسی، والدین می توانند با افزایش نسبی مبلغ پول توجیبی این نیاز را برطرف کنند. پس از آن در ازای افزایش مقدار پول یکی از هزینه ها را که قبلاً توسط خود آنها صورت می گرفته کاهش دهند. برای مثال خوراکی روزانه هم باید خود کودک تهیه کند و از سید خرید خانواده حذف می شود. معمولاً کودکان و نوجوانانی که در دوره اول سن نوجوانی از حدود ۱۰ تا ۱۲ سالگی هستند اگر با پول توجیبی مناسبی از سوی خانواده مواجه باشند کمتر به سمت کسب درآمد سوق پیدا می کنند. البته خود کسب درآمد از سنین ابتدای نوجوانی به خودی خود بد نیست تا جایی که بنا بر ارزش های خانواده و در قالب چهارچوب مشخص باشد.

هرچقدر خانواده به نیازهای کودکان در سنین مختلف توجه کند و سعی کند آن را به تناسب ارزش گذاری کرده و با راهکارهای مختلف و جذاب حل کند، احتمال جذب کودک به فعالیت های جنبی و کارهای غیرعرفی مثل درآمدزایی از راه بلاگری یا... کمتر خواهد بود. در آخر باید گفت که ارزش های خانواده، گفت و گوهای زمان مند، فعالیت های متناسب با سن و روحیه، شناخت دوره های مختلف سنی و حتی جنسیت فرزندان از جمله موارد مهمی هستند که در هر مسأله و نیازی باید جدی گرفته شود تا فرزندان، والدین خود را امن و پناه دانسته و از پنهان کاری که یکی از علائم آغاز دوره استقلال طلبی است، جلوگیری شود.

شیوه والدگری نوین مدت هاست که توجه همه والدین را به خودش جلب کرده تا جایی که سعی می کنند سطح مهارت های خودشان در تربیت فرزند را با شرکت در کلاس ها و دوره های مختلف یا مطالعه کتاب های حوزه روانشناسی کودک و نوجوان افزایش دهند. کنترل خشم، شناخت احساسات، ترجیح حق انتخاب، اولویت بندی فعالیت ها، سواد مالی، تربیت جنسی و... از جمله مهارت هایی هستند که در این روزگار نیاز به آموزش دارند و والدین آگاه که به دنبال نسلی بالنده و سرشار از آرامش و شادی هستند در پی آموختن بهترین راه متناسب با سبک زندگی خود از هزارتوی تربیتی هستند. چند روز پیش به دنبال تصویر عجیبی که از یک کودک حدوداً ۹ یا ۱۰ ساله در فضا مجازی دیدم، ذهنم درگیر درآمد و چگونگی آموزش سواد مالی به کودکان شد تا آنها با حفظ حریم های خانواده برای تلاش کردن و دستمزد گرفتن و لذت بردن از این فعالیت آماده شوند و در ذیل آن بدی کسب درآمد از هر راهی هم برایشان آشکار شود. با حسنی عبدالهی روانشناس در مورد این موضوع گفت و گو کردم و پاسخ هایی که گرفتم، چراغ های راهی را برای روشن کردن که قصد دارم آنها را در ادامه مطرح کنم.

اولین چیزی که بسیار مهم است این که ما تفاوت یک سری مفاهیم رو به عنوان والد حتماً بدانیم. اصطلاح پول توجیبی با درآمد متفاوت بوده و سن تعلق گرفتن این دو هم در کودکان متفاوت است. پول توجیبی همان مقدار مبلغی است که هر خانواده به تناسب شرایط و ارزش هایش برای بچه در نظر گرفته و می تواند ماهانه یا هفتگی از ۵ یا ۶ سالگی با توجه به شناخت والدین از فرزندشان در اختیارش قرار گیرد تا با نظارت مستقیم خانواده مصرف شود. درآمد هم یعنی فرزند در ازای کاری پول به دست بیاورد. حال می تواند از خود پدیدر و مادر یا از افرادی که صلاح دید خانواده بوده مثل پدر بزرگ و مادر بزرگ یا... باشد. در مورد کسب درآمد، داشتن قواعد مشخص و شفاف که هر دو طرف بدانند و به آن پایبند باشند بسیار مهم است. یکی از این قاعده ها این است که ما به ازای خلق ارزش یا کسب مهارتی پول دریافت می کنیم.

مقبولیت فعلیتی که صورت می پذیرد باید حتماً در چهارچوب ارزش ها و قوانین پدر و مادر باشد و بنا بر اعتمادی که خانواده به فرزند دارند و این را صریحاً اعلام می کنند، می توانند از آن فعالیت کسب درآمد کنند. این نوع کسب درآمد سن خاصی نداشته و معمولاً با تفاوت های فردی در خانواده سنجیده می شود. کودکی از ۹ یا ۱۰ سالگی این توانایی را داشته و خانواده می توانند با گفت و گو و مشخص کردن حریم ها و ارباب انجام فعالیت های مشخص و کسب درآمد سوق دهند. شخصی هم تا سنین بالاتر و نزدیک به جوانی این توانایی را نداشته و بنا بر صلاح دید خانواده هنوز از پول توجیبی



طرز تهیه کوکی جو و کدو

ساعت در یخچال استراحت بدهید. دقت کنید که به هیچ وجه این زمان استراحت را از مراحل کار حذف نکنید. کف سینی شیرینی پزی را کاغذ روغنی بپندازید. اگر از کاغذ روغنی رولی استفاده می کنید و روی سینی ثابت نمی ماند، از خمیر کوکی به عنوان چسب استفاده کنید و مقدار خیلی کمی از خمیر، چهار طرف زیر کاغذ بزنید. برای پخت کوکی نباید از سینی خود فر استفاده شود، می توانید از سینی رولت یا سینی گالوانیزه استفاده کنید. نحوه تقسیم بندی خمیر کاملاً سلیقه ای است. می توانید با اسکوپ بستنی، از خمیر برداشته و روی سینی بگذارید و بعد با دست نمدا کمی روی سطح کوکی فشار بدهید.

می توانید هم از خمیر گلوله های ۱۵ گرمی جدا کنید، دو گلوله را روی هم گذاشته و به آرامی با انگشتان روی گلوله های خمیر فشار بدهید تا به هم بچسبند و با هم ترکیب شوند. با این روش کوکی پهن نمی شود و ارتفاعش را حفظ می کند. بعد از فرم دادن خمیر، فر را روی ۱۸۰ درجه سانتیگراد برای فر گازی یا ۱۶۰ درجه برای فر برقی روشن کنید تا گرم شود و در این فاصله سینی کوکی را در یخچال استراحت بدهید.

سینی کوکی را به مدت یک ربع در فر گرم شده بگذارید. بعد از ۱۴ دقیقه سینی را چک کنید، اگر دور کوکی ها قهوه ای و روی آنها طلایی شده باشد یعنی کافی است. در غیر این صورت دو دقیقه دیگر هم مدت پخت را افزایش بدهید. سینی را بعد از اتمام پخت روی توری خنک کننده بگذارید و تا زمان خنک شدن (حدود نیم ساعت) به هیچ وجه به کوکی ها دست نزنید. کوکی بعد از پخت بسیار نرم و شکننده بوده و در صورت دست زدن از هم می پاشد. بعد از خنک شدن، کوکی ها را از کاغذ روغنی جدا کرده و در ظرف در بسته بچینید. این کوکی تا پنج روز در دمای محیط و تا یک هفته در یخچال قابل نگهداری است.

از اینکه این آموزش را تا انتها با من همراه بودید از شما سپاسگزارم. امیدوارم لحظات شیرین زندگی تان هر روز بیشتر از روز قبل باشد.

آرد را بعد از اندازه گیری یک دور الک کرده و در دور دوم بیکینگ پودر، جوش شیرین، نمک، دارچین، زنجبیل و در صورت تمایل جوز هندی را هم روی آرد بریزید و به همراه آرد الک کنید. در انتها مواد خشک را با حوصله با همزن دستی یا چنگال مخلوط کنید تا کاملاً یکدست شوند و مجدد یک بار دیگر همه را با هم الک کنید. الک کردن به بهتر شدن بافت نهایی کوکی کمک می کند و باعث می شود بافت سبک تری داشته باشد.

کره و هر دو نوع شکر را در کاسه تمیزی بریزید، مواد را با دور متوسط همزن به مدت سه تا چهار دقیقه بزنید تا روشن، یکدست و حجیم شوند. حتماً در بین کار همزن برقی را خاموش و مواد را با لیسک از دیواره های کاسه به وسط جمع کنید و بعد هم زدن را ادامه بدهید. پوره کدو را اضافه کرده و مواد را با دور متوسط همزن تا جایی هم بزنید که کاملاً یکدست شود. زرده تخم مرغ و وانیل را به مواد اضافه کنید و با دور متوسط همزن در حد یکدست شدن بزنید. بعد از این مرحله یک دور کاسه را دورگیری کنید تا از یکدست بودن مواد مطمئن شوید. مواد خشک را در دو مرحله اضافه کنید و بعد از هر بار اضافه کردن، با کندترین دور همزن فقط و فقط در حد مخلوط شدن هم بزنید.

بافت مایه کوکی بعد از اضافه کردن آرد، بسیار لطیف و کمی شل است. به دلیل اینکه جو جذاب شدیدی طویلت است، این حالت بعد از اضافه کردن جو رفع می شود و بافت سفت و خمیری بدست می آید. جوپرک را اضافه و با لیسک در مواد فولد کنید. تا جایی هم بزنید که دانه های جو به صورت یکدست در مواد پخش شود. در این مرحله می توانید شکلات چیپسی، خشکبار خرد شده (گردو، فندق، بادام و...)، شکلات تلخ خرد شده یا مویز در مایه کوکی مخلوط کنید؛ این کار کاملاً دلخواه است و می توانید هم هیچ کدام از این مواد را نریخته و کوکی را به صورت ساده آماده کنید.

بعد از این مرحله روی کاسه را با محافظ غذا یا بشقابی ببوشانید و مایه کوکی را به مدت یک



طعم کدو در کیک ها
و نان ها آن چنان
محسوس نیست
و می توان از این
روش برای مصرف
کدو برای کودکان
یا کسانی که تمایل
چندانی برای
خوردن این سیفی
فوق العاده ندارند،
استفاده کرد

روایت نو

محراب آبی مادربزرگ

 عطیه داودی نژاد
نویسنده نوقلم


می آمد سجاده قرمز
ترمه دوزیش را روی
ملافه ای سفید پهن
می کرد و دمپایی های
پلاستیکی طوسی
رنگش را کنار سجاده
جفت می کرد و پیراهن
سفید نمازش را تن
می کرد و رویش چادر
نماز می انداخت و
می شد یک تکه ماه که
بین کاشی های آبی
راهرو تاریک زیرزمین
می درخشید

پله های منتهی به پاگرد زیر زمین تبدیل شده به عبادتگاه مادربزرگم، از جوانی وسواس آب و آبکشی داشت و برای هر وعده نمازش تنها جایگاهی که از نظراو پاک بود همان یک قطعه از زمین خانه بود و کسی حق نداشت واردش شود. می آمد سجاده قرمز ترمه دوزیش را روی ملافه ای سفید پهن می کرد و دمپایی های پلاستیکی طوسی رنگش را کنار سجاده جفت می کرد و پیراهن سفید نمازش را تن می کرد و رویش چادر نماز می انداخت و می شد یک تکه ماه که بین کاشی های آبی راهرو تاریک زیر زمین می درخشید.

سقف کوتاه پاگرد، دعاها ی زیادی را به عرش رسانده بود. حالا که پادرد امانش را بریده و رمقی در تن جهان دیده اش نمانده، امکانات پاگرد را بیشتر کرده ایم مثلاً کنار دیوارهای راهرو روی کاشی را میله زدیم تا برای پایین و بالا رفتن دست به دامن آن شود و چون برای آب و آبکشی سمعکش را برمی دارد برای یک پریش زنگ رو به روی جانمازش نصب کردیم تا وقتی کاری دارد با آن ما را خبر کند. علامت ما هم برای اینکه صدایمان را به گوش های بدون سمعکش برسائیم این بود که چراغ راهرو را دوبار روشن و خاموش کنیم تا سرش را برگرداند سمت بالا پله ها و ما با اشاره حرفمان را به او برسائیم.

کنار سجاده تمیز و خوش بویش یک کتاب دعاست که شرحه شرحه شده از دنبال کردن چشم های تشنه اش، گاهی با توسل، شفای نوازش را گرفته و گاهی در ظهرهای عاشورا خیس اشک های روضه علی اصغر حسین (ع) شده است. روبه رو سجاده یک ساعت دیواری هم زده ایم تا حالا که نحیف و خسته شده و نمازهای ظهر و شامش را نزدیک به هم می خواند، ساعت را چک کند و زمان نمازش پیش نرود.

روی پله ها قالیچه قرمزی پهن است که ختم می شود به سجاده اش و از آنجا به بعد را سنگ کرده ایم تا بتواند آب بکشد. وقتی نوازش داشت سیم کشی زنگ پاگرد را می کرد هرکس که می آمد خاطرات خریدهایش از ناصر خسرو را می گفت و اینکه چقدر سرحال هر چند روز یکبار می رفته و با کلی خرید برمی گشته و آن زمان اسمش: «اون زمان که من پا داشتم» است. در کل هر زمان بخواهد از جوانی اش بگوید برمی گردد به آن زمان که پا داشته و با شوغ و ذوق با برق چشم های سیاهش تعریف می کند و بلند بلند می خندد.

یک بار که برق رفته بود از قضا فقط من پیشش بودم، بلند بلند فریاد می کشید: «عطیه خانم اون شمع رو بیار مامان.» من برایش یک چراغ قوه خریدم بودم اما مثل تمام چیزهایی که می بخشد آن را هم در بی منطق ترین حالت ممکن بخشیده بود به نوه همسایه قدیمی اش. سال هاست به هیچ چیز و هیچ جاتعلق ندارد. برعکس آن زمان ها که پا داشت و کل ناصر خسرو را می خریده و می آورده خانه.

حالا چهار دست و پا می رود و هر وعده نمازش را با عشق در محرابش به جا می آورد.

کاشی های آبی از پاگرد که رد می شوند می رسند به موتورخانه و بند رخت لباس های سفید مادربزرگ را که رد کنیم می رسیم به یک حمام که در اولش باز می شود به روی یک اتاق کوچک و یک سکو که رویش حوله و لباس هایش است و در آهنگی بعدی وارد حمام می شود با یک دوش قدیمی بزرگ که آبش جمع می شود داخل یک لگن قرمز که تن وسواس مادربزرگ را سالیان سال است که پاک نگه داشته است.

روایت های نو از نگاه نوجوان

من قاتل فردایم نمی شوم

 مریم علیزاده
نویسنده نوقلم


چراغ که قرمز می شود سریع به آن طرف خیابان می روم و خستگی این چند ساعت را روی نیمکت ایستگاه آویزان می کنم انگار با این کار کمی سبک تر می شوم. نگاهی به صفحه ال سی دی روی دیوار ایستگاه می اندازم، نوشته اتوبوس در حال ورود به ایستگاه است در حالی که در واقعیت خبری از اتوبوس نیست. خستگی های نشسته روی نیمکت دوباره در وجودم جمع می شوند. کوله ام را از روی نیمکت برمی دارم و در بغل می گیرم تا خانم ایستاده کنار ایستگاه هم جایی برای نشستن داشته باشد.

روی نیمکت ایستگاه نشسته ام اما فکرم هنوز در سالن مدرسه پرسه می زند. هنوز صدای مدیر را می شنوم، هنوز هم از شنیدن آن حرف ها رنج می کشم گاهی دلم می خواهد افکار خسته و مجروحم را در یک اتاق جمع کنم بعد در اتاق را برای همیشه قفل کنم. چند دقیقه ای که می گذرد اتوبوس سفید، جلوی ایستگاه می ایستد، کوله ام را در دست می گیرم و خود را به داخل اتوبوس می رسانم. زیپ کوله ام را باز می کنم و هرچه با دستم به دنبال کیف پول چرمی می گردم پیدا می کنم. لحظه ای سالن مدرسه و مدیر آن حرف ها را فراموش می کنم اکنون افکارم درگیر پیدا کردن کیف پولی است که باورم نمی شود گم شده، بعد از چند دقیقه گشتن به خودم می آیم و می فهمم چند ایستگاه گذشته.

سردرگم باید برگردم و پیاده دنبال کیف پول بگردم یا بروم سمت خانه و جلسه بعد که به مدرسه می روم از مستخدم مدرسه سراغ کیف پولی را بگیرم که اصلاً نمی دانم آن را کجا گم کرده ام. خانومی که کنارم ایستاده به آرامی می گوید: اگه کارت همراهتون نیست می خواهید برایتان کارت بزنم؟ با کمی تردید می گویم: (بله خیلی ممنون) صدای برخورد کارت با دستگاه کارتخوان را که می شنوم می فهمم که خواسته یا ناخواسته تصمیمم راجع به کیف پول گرفته شده. تشکر می کنم و می گویم: (اگر اشکالی ندارد پولتان را برایتان بگذارم صدقه) لبخندی می زند و می گوید: (قابل ندارد ممنون) میله زرد را محکم ترمی چسبیم، می دانم که امروز اگر تا آخر شب در فکر اتفاقات این چند ساعت باشم دیگر نمی توانم کاری انجام دهم، تازه ممکن است فردایم هم خراب شود و قربانی حرف ها و اتفاقاتی شوم که بخشی از آن از اراده من خارج بوده، افکارم تا همین لحظه هم بسیار خسته و مجروح است پس چرا باید با غرق شدن در آنها ضربه آخر را به خودم بزنم؟ چرا باید بشوم قاتل این جان خسته و زخم دیده؟



تا همین لحظه هم بسیار خسته و مجروح است پس چرا باید با غرق شدن در آنها ضربه آخر را به خودم بزنم؟ چرا باید بشوم قاتل این جان خسته و زخم دیده؟





نیاز به توجه و خطرات ناشی از آن

نوجوانان را جدی بگیرید

یکتا مجد
نویسنده نو قلم

افزایش داشته است. پیشرفت تکنولوژی تا جایی جذاب است که سلامت جسم و روح افراد را به خطر نیندازد.

با گسترش روزافزون فضای مجازی و کوتاه شدن زمان دسترسی به اطلاعات روز، سطح هیجان‌ات از دیدن و شنیدن این اخبار و حواشی بسیار

دنیای مدرن، جهانی سراسر شوق به دیده شدن و در معرض توجه بودن را با سرعتی باورنکردنی در وجود تمام بشر گسترانده است.

چند سالی است که عده‌ای با انجام کارهای عجیب و گاهی پرخطر دیگران و کاربران معمولی رسانه‌ها را دعوت به انجام دادن آن اعمال و قرار گرفتن در این حلقه دیده شدن می‌کنند و نام آن را چالش گذاشته‌اند. چالش در واقع به معنی به وجود آوردن یک پرسش یا یک مسأله برای سایر اشخاص است که آنها در مقابل تلاش برای یافتن پاسخ درست یا حل کردن آن به روش صحیح می‌کنند.

در فضای مجازی بخصوص اینستاگرام نیز این چالش‌ها به صورت سؤال، فعالیت، حرکت یا سایر موارد دیگر به نمایش گذاشته می‌شود. معمولاً آغازگر این فعالیت یا چالش‌ها به صورت مشخص افراد یا گروه پرمخاطبی هستند که برای سرگرمی و افزایش تعداد مخاطبان دست به چنین رفتارهایی می‌زنند. این چالش‌های طراحی شده دست به دست در میان تمام پیج‌ها و اکانت‌های پربازدید چرخیده و میان کاربرانی که معمولاً مصرف‌کننده هستند در این فضا می‌رسد و آنها را در مسیر دیده شدن با این فعالیت‌ها انداخته تا با وارد شدن به این چالش‌ها در پی یافتن جواب و طرز صحیح انجام دادن یک حرکت، ساعت‌ها تلاش بی‌ثمر داشته باشند.

چالش‌ها مضمون‌های مختلفی دارند که از میان آنها به سه دسته پرتعداد می‌توان اشاره کرد. دسته اول، چالش‌های خیرخواهانه و عام‌المنفعه، دسته دوم چالش‌های طنز و دسته سوم چالش‌های خطرناک یا به اصطلاح آدرنالین است.

در سال‌های گذشته، آمار در کشور منتشر شده که حدود ۲۱ درصد از کاربران فضای مجازی را بازه سنی ۱۵ تا ۲۴ تشکیل می‌دهند و ۵۳ درصد از این آمار هم مربوط به کاربران ۲۵ تا ۲۹ سال است.

درصد شرکت‌کننده‌ها در چالش‌های جهانی تیک‌تاک و یوتیوب که عموماً اجرا و به نمایش گذاشتن آنها در اینستاگرام انجام می‌شود، حدود ۶۹ درصد از کل کاربران فضای مجازی اعلام شده است. معروف‌ترین و شاید اولین چالشی که با عنوان حمام یخ در سرتاسر جهان شناخته شده و بسیاری از سلبریتی‌ها و حتی تعدادی از مقامات ارشد کشورها در آن شرکت کردند، پربازدیدترین چالش جهان نام دارد.

بعد از آن افراد برای جا نماندن از این قطار دیده شدن و احتمالاً جذب مخاطب و به بهانه‌هایی چون الگوریتم‌های هر روز در حال تغییر اینستاگرام، دست به تولید چالش به امید جلب توجه کاربران جهانی و افزایش مخاطب زدند.

در این میان بیشترین اجراکنندگان این چالش‌ها همان ۲۱ درصد رنج سنی ۱۵ تا ۲۴ سال هستند که قشر نوجوان را تشکیل می‌دهند. دوران نوجوانی و تغییرات هورمونی از یک سو و میل به جذب و جلب توجه از سوی دیگر و ماشینی شدن زندگی و تلاش برای معاش و رفاه بیشتر از سمت والدین همگی دست به دست هم داده و این گروه سنی را در فضای ذهنی خود و میان انبوه اطلاعات و حواشی ناامن رها کرده است.

انجام این چالش‌ها و فرامین مجازی حس قدرت و رشد کاذب ذهنی را در ناخودآگاه نوجوان تقویت می‌کند.

یکی از پرخطرترین چالش‌هایی که تلنگری برای جامعه جهانی بود و توانست تا حدی از پیشروی این سیلاب گل‌آلود جلوگیری کند چالش بازی نهنگ آبی و خودکشی جلو دوربین بود.

این بازی بعد از فراگیر شدن در سال ۲۰۱۳ در جهان، جان بیش از ۱۳۰ نوجوان را گرفت. طراح این بازی فیلیپ بودکین در دادگاه اعتراف کرد: هدفش پاک‌سازی زمین از آدم‌های بی‌مصرف و بی‌فایده است. فیلیپ بودکین در توضیح خود گفت: با طراحی این بازی قصد داشتم کسانی که وقت اضافه دارند و علاف و بیکار هستند و این چنین بازی را انجام می‌دهند از روی زمین محو کنند. در این میان چالش‌های دیگر هم به میان آمد که همگی باهدف قبح شکنی و حیا زدایی، فعالیت‌های بی‌فایده، خطرناک و توهین‌آمیز را جالب وانمود کرده و روی آنها نام‌هایی چون تخلیه انرژی منفی یا گسترش شادی در جهان گذاشته‌اند.

چالش رقص در کنار اتومبیل روشن، دروغ به والدین و دیدن واکنش آنها، آرایش با چشمان بسته، غذا خوردن بدون استفاده از بینی برای تنفس و... از جمله فعالیت‌هایی هستند که هدف از بین بردن کرامت انسانی و احترام به والدین و سوق انسان به سمت مصرف‌گرایی را دنبال می‌کنند. مدت‌ها از ایجاد این چالش‌ها و شرکت افراد با گرایش‌های مختلف در آن می‌گذرد

که پای چالش‌های روان‌شناسی ۱۰۰ روز سخت، ۲۱ روز تا خودسازی، آرامش درون، صلح جهانی و... به میان آمده و افراد را ترغیب به زندگی سالم می‌کند، البته این به خودی خود بد که نیست بسیار هم خوب است تا جایی که این آرامش و صلح را دور از خداپرستی، و دین را در تنافی با آسایش، پیشرفت و زندگی آرام ندانند. چالش جدیدی که به تازگی در میان نوجوانان شکل گرفته، برخاسته از یک صفحه متعلق به فردی در آسیای شرقی بوده که با سبک زندگی خاص، میل به خوردن غذاهای پرادویه و بسیار تند را در صفحه خود به نمایش گذاشته است. این چالش که به چپیس فلفلی معروف است توانسته کاربران زیادی را در یوتیوب با خود همراه کند که آنها با خوردن چپیس فلفلی در مدت ۲ دقیقه سعی در شکستن رکورد فرد دیگری دارند.

چالشی که تا کنون تعداد زیادی را دچار مشکلات گوارشی و جسمی کرده و جان یک پسر ۱۴ ساله را نیز گرفته است. بی‌هویتی، جدی گرفته نشدن در جمع دوستان، میل به دیده شدن و عدم نظارت و خلأگفت‌وگو صحیح از سمت خانواده‌ها همگی باعث گرایش هرچه بیشتر این قشر آسیب‌پذیر در جوامع با اهداف سازماندهی شده و تأثیر آن در آینده نوجوانان و متعاقباً نسل بعدی جهان شده است. امیرالمؤمنین علی (ع) در نامه ۳۱ کتاب شریف نهج‌البلاغه می‌فرماید: دل نوجوان مانند زمین آماده است که هر بذری در آن افشاندن شود، می‌پذیرد.



بی‌هویتی، جدی گرفته نشدن در جمع دوستان، میل به دیده شدن و عدم نظارت و گفت‌وگو صحیح از سمت خانواده‌ها همگی باعث گرایش هرچه بیشتر این قشر آسیب‌پذیر به فضاهای پرخطر است



به صرف نوستالژی برای کودکان دهه شصت و هفتاد هایدی یا فوتبالیست‌ها

نوشین تقی‌بی
نویسنده

فقط دو-سه ساعت، خانم خامنه برای متولدین دهه هشتاد و نود، احتمالاً این روز چندان اهمیتی نداشته باشد ولی برای ما متولدین دهه‌های ۶۰ و ۷۰، روز جهانی کودک به اندازه عید نوروز مهم بود. چون تنها روزی بود که تلویزیون صبح تا شب کارتون پخش می‌کرد! چیزی که امروز به لطف شبکه پویا و دسترسی به اینترنت و پلتفرم‌های تماشا آنلاین فیلم و کارتون، بسیار عادی به نظر می‌رسد. برای ما مهم نبود چه کارتونی پخش می‌شود، تکراری است (که اغلب بود) یا جدید. آن چیزی که اهمیت داشت یک روز کارتون دیدن بدون وقفه بود. وقتی با هم سن و سال‌هایم در مورد دوران کودکی حرف می‌زیم، اغلب صحبت به کارتون و انیمیشن‌های آن دوران نیز کشیده می‌شود؛ کارتون‌هایی که حتی اگر نامشان در خاطرم مانده باشد، اسم شخصیت‌ها قطعاً در ذهن همه ما هست. هایدی، الستون و ولستون، مخمل، لولک و بولک، پت و مت، کیپل و نارنجی و کاراکترهای دیگری که بخش بزرگی از دوران کودکی ما را تشکیل داده‌اند.

آن روزها، خبری از استودیوهای بزرگ و تزئین شده و خاله‌های خوش لباس و رنگی نبود. در طول روز ۱۶ مهر روز جهانی کودک است. برای متولدین دهه هشتاد و نود، احتمالاً این روز چندان اهمیتی نداشته باشد ولی برای ما متولدین دهه‌های ۶۰ و ۷۰، روز جهانی کودک به اندازه عید نوروز مهم بود. چون تنها روزی بود که تلویزیون صبح تا شب کارتون پخش می‌کرد! چیزی که امروز به لطف شبکه پویا و دسترسی به اینترنت و پلتفرم‌های تماشا آنلاین فیلم و کارتون، بسیار عادی به نظر می‌رسد. برای ما مهم نبود چه کارتونی پخش می‌شود، تکراری است (که اغلب بود) یا جدید. آن چیزی که اهمیت داشت یک روز کارتون دیدن بدون وقفه بود. وقتی با هم سن و سال‌هایم در مورد دوران کودکی حرف می‌زیم، اغلب صحبت به کارتون و انیمیشن‌های آن دوران نیز کشیده می‌شود؛ کارتون‌هایی که حتی اگر نامشان در خاطرم مانده باشد، اسم شخصیت‌ها قطعاً در ذهن همه ما هست. هایدی، الستون و ولستون، مخمل، لولک و بولک، پت و مت، کیپل و نارنجی و کاراکترهای دیگری که بخش بزرگی از دوران کودکی ما را تشکیل داده‌اند.

فقط دو-سه ساعت، خانم خامنه و خانم رضایی، از پشت قاب کوچک تلویزیون ما را وارد دنیا جادویی می‌کردند. فکرنمی‌کنم هیچ کدام از بچه‌های این نسل فراموش کرده باشد که با توصیه‌های خانم رضایی، مدام از تلویزیون فاصله می‌گرفتیم تا چشم‌هایمان ضعیف نشود. تصور بیشتر ما این بود که از پشت قاب شیشه‌ای تلویزیون قادر به دیدن ما هستند و دلمان نمی‌خواست بچه‌های شلوغ و حرف‌گوش نکنی به حساب بیاییم.

امروز، تعداد کارتون‌ها و انیمیشن‌هایی که در ایران و جهان تولید می‌شود آنقدر زیاد است که قطعاً هیچ کودکی قادر به دیدن همه آنها نیست. فکرنمی‌کنم اگر ۱۰ سال بعد از کودکان امروز بپرسیم که با چه کارتون‌هایی خاطره دارند، جواب‌های یکسان بگیریم. ولی یکی از خاطرات مشترک ما دهه شصتی‌ها و هفتادی‌ها، عرو و سک‌ها و انیمیشن‌های ساده‌ای بودند که دنیای کودکان ما را می‌ساختند. به بهانه ۱۶ مهر، می‌خواهم کمی نوستالژی بازی کنم و از پرطرفدارترین کارتون‌های دهه هفتاد بنویسم. اگر شما هم دلتان هوای دوران کودکی را کرده‌است، با من همراه باشید.

عروسک‌هایی که با ما زندگی می‌کردند

شاید نقطه مشترک عروسک‌هایی که در آن دوران ساخته می‌شدند، ترسناک بودن آنها بود! کاراکترهایی که اگرچه هدف آنها انتقال پیام‌های تربیتی و آموزشی به بچه‌ها بود، ولی از نظر ظاهری بیشتر به آناپل شباهت داشتند! یکی از خاطرات کودکی من این است که هر بار با دیدن کارتون خانه مادربزرگه و عروسک مادربزرگ از ترس گریه می‌کردم. اما با وجود این عروسک‌های کمی ترسناک و نازیبیا، هنوز بیشتر ما آهنگ تیتراژ خونه مادربزرگه، مدرسه موش‌ها، السون و ولسون و زی‌زی گولو را بلدیم. ما بچه‌های دهه هفتاد وقتی دوستان زی‌زی گولو برای بردن او به سیاره خودشان آمدند غمگین شدیم، از شیطنت‌های دم باریک و کیپل و عینکی و نارنجی ریسه رفتیم، نگران رابطه مخمل و گل باقالی خانم بودیم و مراقب بودیم گول دودن را نخوریم.

چشم‌درشت‌های ژاپنی

امروز تعداد زیادی از نوجوان‌ها طرفدار انیمه‌های ژاپنی هستند. اما تولید انیمیشن‌های محبوب در ژاپن از سال‌ها قبل وجود داشت. همه ما ظاهر جمعه منتظر بودیم تا قسمت جدید فوتبالیست‌ها را ببینیم تا بفهمیم سرنوشت تویی که این یک هفته در آسمان بود چه می‌شود. بابا

امروز تعداد زیادی از نوجوان‌ها طرفدار انیمه‌های ژاپنی هستند. اما تولید انیمیشن‌های محبوب در ژاپن از سال‌ها قبل وجود داشت. همه ما ظاهر جمعه منتظر بودیم تا قسمت جدید فوتبالیست‌ها را ببینیم تا بفهمیم سرنوشت تویی که این یک هفته در آسمان بود چه می‌شود. بابا

دست‌کی بالا؟ بستنی



یکی از عوارض بالا رفتن سن و بزرگ شدن، دلتنگی برای دوران کودکی است. امروز ما دهه ۶۰ و ۷۰‌ها زنان و مردان بزرگسالی هستیم که شاید مادر و پدر هم شده باشیم، ولی بدون شک اگر موسیقی هر کدام از کارتون‌های دوران کودکی به گوشمان بخورد به همان عصر پاپی‌پاپی پرتاب می‌شویم که بعد از بازگشت از مدرسه پای تلویزیون‌های کوچک ۲۱ اینچی نشسته‌ایم و بی‌صبرانه منتظر شروع تیتراژ برنامه کودک هستیم.

آقای مرجی! و کلاه قرمزی



تعداد زیادی از بازیگران باتجربه و نام‌آشنای امروز، در دهه هفتاد کاراکترهای اصلی مجموعه‌های تلویزیونی مخصوص کودکان بودند. اکبر عبدی، زنده‌یاد حسین پناهی، آتیلا پسیانی، زنده‌یاد حسین محب‌اهری، ایرج طهماسب، حمید جبلی، زنده‌یاد رضا زیان، فردوس کویانی و فاطمه معتمد‌آریا جزو چهره‌ها و نام‌های آشنای آن روزها بودند. آن روزها که خبری از برنامه‌های متنوع آموزشی نبود، ما در محله برویبا قوانین را یاد گرفتیم، در محله بهداشت، یاد گرفتیم به سلامتی و بهداشت‌مان اهمیت بدهیم، با کلاه قرمزی برای دیدن آقای مجری به تهران سفر کردیم، با سیب خنده ریسه رفتیم و همراه مجید و بی‌بی زندگی کردیم.





ساخت سی و سه پل لذت ببرید. پربازدیدترین برج جهان، ایفل هم به تازگی تکمیل شده و برای دیدن همه آن نیازی به آسانسور ندارید! در آخر هم به لسان الغیب حافظ شیرازی سر بزیند و به یاد او فاتحه ای کنار ماکت مزارش بخوانید. شاید هم تقالی کنید و بیاید: «دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند.»

در این پارک از تخت جمشید ایران باستان و معبد پارتنون رومی ها می توانید شروع کنید. اطراف اهرام ثلاثه مصر و هم آلود و استون هنج اسرارآمیز انگلستان بچرخید. کنار برج کج پیزا ایتالیا عکس یادگاری بیندازید و در تاج محل یادی از ملکه ایرانی محبوب هند نمایید. بعد برای استراحت کنار آب بروید و از نبوغ ایرانی در



دور دنیا در نیم روز

جهانگردی در سرزمین تاک ها

عطیه عیار
نویسنده



ساخته شده اند، اما همچنان می توان زیر سرستون های تخت جمشید یا پای اهرام مصر ایستاد و شکوه نیاکان باستانی بشر را نظاره کرد.

اواخر شهریور و اوایل مهر، هوای ملایم خنک است. از طرفی فصل انگورچینی است. بعد از بازدید پارک ملل می توانید برای سوغاتی شیره خالص و خوش طعم ملایرو کشمشک تازه بخرید. ملایر در غرب ایران و بین اراک و همدان است. برای همین از استان های مرکز، شمال غربی و جنوب غربی می توان در مدت زمانی کوتاه و برای تعطیلات آخر هفته به این شهر سفر کرد.

ثلاثه مصر و هم آلود و استون هنج اسرارآمیز انگلستان بچرخید. کنار برج کج پیزا ایتالیا عکس یادگاری بیندازید و در تاج محل یادی از ملکه ایرانی محبوب هند نمایید. بعد برای استراحت کنار آب بروید و از نبوغ ایرانی در ساخت سی و سه پل لذت ببرید. پربازدیدترین برج جهان، ایفل هم به تازگی تکمیل شده و برای دیدن همه آن نیازی به آسانسور ندارید! در آخر هم به لسان الغیب حافظ شیرازی سر بزیند و به یاد او فاتحه ای کنار ماکت مزارش بخوانید. شاید هم تقالی کنید و بیاید: «دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند.»

اگر مدتی قبل می گفتند می توانید طی یک نیم روز همه دنیا را بگردید و ۱۳۸ بنای معروف جهان را از نزدیک ببینید، چه فکر می کردید؟ شاید گوینده رامسخره می کردید یا فکر می کردید داستانی تخیلی برایتان تعریف می کند. اما این حرف نه تخیلی است و نه دروغ. در ایران جایی هست که می توانید ۱۳۸ اثر ملی و بین المللی را ببینید و در میان شان راه بروید. پارک ملل شهر ملایر یا دنیای کوچک (مینی ورلد) چهارمین پارک ملل دنیا و اولین در خاورمیانه است. کلنگ احداث این پارک اوایل دهه هشتاد زده شد. اما تا سال ها طرح با کندی پیش رفت و حتی دوره ای هم متوقف شد. ولی خوشبختانه تابستان ۱۴۰۲ به مرحله بهره برداری رسید. حالا همه اهالی ملایر و البته مسافران از سراسر ایران می توانند هرزمانی از روز و بدون پرداخت هزینه ورودی از این مجموعه دیدنی استفاده کنند. در این پارک از تخت جمشید ایران باستان و معبد پارتنون رومی ها می توانید شروع کنید. اطراف اهرام



پارک ملل شهر ملایر یا دنیای کوچک (مینی ورلد) چهارمین پارک ملل دنیا و اولین در خاورمیانه است که می توانید طی یک نیم روز همه دنیا را بگردید و ۱۳۸ بنای معروف جهان را از نزدیک ببینید



طنز



افزایش خشونت در ایران

کارشناس بی بی سی:
افزایش مدال در ورزش های رزمی
نشان می دهد که حکومت به دنبال
پرورش نیروهای جنگجو و خشن است

اصلاً هم درد نداشت

یک ورزشکار اروپایی که
نمی خواست کیمیا علیزاده باشد،
در واکنش به درخشش بانوان
ایرانی در بازی های آسیایی
هانگژو گفت: مهم تر از گرفتن
مدال، هو آوردن سلول های
پوستی سر موقع زدن چاکیه.

هانگژو یا هانگژو

براندازان مدعی شدند چینی ها با تغییر
هانگژو به هانگژو به اجتماع بزرگ ژن ژیان
آزادی پیوسته اند

رضایه لوی:

الفتی بالهام از پشتک های من
موفق به کسب این مدال شده
و این مدال نیز جزو افتخارات
حکومت پهلولی است

سخنگوی دولت سابق:

تشک هایی که باهش الفتی
مدال ژیمناستیک گرفت رو مادر بزرگ
رئیس جمهور سابق کوک زده بوده

یک خبرگزاری مطمئن:
ایران باز هم لو رفت

کار خود شونه یخ زده

با توجه به منابعی موثق مشخص شد که ایران، ورزشکاران زن را سال گذشته از
کشورهای همسایه وارد و برای بازی های آسیایی هانگژو فریز کرده است.

یکی از اعضای شورای رقابت:

سامانه یکپارچه خودرو حذف شده اما حذف نشده. مردم
می توانند به صورت مستقیم از در کارخانه خودرو بخرند اما
نمی توانند خودشان مستقیم اقدام کنند.

یک جامعه شناس:

عدم کسب مدال توسط
عربستان در هفته اول
بازی های آسیایی نماد
توسعه است

عربستان نشان داد که آسیا برایش
اهمیتی ندارد و تمرکزش روی بازی های جهانی
است. وگرنه چرا مدال نیاورد؟!

مافیای شلوار کشور در پاسخ به تهدید
مافیای بانکی کشور گفت:

آماده مذاکره با مافیای محترم
بانکی جهت حذف هر گونه جیب
از شلوارهایمان هستیم. شما
مشتری باش، ما راه میایم باهات.

مافیای بانکی
کشور با
تأیید پایین
کشیدن بنر
ضد بنگاه داری
هشدار داد:

جیب های شلوار
هم با ذخیره
مقداری پول،
می توانند منافع
بانک ها را به
خطر اندازند.
بزودی سراغ
شلوارها هم
خواهیم آمد.

کره ای ها به التماس افتادند

در پی بازپخش پانصد و سی و چهارم سریال جومونگ از تلویزیون ایران، کره ای ها با گریه و التماس خواستار
توقف پخش این سریال شدند. در بخشی از بیانیه جانگداز کره ای ها عنوان شده: ما کره ای ها نگرانیم که با این
بازپخش های مکرر سریال، بالاخره تسونقاط ضعف خود را شناسایی کرده و با رفع آنها بر جومونگ پیروز شود
و در نتیجه سرنوشت سرزمین کره به کلی تغییر کند.

تعدادی از جوانان امریکایی، در اثر مصرف الکل جان خود را از دست دادند. شنیده ها حاکی از این
است که در ابتدای سال ۲۰۲۰ و پس از انتخاب بایدن به عنوان رئیس جمهور، این جوانان با هم قرار
گذاشتند تا با هر کاف بایدن، یک استکان بنوشند. لذا با آخرین سوتی بایدن که ساعتی پیش اتفاق
افتاد، بدن این جوانان جواب نداد و آوردوز کردند.

پدیده کولبری که تا پیش از این صرفاً در مناطق
مرزی کشور مشاهده می شد، این روزها به تمام
شهرهای کشور رسیده است.

کارشناسان علت این پدیده را گرانی سرویس مدرسه می دانند که
باعث شده والدین برای رساندن فرزندان خود به مدرسه، آنها را روی
کول خود سوار کرده و فاصله خانه تا مدرسه را بدوند.

مافیای خودروسازی کشور در واکنش به صحبت های رد و بدل
شده بین مافیای شلوار و مافیای بانکی کشور گفت:
خُبّه خُبّه! دوتا مافیا خوب باهم خلوت کردن!
آقا اگه بحث سر پول و پله هست، ما هم بازی.

خال لب یار بود، تبخال گرفت! مایکروفر او برفک یخچال گرفت!
نشال که می نمود هک در همه عمر دیدی که هر چگونه نشال گرفت؟

امین شفیعی - شاعر

علی زارع
طراح

قانون در برزخ

بهزاد توفیق فر

شاعر

از اول اول؟ بله. ببینید ازدواج بنده از طرف پدرخانم آینده، مشروط به سر بازی شد... چشم میرم سر اصل مطلب. سر بازی بنده افتاد ناجا... بله بله همین فراجا. بنده امروز با تیم اعزام شدیم به محل سرقت مسلحانه... بله می دونم که اونجا نوشته، گفتم شاید... حتماً همینطور. قصدم جسارت نبود.

چشم خلاصه میگم. جنابی که شما باشید، دزد از اونطرف داشت فرار می کرد. اینطرف نه! اونطرف. بنده رفتم جلوش که خواهش کنم صبر کنه تا افسر گشت بیاد و باهم مذاکره کنن... خیر! اگر خودم می گرفتمش به جرم ضرب و شتم از بنده شکایت می کرد... البته در اون قضیه، سر باز از نماینده مجلس سیلی خورد و بعد هم بخشیده شد!... خیر! بله! بعدش دزد به من تته محکمی زد که پرت شدم توی جوی آب. نخیر! اگر لویش می کردم که افسر نگاهان... مؤاخذه ام می کرد. دوباره رفتم دنبالش و سه بار با صدای بلند و به سه زبان فارسی و ترکی و انگلیسی بهش ایست دادم... نخیر! اسلحه نداشتم. چون گزارش سرقت بود، باتوم هم بهم تحویل ندادن. گفتن ممکنه باعث تحریک کسی بشه. دستبند هم باعث التهاب دور مچ و قرمزی میشه. گاز هم میگن برای محیط زیست خوب نیست. خُب طبیعتاً دزد به ایست من وقتی ننهاد... بله کتاب زیاد می خونم بیشتر ادبیات. رشته فوق لیسانسم هم ادبیات و هفت تا مقاله ISI درباره... بله ببخشید. کجا بودم؟ آهان! عرض می کردم که بهش ایست دادم و به همین سوی قبله تمام سعی خودم را به کار بردم تا در ادای کلمات و رعایت قواعد بیان، دچار سستی و کاهلی نشوم.

حتماً مستحضرید که طبق قانون، در هر بار هم خودم رو به طور کامل معرفی کردم و هدفم رواز دادن ایست به ایشون واضح و شفاف گفتم... خُب کمی وقت می بره ولی قانونه. اگر اینکارو نکنیم دزد از ناجا... بله بله از فراجا، شکایت می کنه و فراجا هم بنده رو... مؤاخذه می کنه. بعدش هیچی دیگه.

بهش رسیدیم و از پشت دستشو گرفتم که یک عدد چاقوی نسبتاً بزرگ از نمی دونم کجاش درآورد و قبل از اینکه بنده شروع به قرائت قانون کنم و بگم طبق بند پ ماده ۴۷ قانون مجازات، حمل و استفاده از اسلحه سرد جرم تلقی میشه، اون چاقوی نسبتاً بزرگ رو کاملاً غیرقانونی درون قلب من فرو کرد و از محل متواری شد... بله شنیدم که دستگیر شده و از داخل زندان از ناجا... ببخشید همون فراجا، شکایت کرده که از فریاد من، دچار ترس و اضطراب شده. فقط من تا کی باید توی برزخ باشم؟



علم یا ثروت؟ مسأله این است

فرشته پناهی
شاعر

آغاز سال نو، کلاً بدو بدو
این ور دبیر نیست، آن ور شده دیو!

رفتم به مدرسه، دیدم که بچه ها
یا گرم بازی اند یا بر زمین ولو

یک عده این عقب خوابیده روی میز
یک عده توی چرت در نیمکت جلو

* در دل دارم امید بربل دارم دعا
لطفاً امید ما! پس زودتر بیا!

عالیجناب آ. پ! برنامه ای بریز
گویا گرفته ای از بچه ها گرو

پاییز آمده یعنی بهار علم
هی خوشه های علم باید کنی درو

گویا که اسب آ. پ افتاده از نفس
لطفاً به او بده یک ذره کاه و جو

* رفته است بی شما مدرسه رو هوا!
لطفاً امید ما! پس زودتر بیا!

هر روز والدین گویند با امید
«دیرت شده بدو، بچه پاشو برو»

از خواب می پریم تا مدرسه بدو و
در راه می خورم اما تلو تلو

من باز می رسم اما دبیر نیست!
تنها کلاس هست با میز و تابلو

* نه علم شد نه پول روزی بچه ها
لطفاً معلما! پس زودتر بیا... *

روحانی:
اونچنان رونق اقتصادی
ایجاد کردم که ازش به
کتاب نوشتن به این قطر
تا همه آیندگان بخون!

فرشته پناهی

روحانی:
بیا اینو بده مردم بخون
این جلد اول تمام
کارهاییه که در دولت
رئیس انجام دادم!

عباس داوری

روحانی:
باید یه همچین کتابی
بنویسم به نام «ارباب
و عده ها»

علیرضا عبدی



سگ باله ما می خوابیم آقا پلیس ساکی می خوابه؟





نازنین اسماعیل زاده
ایده و طراحی

با تشکر از:
علی زارع
محمد رضا رضایی
بهزاد توفیق فر
فیروزه کوهیانی
فرشته پناهی



فناوری و رسانه

زمان باور فردی تا واقعیتی محض



دارد. برخی لایه‌های زمان در مورد مقیاس‌های محدود و دامنه‌های محدود صدق می‌کند. معنایش این نیست که زمان فقط یک توهم است.»

وقتی حرکت می‌کنید زمان کند می‌شود

دانشمندان نخستین بار اثر «اتساع زمان» را در سطح کیهانی مشاهده کردند، مثل وقتی که ستاره‌ای از کنار یک سیاه‌چاله عبور می‌کند. سپس در سال ۲۰۱۰، در مقیاسی بسیار کوچک‌تر، اثر مشابهی را در ساعت‌های اتمی‌ای شناسایی کردند که یکی‌شان ۳۳ سانتیمتر مرتفع‌تر از دیگری قرار داشت. باز هم ساعتی که به زمین نزدیک‌تر بود، عقب‌تر از ساعت بالایی بود. تفاوت بسیار ناچیز بود، اما حاوی پیام عظیمی بود و آن اینکه، زمان مطلق وجود ندارد. زمان، برای هر ساعتی و فردی در جهان متفاوت می‌گذرد. اما حتی اگر زمان با نوسان دائمی سرعت در سراسر هستی می‌گذرد، همچنان به معنای آن است که به معنایی عینی «غیروابسته به شخص» در حال سپری شدن است، درست است؟ نه حتماً.

اما مطالعات آلبرت اینشتین انقلابی در باور پیرامون چپستی زمان به دنبال داشت. اینشتین نظریه نسبیت خود را (نظریه نسبیت خاص در سال ۱۹۰۵ و نظریه نسبیت عام در سال ۱۹۱۶) منتشر کرد و درک ما از زمان به طرز چشمگیری تغییر کرد. در حقیقت او متوجه شد که هر دو عامل فضا و زمان باید متغیر و نسبی باشند و خودشان را باهم تطبیق دهند و این دو از هم جدا نیستند!

به عبارت دیگر هنگامی که مکان تغییر کند زمان هم تغییر خواهد کرد. نظریه نسبیت می‌گوید وقتی جسمی حرکت کند

می‌کند. این جاده‌ای یک‌طرفه است. مثلاً، یک قالب یخ در جای داغ ذوب می‌شود، اما عکس آن هرگز نمی‌تواند رخ دهد. «روولی پدیده مشابهی را برای توضیح این نکته که چرا ما فقط قادریم گذشته و نه آینده را درک کنیم، می‌آورد.

او می‌گوید: «هر زمانی در آینده کاملاً از گذشته متمایز و قابل تشخیص است، چیزی مثل مداخله گرما و حرارت است.

ترمودینامیک جهت زمان را در چیزی به نام «آنتروپی پایین گذشته» ردیابی می‌کند، که هنوز هم پدیده اسرارآمیزی است و بحث‌ها درباره آن بسیار داغ است. «او ادامه می‌دهد: «رشد آنتروپی به زمان جهت می‌دهد و امکان ایجاد ردیابی گذشته را فراهم می‌کند و این امر امکان ایجاد خاطرات را فراهم می‌کند که در کنار یکدیگر حس ما از هویت‌مان را شکل می‌دهد.

من تصور می‌کنم آنچه به عنوان «جریان» زمان درک می‌کنیم، از طریق مطالعه ساختار مغزمان پدید می‌آید تا مطالعه فیزیک.

فرگشت مغز ما را به صورت ماشینی درآورده که بتواند خاطراتمان را به منظور پیش‌بینی آینده تغذیه کند؛ بنابراین «جریان» زمان، در حوزه عصب‌شناسی بیشتر از فیزیک پایه قابل فهم است. نمی‌توان در حوزه فیزیک به جریان زمان فکر کرد، این کار خطاست.»

براین اساس این شما هستید که انتخاب می‌کنید واقعیت موازی آینده که سمت آن حرکت می‌کنید چه باشد. به این ترتیب شما جهتی را که زندگی‌تان طی خواهد کرد انتخاب می‌کنید.

اگر می‌خواهید زندگی‌تان را به طرز چشمگیری تغییر دهید، باید خاطرات گذشته را از شکلی که هم‌اکنون در مغزتان ذخیره شده است، تغییر دهید. خاطرات بخشی از اطلاعات موجود در ناخودآگاه مغز هستند.

این کار به معنای برنامه‌ریزی تفکر و احساسات است. شما می‌توانید دوباره خودتان را برنامه‌ریزی کنید. پس به این معنا آنچه وجود دارد واقعیت‌های موازی است که شما از بین آنها انتخاب می‌کنید، اما زمان وجود ندارد.

روولی می‌گوید: «آنچه زمان می‌نامیم، مفهومی غنی و طبقه‌بندی شده است؛ زمان لایه‌های متعددی

ونوس بهنود

دبیر تحریریه
vbhnood@gmail.com



دانشمندان باور دارند که زمان نسبی و بر اساس ادراک افراد از شرایطی که قرار گرفته‌اند، است و بیش از آنکه یک واقعیت محض باشد، پدیده‌ای قابل برنامه‌ریزی و تغییر است.

شاید این جمله از زمانی که موضوعی دلتنگتان کرده است، با خود مرور کرده‌اید که زمان نمی‌گذرد. به ساعت خیره شده‌اید و تصور کرده‌اید هر دقیقه به اندازه ۱۰ دقیقه کش آمده است.

واقعیتی که دانشمندان روی آن دست گذاشته و با اثبات در آزمایشگاه به این نتیجه رسیده‌اند که گذشت زمان امری نسبی و در تناسب با شرایط یک موجود است.

یک فیزیکدان ایتالیایی به نام کارلو روولی، در کتابی با عنوان «نظم زمان» پیشنهاد می‌دهد که ادراک ما از زمان-این حس که زمان همیشه رو به جلو در حرکت است. می‌تواند ناشی از فراقکتی‌های فردی ما باشد. هرچه باشد، وقتی در کوچک‌ترین مقیاس به واقعیت نظر می‌کنیم، زمان ناپدید می‌شود.

می‌توان تفاوت گذشته و آینده را از بین برد

او می‌نویسد: «اگر وضعیت میکروسکوپی اشیا را مشاهده کنیم، تفاوت بین گذشته و آینده از بین می‌رود. در دستور زبان ابتدایی اشیا، هیچ تمایزی بین علت و معلول وجود ندارد.» پس چرا ما فکر می‌کنیم که زمان همواره دارد رو به جلو حرکت می‌کند؟ روولی می‌گوید: «اگرچه زمان در مقیاس‌های کوچک ناپدید می‌شود، ما هنوز به وضوح رویدادها را در واقعیت به صورت رویدادهای متوالی و پشت سرهم می‌بینیم. به عبارت دیگر، ما آنتروپی را مشاهده می‌کنیم؛ منظور از آن تبدیل شدن نظم به بی‌نظمی است؛ تخم‌مرغ می‌شکند و به تخم‌مرغ هم‌زده تبدیل می‌شود.»

روولی می‌گوید: «ابعاد اصلی زمان توسط دومین قانون از ترمودینامیک توصیف می‌شود که بیان می‌کند گرما همیشه از گرم به سرد تغییر



مطالعات آلبرت اینشتین انقلابی در باور پیرامون چپستی زمان به دنبال داشت. اینشتین نظریه نسبیت خود را (نظریه نسبیت

خاص در سال ۱۹۰۵ و نظریه نسبیت عام در سال ۱۹۱۶) منتشر کرد و درک ما از زمان به طرز چشمگیری تغییر کرد. در حقیقت او متوجه شد که هر دو عامل فضا و زمان باید متغیر و نسبی باشند و خودشان را باهم تطبیق دهند و این دو از هم جدا نیستند!



اضطراب، احساس حقارت، توهین، از خود بیگانگی، نفرت از خود، تلاش برای دروغ‌سازی، فریب، تظاهر و اشتباک برای مورد تأیید قرار گرفتن. اینها گوشه‌های از آسیب‌هایی است که هر روز در فضای مجازی می‌چشیم و حتی واقف بر آن هم نیستیم. فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی بی‌شک از وضعیت فعالیت افراد جامعه در دنیای واقعی و فیزیکی متأثر است.

بخشی از شکل روابط و نوع تعاملات و حتی آسیب‌هایی که در دنیای واقعی وجود دارد در فضای مجازی نیز نمود یافته و در قالب‌های جدیدی خود را نشان می‌دهد. جریان رفتاری حاکم بین کاربران در فضای مجازی البته پیچیده‌تر از دنیای ملموس است. به دلیل اینکه هنوز زیرساخت‌های تعریف شده در شبکه‌های اجتماعی به حدی نیست که بتواند راه‌های فرار مسئولیت‌پذیری را سد کند. در فضای مجازی ما شاهد بازتولید هویت و شخصیت‌هایی هستیم که ممکن است با من واقعی متفاوت و تنها و بی‌تربیتی از آنچه تمایل داریم، باشد. رفتارها نیز به همین ترتیب است. تا جایی که کاربران بسیاری از رفتارها و رویدادهای فضای مجازی آسیب‌های بی‌بازگشت داشته‌اند. به عنوان مثال نبود چهارچوب رفتاری در فضای مجازی و برخورد قانون با موارد صریح جرم موجب شده تا بسیاری از آسیب‌های روانی از سوی کاربران به یکدیگر تحمیل شود. شما به دنبال ارائه عقاید و ایجاد تعامل هستید اما در نهایت بداخلاقی‌های بسیاری را متحمل می‌شوید یا حتی ممکن است خودتان به دیگری تحمیل کنید. پیام دادن با اسم ناشناس، مشاهده پیام و پاسخ ندادن، تظاهر به ندیدن پیام در پلتفرم‌هایی که آخرین مراجعه فرد نامشخص است یا توانایی حذف اطلاعاتی که ارسال یا دریافت کرده‌اید، مصادیقی از رفتارهای تهری از اخلاق است که به سادگی هر روز انجام می‌شود. این در حالی است که مجموع این رفتارها موجب می‌شود از روابط مجازی و کاربران دیگر غریبه‌تر شوید و در نهایت نیز بدون آنکه بدانید دچار زوال رابطه و خروج از آن شده باشید. پلتفرم‌ها در تلاش هستند گروهی از اصول اخلاقی و رفتاری را ترسیم کرده و کاربران را نیز ملزم به رعایت آن کنند. از جمله ممانعت از انتشار محتوای آزاردهنده شامل خشونت یا محدودیت در عضویت و فعالیت کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی و مواردی از این دست. اما چنان که ذکر آن رفت پیچیدگی روابط مجازی به حدی گسترده است که حضور در فضای مجازی پختگی اخلاقی و رفتاری لازم را می‌طلبد؛ پختگی‌ای که باید با آگاهی از تبعات رفتارهایی که با دیگران داریم حاصل شود. هرآنچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نپسند.



پیام دادن با اسم ناشناس، مشاهده پیام و پاسخ ندادن، تظاهر به ندیدن پیام در پلتفرم‌هایی که آخرین مراجعه فرد نامشخص است یا توانایی حذف اطلاعاتی که ارسال یا دریافت کرده‌اید، مصادیقی از رفتارهای تهری از اخلاق است که به سادگی هر روز انجام می‌شود.



در سال ۱۹۷۱ برای آزمایش نظریه اینشتین دو ساعت اتمی، یکی در فرودگاه به صورت ثابت و یکی در هواپیمای مسافری که پرواز می‌کرد قرار دادند و در کمال تعجب پس از بازگشت هواپیما متوجه یک اختلاف چند میلیونیوم ثانیه شدند، دقیقاً همان چیزی که اینشتین گفته بود

واقعی بین دو رویداد که توسط یک ساعت اندازه‌گیری می‌شود شامل هر دو رویداد نیز می‌شود. یعنی زمان مناسب نه تنها به خود وقایع بستگی دارد، بلکه به حرکت زمان بین دو رویداد هم بستگی دارد.

در واقع یک رویداد هم مکان است و هم زمان و می‌تواند توسط یک نقطه خاص در فضا-زمان نشان داده شود.

بنابراین فضا-زمان به عنوان یک کل می‌تواند به عنوان مجموعه‌ای از تعداد نامحدودی حوادث مورد توجه قرار گیرد. نظریه اینشتین می‌گوید: «گذشته و آینده وجود دارند. در حقیقت، گذشته، حال و آینده برای یک جسم خاص (مثل انسان) در یک زمان خاص قابل دسترس است. زمان تنها دنباله‌ای است از وقایعی که در حال رخ دادن هستند. اگر فضا-زمان را به صورت یک تکه نان بزرگ فرض کنیم، همان گونه که تکه نان را می‌توان به روش‌های مختلفی برش داد، در فضا-زمان هم می‌توان برش‌های مختلفی از زمان حال ایجاد کرد. در واقع افراد با سرعت‌های متفاوت در برش‌های متفاوتی از زمان حال قرار دارند و در نتیجه اتفاقاتی را که به صورت هم‌زمان می‌بینند متفاوت است.

زمان برایش کندتر خواهد شد، این یعنی حرکت بر زمان تأثیر دارد؛ به عبارت بسیار ساده زمانی که شما حرکت می‌کنید زمان شما کند می‌شود، مثلاً اگر شما با یک هواپیما سفر کنید و دوست شما در خانه بماند زمان شما کندتر خواهد گذشت.

در سال ۱۹۷۱ برای آزمایش نظریه اینشتین دو ساعت اتمی، یکی در فرودگاه به صورت ثابت و یکی در هواپیمای مسافری که پرواز می‌کرد قرار دادند و در کمال تعجب پس از بازگشت هواپیما متوجه یک اختلاف چند میلیونیوم ثانیه شدند، دقیقاً همان چیزی که اینشتین گفته بود.

بر اساس نظریه اینشتین جاذبه هم مانند حرکت می‌تواند بر زمان اثر بگذارد و گذر آن را آهسته کند، در حقیقت هر چقدر که جاذبه بیشتر شود زمان کندتر خواهد شد. ثابت شده است برای کسی که در طبقه اول یک برج زندگی می‌کند با کسی که در پنت‌هاوس زندگی می‌کند زمان کندتر می‌گذرد. چون جاذبه در نزدیک زمین قوی‌تر است.

همچنین هرمان مینکوفسکی مفهوم نسبیت زمان مناسب (زمان هماهنگی) را معرفی کرد. بر اساس این تفسیر زمان



فرهنگ

تحریم فرهنگ نشانه‌ای از گام‌های واپسین یک تمدن پوشالی



هائیه شجاعی زند
نویسنده



تحریم واژه غربی برای ایرانیان نیست اما اگر تا دیروز مراکز مهم نظامی و هسته‌ای و علمی ایران برای بیگانگان تهدید محسوب می‌شد، امروزه این نقطه تهدید، به مراکز فرهنگی رسیده است. روزی که وزارت امور خارجه انگلیس در اقدامی هماهنگ با سایر متحدانش یعنی آمریکا، کانادا و استرالیا، علیه تعدادی از مقامات و نهادهای ایرانی تحریم‌های جدیدی را اعمال کرده‌اند. طبق این بیانیه محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمد هاشمی معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و نام سه خبرگزاری داخلی هم در فهرست تحریم‌ها اضافه شده است.

تحریم شخصیت‌ها و مراکز فرهنگی نشان می‌دهد که حوزه فرهنگ و هنر مسیر خود را در شرایط پراکنده سال گذشته به درستی طی کرده، آنچنان که دشمن به استیصال کشیده را به تحریم واداشته است؛ استیصالی که رئیس سازمان سینمایی کشور آن را نشانه گام‌های واپسین یک تمدن در حال سقوط می‌داند و می‌گوید: استعمار برای پیشبرد اهداف خود، تنها از طریق سلطه فحری عمل نمی‌کند، بلکه شیوه‌های فکری و فرهنگی را نیز در پیش می‌گیرد تا سلطه خود را نهادینه و دائمی سازد و می‌کوشند تا با تحریم چهره‌های شاخص و رسانه‌های اثرگذار در اراده پولادین و اندیشه ناب برخاسته از دین مبین اسلام خللی ایجاد کنند.

مقابله با تهاجم فرهنگی به حوزه عمل رسید

یک رکن از ارکان اقتدار ملی عبارت است از قدرت دفاعی. یک رکن هم عبارت است از مسائل اقتصادی و ثبات و استحکام اقتصادی، یک رکن هم مسائل فرهنگی است که برای مقابله با اقتدار فرهنگی، پدیده تهاجم فرهنگی در کشور متولد شد. نفوذ فرهنگی پدیده شومی است که سال‌هاست عملکرد ایران برای مقابله با آن تنها به تئوری پردازی و نظریه پردازی محدود بوده و چند سالی است که از حوزه نظر خود را به حوزه عمل رسانده و در خاکریز فرهنگی با تهاجم فرهنگی غرب درآویخته و تحریم امروز فرهنگ ایران نشان می‌دهد که در عرصه رقابت توانسته دشمن را تحت فشار قرار دهد.

از دست ما عصبانی باش و از این عصبانیت بمیر

سال گذشته در بلوای ۱۴۰۱، جبهه اغتشاشگران و اپوزیسیون دوست نداشت تا هنرمندان به کارشان بازگردند؛ بنابراین موجی از اعراب و تهدید در میان اهالی فرهنگ و هنر به راه افتاد؛ اعرابی که سبب شد تا بسیاری از هنرمندان با نظام فاصله‌گذاری کنند و برخی در سکوت از عرصه هنر فاصله گرفتند. درحالی که جبهه دشمن تصور می‌کرد سنگر فرهنگی را به کنترل خود در آورده است، مدیریت فرهنگی کشور به گونه‌ای پیش رفت که خیلی زود اوضاع فرهنگی کشور به شرایط طبیعی خود بازگشت چه در دوران برگزاری جشنواره که با آن سنگ اندازی به بهترین شکل ممکن برگزار شد و چه اجرای سینما حقیقت که با تمام کارشکنی‌های یکی از بهترین سال‌های اجرای خود را پشت سر گذاشت و چه انواع جشنواره‌های مختلف فرهنگی که تحت شرایط تحمیلی از طرف شبکه‌های معاند هر کدام عصر تازه‌ای را تجربه کردند؛ عصری که آینده روشنی را نوید می‌داد چرا که زمینه‌ای فراهم شد تا هر رویداد فرهنگی خود را به فیلتر نفاق مجهز کند و خود را از ناخالصی‌ها پاکسازی گرداند. تزریق هوای تازه به



اغتشاشات ۱۴۰۱ برای کشور خسارات اقتصادی و اجتماعی زیادی را به همراه داشت اما نمی‌توان از دستاوردهای مختلف آن چشم‌پوشی کرد که یکی از این دستاوردها روشن‌تر شدن مسیر مدیریت فرهنگی است



شود که با مدیریت حساس و عاطفی نمی‌توان سینما را اداره کرد و مدیران باید ریل را تعریف کنند و هنرمندان موظف‌اند تا از این ریل عبور کنند. تغییر جهت مدیریت از تصمیمات احساسی به سمت تصمیمات عقلانی این استدلال را به اثبات رساند که با اخلاق و صفا و صمیمیت نمی‌توان سینما را اداره کرد و اهالی هنر منطق اطاعت را می‌پسندند و احاطه مدیران بر هنرمندان یک قانون جهانی است که به اثبات رسیده است.

محمد خراسانی‌زاده، مدیرکل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به ارتباط یک مدیریت درست و اثرگذار با پدیده تحریم گفت: این اتفاق مبارک، یک بشارت برای حوزه فرهنگ کشور محسوب می‌شود که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با وجود همه موانع درون‌سازمانی و برون‌سازمانی، موانع‌سازی و مداخله‌کاری‌ها، توقعات ناپجا و خارج از مأموریت، ضعف‌ها و کاستی‌های فراوان در حوزه منابع انسانی و مالی، قواعد و مقررات دست و پاگیر اجرایی، ساختارها و فرایندهای فرسوده و ناکارآمد اداری و مشکلات فراوانی از این دست، توانسته با اعتماد به نیروهای توانمند و دغدغه‌مند و اتکا به گوشه‌هایی از ظرفیت‌های مردم‌پایه عرصه فرهنگ، هنر و رسانه، میزان تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی خود را نسبت به قبل، افزایش داده و دشمن کینه‌توز را وادار نماید که برای مقابله به مثل، دست به چنین رفتارهایی بزند.

دشمن کینه‌توزی که رهبری آن را اینگونه تشریح می‌کند: به فرهنگ این دوستانی که مرتبط با مسأله فرهنگ هستند، جداً توجه کنند. ما مواجه هستیم با یک حمله همه‌جانبه؛ یک جبهه عظیمی از لحاظ فرهنگی دارند به ما تهاجم می‌کنند؛ این هم در خلال حرف‌هایشان هست، البته ما می‌دانستیم این حرف را، اما حالا دیگر خودشان هم صریحاً می‌گویند که «غلبه بر جمهوری اسلامی و غلبه بر حاکمیت اسلام، با جنگ نظامی و با تحریم اقتصادی موفقیت‌آمیز نیست، بلکه با کار فرهنگی و نفوذ فرهنگی موفقیت‌آمیز است؛ ذهن‌ها را باید تغییر داد، روی مغزها باید کار کرد، هوس‌ها را باید تحریک کرد؛ این را الان صریح می‌گویند.



ریچارد نفیو معمار تحریم‌های ضد ایرانی در دولت دوم اوباما با انتشار کتابی درباره هدف از اعمال تحریم‌ها آورده است: «هدف از اعمال تحریم‌ها ایجاد سختی است یا به عبارت بهتر ایجاد درد و ناکامی، به نوعی که کشور هدف تحریم‌ها رفتار خود را تغییر دهد.» بنا بر این فشار برای تغییر رفتار در زمینه‌های مدیریت فرهنگی یعنی در مواجهه با شرایطی است که نفوذ فرهنگی را دچار اختلال کرده و برای تغییر رفتار استفاده از اهرم فشار یعنی اعمال تحریم به کار بسته شده است.

به اتفاقاتی همچون این تحریم‌ها بها داد؛ هر چه بیشتر به این اتفاقات بها دهیم، بیشتر آنها را برجسته کرده‌ایم و چنین چیزهایی اصلاً ارزش برجسته شدن ندارد.

پیشبرد عقلانیت انقلابی و حفظ حریم‌های فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی

اغتشاشات ۱۴۰۱ برای کشور خسارات اقتصادی و اجتماعی زیادی را به همراه داشت اما نمی‌توان از دستاوردهای مختلف آن چشم‌پوشی کرد که یکی از این دستاوردها روشن‌تر شدن مسیر مدیریت فرهنگی است. با روشن شدن مواضع بسیاری از کسانی که تا دیروز از سفره انقلاب ارتزاق می‌کردند و با بلوای ۱۴۰۱ از آن برگشتند، سبب شد تا برای مدیران فرهنگی این اصل روشن

کنیم. علت این تحریم هم پای کار انقلاب بودن و ایستادگی سال گذشته اهالی فرهنگ و هنر و روشن‌نگه داشتن چراغی است که دشمن قصد خاموش کردنش را داشت.

داریوش ارجمند هنرمند و بازیگر با سابقه سینما و تلویزیون هم به تحریم‌های فرهنگی ایران واکنش نشان داده است. او در رابطه با این تحریم‌ها به «هنر آنلاین» گفته است: چهل و اندی سال است که داستان همین است. دلیلش هم مشخص است؛ مه فشانند نور و سگ عوعو کند. اینکه نام اشخاص فرهنگی کشورمان را در لیست تحریم‌ها می‌بینیم، عوعو همین سگان است که نمی‌توانند نورافشانند ما را ببینند. حالا چه در عرصه فرهنگ و چه در دیگر عرصه‌ها. وی همچنین تأکید کرد: به نظر من اصلاً نباید

فرهنگ کشور سبب شد تا عرصه هنر در فضای پاک‌تری ادامه حیات دهد؛ حیاتی که قرار بود با فرافکنی به خاموشی و سردی بگراید اما به سالی پربار در عرصه فرهنگی مبدل شد. آغازگر مسیری که نه خاموش شد نه کم رونق گردید، بلکه رکورد فعالیت‌های فرهنگی را در عرصه‌های مختلف تکان داد.

آمار فروش میلیاردری کتاب در نمایشگاه بین‌المللی و افزایش استقبال مردم از این رویداد فرهنگی، حضور بی‌سابقه مخاطبان در کنسرت‌ها به شدت رسانه‌های معاند را عصبانی کرد تا آنجا که طرح توطئه به حاشیه کشاندن کنسرت‌ها در دستور کار شبکه‌های فارسی‌زبان قرار گرفت. در حالی که دشمن تلاش می‌کرد تا هنرمندان را از فضای فرهنگی کشور دور نگه دارد و با کمپین عادی‌سازی نکند، شعله اغتشاشات را روشن نگه دارد اما مسیر مدیریت فرهنگی به گونه‌ای پیش رفت که کشورهای معاند در سالگرد مهسا امینی از سر استیصال به گزینه تحریم پناه می‌برند بلکه عصبانیت‌شان فروکش کند.

ریچارد نفیو معمار تحریم‌های ضد ایرانی در دولت دوم اوباما با انتشار کتابی درباره هدف از اعمال تحریم‌ها آورده است: «هدف از اعمال تحریم‌ها ایجاد سختی است یا به عبارت بهتر ایجاد درد و ناکامی، به نوعی که کشور هدف تحریم‌ها رفتار خود را تغییر دهد.» بنا بر این فشار برای تغییر رفتار در زمینه‌های مدیریت فرهنگی یعنی در مواجهه با شرایطی است که نفوذ فرهنگی را دچار اختلال کرده و برای تغییر رفتار استفاده از اهرم فشار یعنی اعمال تحریم به کار بسته شده است.

فرهنگ تحریم‌کردنی نیست

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به تحریم شدنش توسط بریتانیا گفت: کشوری که قتل عام مردم ایران، کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت ملی در ایران را دارد، وزیر فرهنگ ایران را به اتهام حقوق بشری تحریم می‌کند، اگر آنها ما را تأیید کنند باید در عملکرد خودمان شک



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به تحریم شدنش توسط بریتانیا گفت: کشوری که قتل عام مردم ایران، کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت ملی در ایران را در کارنامه خود دارد، وزیر فرهنگ ایران را به اتهام حقوق بشری تحریم می‌کند، اگر آنها ما را تأیید کنند باید در عملکرد خودمان شک کنیم. علت این تحریم هم پای کار انقلاب بودن و ایستادگی سال گذشته اهالی فرهنگ و هنر و روشن‌نگه داشتن چراغی است که دشمن قصد خاموش کردنش را داشت.

تحریم

جشنی برای عدالت فرهنگی؛

محیط روانی سینما نیازمند استمرار شادابی است



دو نوسه بهود
روزنامه نگار

برخی متولیان سینمای کشور معتقدند برگزاری رویدادهایی که بتواند شادابی و عدالت را در حوزه فرهنگ و هنر کشور احیا کند ضروری است، موضوعی که از سال گذشته دستاویز برگزاری جشن سینمای ایران شده است.



امسال همزمان با برگزاری دومین جشن مهرسینمای ایران، همچنان استانها در معرض توجه قرار دارند و شاهد برپایی این جشن در ۳۱ استان کشور تا ۱۰ مهرماه خواهیم بود

دومین جشن مهرسینمای ایران، همچنان استانها در معرض توجه قرار دارند و شاهد برپایی این جشن در ۳۱ استان کشور تا ۱۰ مهرماه خواهیم بود.

قادر آشنا دبیر این رویداد طی پیامی به جامعه هنری و سینمایی کشور این جشن را همایشی فراگیر برای همدلی و هم افزایی، احترام به گنجینه پیشکسوتان و رویش و رونق سینما در مقیاس ملی عنوان کرد. وی گفت: دیده‌های مطلوب هنری، پرستاری دریغ انسان و آموزگار مسلم اجتماع اند که با زمان آگاهی و مسئولیت پذیری، معنویت و معرفت را ترویج می دهند. سینما که بر ساخته خلاق همه هنرهای آدمیزادی است، سیادت خود را از توجه به تربیت فردی و جمعی و خصلت آینه گونی به دست آورده است. تبدیل سفارش های اجتماعی به دستکارهای هنری، اعجاز سینماست. ابتکاری که هوشمندانه، انسان را به اخلاق و اصلاح دعوت می کند و موجب گفتمان مؤثری است که سعادت و رستگاری انسان و پیرایش جامعه را جویاست. جشن مهر سینمای ایران، چشم انداز چنین اندیشه‌ای است. همایشی که با تأکید بر همدلی و هم افزایی، احترام به گنجینه پیشکسوتان، رویش و رونق سینما را آرزومند است.

به گفته آشنا در این اتفاق، با تمرکز بر روز ملی سینما به عنوان وفاق ملی اصحاب اندیشمند سینما، تلاش شده استعدادهای و ابتکارات هنرمندان استانها بیش از پیش شناسایی شده و به تحقق عدالت فرهنگی و توسعه هنر اسلامی، قدمی به صدق برداشته شود.

آشنا همچنین اعلام کرد: سال گذشته اولین دوره این رویداد را برگزار کردیم، با توجه به اینکه می خواستیم روز ملی سینمای ایران را صرفاً در تهران جشن بگیریم و بنا داشتیم آن را عمومیت بخشیم این رویداد را راه اندازی کردیم. ضمن اینکه در جشن های قبلی تنها تهیه کنندگان و کارگردان دیده می شدند اما هیچگاه به دارندگان آموزشگاهها، استادان را دغدغه مند در حوزه سینما و... توجه نمی شد، تجلیل ها هم به جشنوارهها معطوف بود برای همین سال گذشته جشن «مهر سینمای ایران» را راه اندازی و در ۲۲ استان این جشن را برگزار کردیم و ۳۸ هنرمند استانی مورد تجلیل قرار گرفت.

تجلیل از مدیران دغدغه مند سینما

معاون توسعه فناوری و مطالعات سازمان سینمایی ادامه داد: امسال هم از اردیبهشت شروع به کار کردیم و به ادارات کل نامه زدیم تا ببینیم با برگزاری این جشن موافق هستند یا نه که همه استانها اعلام آمادگی کردند. از همین رو با حضور مدیران فرهنگی و مدیران امنیتی استانها، مشارکت صدا و سیما، انجمن سینمای جوانان و

مطابق اعلام نظر بانیان این رویداد، از برگزیدگان رشته های مختلف از جمله کارگردانی، بازیگری، فیلمنامه نویسی، تدوین، گریم، صداگذاری، جلوه های ویژه بصری، فیلمبرداری، انیمیشن، سینما داران، آموزشگاه های سینمایی، پژوهشگران، تهیه کنندگان و غیره در این رویداد قدردانی به عمل می آید.

مشارکت همه استانها

سال گذشته برای اولین بار شاهد برگزاری این رویداد در ۲۲ استان کشور بوده ایم و برنامه مهر سینمای ایران توسط سازمان سینمایی کشور با همکاری ادارات کل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استانها در مناطق مختلف کشور برگزار شد که حاصل آن تجلیل از ۳۵۰ هنرمند عرصه سینمایی بوده است. امسال همزمان با برگزاری

در دومین جشن مهر سینمای ایران با همکاری و هم فکری نهادها و شخصیت های هنری، فعال ترین و شاخص ترین سینماگران استانی شناسایی و پس از ارزیابی از برگزیدگان در مراسمی که به همین مناسبت در مراکز یا شهرستان های منتخب در نظر گرفته شده است، تجلیل خواهد شد. برگزاری این رویداد به مدت یک روز در هر استان است و در بازه زمانی ذکر شده تمامی استانها مشارکت دارند.



در یک سال گذشته سینما یکی از ساحت های پرفراز و نشیب بوده است. در پی اتفاقاتی که در شهریور ماه سال گذشته رخ داد، رفتار برخی اهالی سینما موجب شد تا سینما از آن محدوده گرمابخش و سرگرم کننده خود به سمت و سویی برود که برخی مسئولان آن را سیاسی کاری توصیف می کردند. تمامی این اتفاقات در حالی منجر به چند دستگی در سینمای کشور می شد که سینما مهمترین سرگرمی مردم ایران محسوب می شود و در مقابل چنین فضایی اذهان شهروندان را خسته و التهاب دلشان را بیشتر می کرد.

در این میان اتفاقات عجیب و غریب بسیاری از جمله موضع گیری های خاص و سپس عقب نشینی از یک موضع فکری یا اعلام کناره گیری از سینما و مواردی از این دست همه منجر به بروز و ظهور دلمشغولی سینما دوستان می شد و از یک طرف نیز دود آن مستقیماً به چشم مردم می رفت.

در شهرستانها و وضعیت به مراتب به دلیل محدودیت امکانات و بودجه و همچنین موانع متعدد در تولید آثار سینمایی بیشتر بود. با برگزاری برخی رویدادها مانند جشنواره فیلم کوتاه، جشنواره فیلم مستند و فیلم فجر و همچنین جشن سینمای ایران تلاش شده زندگی سینما در مسیری که مردم به آن نیاز دارند، حفظ شود. عرصه برای تولید محدود نباشد و شهرستانها در حسرت کمبود امکانات خود را در محدودیت ببینند. بر همین اساس بود که از سال گذشته جشن سینمای ایران آغاز به کار کرد.

سازمان سینمایی با همکاری ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی از ۲۶ شهریور ماه تا ۱۳ مهرماه دومین جشن مهر سینمای ایران را در سراسر کشور برگزار می کند.

دومین جشن سینمای ایران به مناسبت روز ملی سینما، با هدف تحقق استمرار شادابی و پویایی در محیط روانی سینمای کشور و توجه خاص به مقوله عدالت فرهنگی و هنری در دولت سیزدهم در راستای تکریم سینماگران پیشکسوت، فعالان سینمای ایران در رشته های مختلف و هنرمندان شاخص استانها طراحی و پیش بینی شده است. در دومین جشن مهر سینمای ایران با همکاری و هم فکری نهادها و شخصیت های هنری، فعال ترین و شاخص ترین سینماگران استانی شناسایی و پس از ارزیابی از برگزیدگان در مراسمی که به همین مناسبت در مراکز یا شهرستان های منتخب در نظر گرفته شده است، تجلیل خواهد شد. برگزاری این رویداد به مدت یک روز در هر استان است و در بازه زمانی ذکر شده تمامی استانها مشارکت دارند.



... استان‌ها برای برگزاری این جشن اعلام تمایل کردند.

وی با بیان اینکه این جشن در تهران سیزدهم مهر برگزار می‌شود، مطرح کرد: از سه مستندساز برتر، سه فیلم کوتاه‌ساز، سه انیمیشن‌ساز، دفاتر موفق انجمن سینمای جوانان ایران، سه استاندار که در حوزه زیربنایی کمک کرده‌اند، سه مدیرکل دغدغه‌مند، وزرای حامی، هنرمندان پیشکسوت، کسانی که به حوزه زیرساخت چه در بخش خصوصی چه دولتی توجه کرده‌اند، پرفروش‌ترین فیلم، پرکارترین تهیه‌کننده و کارگردان، سه نویسنده برتر، پژوهشگر برتر کشور و... تجلیل می‌شود و بنا داریم به صورت جدی از هنرمندان استانی قدردانی کنیم.

به گفته آشنا، ارتباط سازمان سینمایی کشور با هنرمندان استانی بسیار کم است و تنها نهاد رسمی ما که وظیفه این ارتباط را برعهده گرفته انجمن سینمای جوانان است. اما برای پیوند بین سازمان سینمایی با هنرمندان استان چه باید کرد؟ بالاخره هنرمندان استان‌ها باید دیده و شناخته شوند، حتی اگر شده روزی یک ساعت جمع شوند همدیگر را ببینند، قابلیت و توانایی یکدیگر را شناسایی کنند و از این حالت انزوا خارج شوند. با این نگاه رویداد مهرسینمای ایران پیگیری شد تا به این واسطه از هنرمندان سینمایی در سراسر کشور تجلیل شود که با همکاری استان‌ها تعداد قابل توجهی از هنرمندان در استان‌ها شناسایی و تجلیل شدند.

وی تصریح کرد: همچنین قرار شد در راستای شعار دولت عدالت‌محوری بخش عمده‌ای از بودجه سازمان سینمایی معطوف به فعالیت استانها باشد. به همین منظور سفرهای استانی آغاز شدند. مهرسینمای ایران هم ادامه دهنده راه این سفرها خواهد بود و به تکمیل آن کمک می‌کند. در این برنامه‌ها استان‌های کم برخوردار هدف اولیه قرار گرفتند و سه حوزه تولید، زیرساخت و آموزش در آنها مورد توجه قرار گرفت.

معاون توسعه فناوری و مطالعات سازمان سینمایی تأکید کرد: تا پایان امسال قطعاً انجمن سینمای جوانان تجهیز خواهد شد. من معتقدم فکر و اندیشه برای بروز هنرمند فرصت است به قول حسین پناهی چه بسیار شاعرانی که حتی یک بیت شعر هم نگفتند؛ یعنی فرصت نداشتیم. ما درصددیم زیرساخت‌ها را فراهم و حداقل امکانات اولیه را تهیه کنیم.

وی گفت: تصمیم گرفته شد تا برنامه‌های آموزشی در استان‌های کم‌برخوردار به صورت رایگان برگزار شود. سازمان سینمایی هزینه این آموزش را پرداخت می‌کند.

من معتقدم کار بدون آموزش کار ابدی است به همین جهت سازمان سینمایی در حوزه آموزش علاوه بر حمایتی که از انجمن خواهد کرد. آموزش رایگان را با بهترین کارشناسان، بهترین دروس و سرفصل‌ها

در کمترین زمان انجام خواهد داد. فعالان تحصیلکرده در سینما و تلویزیون مدرسان این دوره خواهند بود.

تمرکززدایی در تولیدات سینمایی

معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی در برنامه «مهر سینمای ایران» که در سینما ساحل اهواز برگزار شد، با اشاره به برنامه «مهر سینمای ایران» اظهار کرد: این برنامه بناست از این به بعد هر ساله در مهرماه و در استان‌های مختلف به منظور قدردانی، تقدیر و معرفی فعالان و پیشکسوتان سینمای کشور برگزار شود.

حبیب ایل بیگی با بیان اینکه سازمان سینمایی در این دوره تمرکز خود را بر فعالیت‌های سینمایی در شهرهای مختلف گذاشته و بحث تمرکززدایی را به شکل ویژه در دستور کار دارد افزود: حضور در شهرها و مراکز استان‌ها از برنامه‌های سازمان سینمایی است. در ۶ ماه اول سال جاری، رئیس سازمان سینمایی به همراه سایر اعضای مجموعه در ۱۱ استان حضور پیدا کرده و در این سفرها با سینماگران، سینماداران، مؤسسات فیلمسازی، اعضای سینمای جوان، مراکز آموزشگاه‌های سینمایی، مسئولان و... دیدارهایی داشته است. در ۶ ماه دوم نیز رئیس سازمان سینمایی به همراه مجموعه مدیران برای شنیدن نقطه نظرات، طرح‌ها و ایده‌های فعالان و عوامل حوزه سینما به خوزستان سفر می‌کند.

وی بیان کرد: پیش از انقلاب تعداد زیادی از هنرمندان و پیشکسوتان خوزستان در سینمای آماتور که سینمای آزاد بود، حضور داشتند و با امکانات کمی فعالیت می‌کردند ولی بعد از انقلاب با تأسیس انجمن سینمای جوان در سراسر کشور و مراکز استان‌ها، تعداد زیادی سینماگر در استان‌ها پرورش یافته و هر سال در دوره از جشنواره فیلم فجر شاهد حضور چهره‌های ارزشمندی هستیم که به سینمای حرفه‌ای ورود پیدا کردند. از سوی دیگر در کنار پیشکسوتان، شاهد حضور نسل جوان‌تری در حوزه سینما هستیم که با پشتیبانی ما و اهالی سینما، باید آنها را برای حضور جدی‌تر، ناامید نشدن و تلاش بیشتر برای ساختن فیلم، آموزش دادن و تربیت نیروهای متخصص حمایت کرد.

سینمای ایران در حال پوست اندازی است

اماد در عین حال که کیفیت بخشی به محورهای برگزاری، برگزاری با هدف شناسایی استعدادها بالقوه و ارتباط دهی بخش‌های مختلف جامعه سینمایی کشور به یکدیگر و بیش از

پیش مردمی کردن این جشن مورد تأکید است، محمد خزاعی رئیس سازمان سینمایی کشور در تشریح اهمیت این رویداد معتقد است سینمای ایران، امروز با مشارکت گسترده نیروهای جوان و با تکیه بر شانه بزرگان و پیشکسوتان شریف این عرصه در حال پوست اندازی است و به طور قطع، بیش از همیشه به کاشتن بذر امید و مهرورزی نیاز دارد. جشن مهر سینمای ایران فصل مهرورزی سینما است. وی اضافه کرد: سینما، ناگزیر است دوران تازه‌ای را آغاز نماید و در گام دوم انقلاب نیازمند نقش آفرینی‌ها و حضور پویاتر نسل‌های جدید است. این سینما، با عبور از کرونا، بحران‌ها، چالش‌ها، سنگلاخ‌ها و سنگ اندازی‌ها همچنان، زنده، پویا و بالنده، در مسیر رو به رشد و توسعه قرار دارد. بدیهی است این دوران تازه، برای تمامیت خواهان سخت و دشوار خواهد بود. به گفته خزاعی سینمای ایران، امروز با مشارکت گسترده نیروهای جوان و با تکیه بر شانه بزرگان و پیشکسوتان شریف این عرصه در حال پوست اندازی است و به طور قطع، بیش از همیشه به کاشتن بذر امید و مهرورزی نیاز دارد. رئیس سازمان سینمایی کشور تأکید دارد که جشن مهر سینمای ایران فصل مهرورزی سینما است تا به بهانه آن به همه استعدادها و حامیان و فعالان این حوزه در جای جای این سرزمین پنهان احترام بگذاریم. در این میان، برخی، ممکن است این گفتمان را برنتابند و طی این سال‌ها تلاش زیادی کرده‌اند تا با آلوده‌سازی فضای فرهنگی و تزریق بی‌اس و ناامیدی در جامعه و محافل سینمایی به اختلاف هنرمندان، سینماگران و مسئولین دامن بزنند. این عده رونق کسب و کارشان با سیاسی کاری و دو قطبی سازی در بدنه سینماست. وی متذکر شد: جریان سینما زنده و در حال پیشروی است. این سینما با روح و انرژی مضاعفی که از نسل‌های جوانش می‌گیرد بالنده‌تر به پیش می‌رود حتی اگر عده‌های نخواهند آن را ببینند و انکارش کنند.



هنرمندان استان‌ها باید دیده و شناخته شوند، حتی اگر شده روزی یک ساعت جمع شوند همدیگر را ببینند، قابلیت و توانایی یکدیگر را شناسایی کنند و از این حالت انزوا خارج شوند. با این نگاه رویداد مهرسینمای ایران پیگیری شد تا به این واسطه از هنرمندان سینمایی در سراسر کشور تجلیل شود



فراان تهران

زاهدان قشنگه! قشنگ ترش می کنیم...

سیدحمیدرضا طباطبائی
خبرنگار

امسال به مناسبت هفته وحدت در استانی که مظهر وحدت اسلامی است یعنی سیستان و بلوچستان و در پایتخت وحدت اسلامی یعنی زاهدان؛ یک رویداد ملی بهانه دورهمی گرافیست‌های طراز اول ایران اسلامی شد به نام رویداد ملی گرافیک، نقاشی دیواری و تصویرسازی «رحما». در این خصوص گفت‌وگویی با مصطفی سیاسی‌سر (رئیس حوزه هنری سیستان و بلوچستان) انجام می‌دهیم:



یکی از نیازهای ما در سطح هر شهر هویت بخشی بصری به آن است که این امر جز با زبان هنرمیسر نخواهد شد

ایده اصلی برگزاری رویداد رحما از کجا آمد؟ و هدف از این کار چیست؟

ایده اولیه برگزاری رویداد هنرهای تجسمی رحما از قریب به سه سال گذشته در حوزه هنری سیستان و بلوچستان شکل گرفت. اینکه بتوان با برگزاری یک رویداد و دورهمی هنرمندان در استان و بویژه در زاهدان ایده‌هایی نو را به مرحله اجرا در آورد. از آنجا که سیستان و بلوچستان مظهر وحدت اسلامی است، پدیدار شدن این هویت در استان و شهرهای آن یک امر بدیهی است. رحما برای اولین بار سال ۱۴۰۰ با تمرکز بر طراحی پوستر و به صورت منطقه‌ای در زاهدان برگزار شد که هم اینک می‌توان خروجی آن آثار را در هفته وحدت در جای جای استان دید، اما قصه رحما در سال ۱۴۰۲ کمی متفاوت است چرا که این رویداد به صورت ملی و با حضور ۳۰ نفر از اساتید بنام کشوری در زاهدان با تمرکز بر طراحی نقاشی دیواری

با موضوع وحدت اسلامی در دو بخش تولید آثار (از ۳ تا ۵ مهر) و اجرای آثار (از ۳ تا ۱۱ مهر) برگزار می‌شود. گفتید رویداد رحما در سال ۱۴۰۲ در دو تولید آثار طراحی و اجرای آثار برگزار می‌شود؛ در این خصوص کمی بیشتر توضیح دهید. بله، مرحله اول تولید آثار که به مدت سه روز برگزار شد و ما میزبان اساتید در زاهدان بودیم. طبیعی است که برای پیشبرد کار می‌بایست شاکله ذهنی آثار در ذهن اساتید ساخته می‌شد که به این منظور در همان روز اول بازدید میدانی از سطح شهر زاهدان و زیست بوم فرهنگی این شهر برای اساتید ترتیب داده شد و اساتید از مزار شهدای زاهدان، مسجد جامع زاهدان، معبد سبک‌ها که به عنوان اقلیت غیرمسلمان در زاهدان حضور دارند و همچنین مساجد اهل سنت و بازارهای سنتی این شهر بازدید کردند. پس از آن نیز با برگزاری یک نشست و

ساعته با موضوع تبیین مفهوم وحدت در اندیشه‌های مقام معظم رهبری در محل موزه جنوب شرق که پایگاه اصلی اجرای رویداد بود، روند ایده‌پردازی و تولید آثار شروع شد و طی سه روز اساتید طرح‌های خود را بر اساس و مقیاس دیوارهایی که از قبل در سطح شهر زاهدان شناسایی شده بود، تولید کردند. و بخش دوم کار هم اجرای آثار روی دیوارهاست که توسط ۵ گروه در سطح شهر زاهدان در حال اجراست.

به نظر شما رویداد رحما تا چه اندازه می‌تواند عاملی برای معرفی زاهدان به عنوان پایتخت وحدت اسلامی باشد؟

یکی از نیازهای ما در سطح هر شهر هویت بخشی بصری به آن است که این امر جز با زبان هنرمیسر نخواهد شد. تلاش ما در رویداد رحما آن است که با خلق آثاری نو و بدیع و اجرای آنها در سطح شهر طی توافقاتی

که با سازمان‌های ذی‌ربط داشته‌ایم بتوانیم به عبارت زاهدان پایتخت وحدت اسلامی هویت ببخشیم و از طرفی نیز چهره حقیقی این شهر را که سراسر مهربانی، همدلی و میهمان‌نوازی است را به هموطنان معرفی کنیم، چرا که زاهدان طی ادوار نادرست معرفی شده و میهمانانی که ما در سطح شهر زاهدان داریم و برای اولین بار به این شهر سفر می‌کنند پس از بازگشت به این موضوع اشاره دارند.

کلام آخر...

امیدواریم با کمک یکدیگر بتوانیم چهره سیستان و بلوچستان را که مظهر وحدت اسلامی است و در آن شیعه و سنی سال‌هاست با نیکویی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند با هویت بخشی اثر بخش به همگان معرفی کنیم و پذیرای میهمانان از سراسر ایران عزیز باشیم.



زنان

زخم‌هایی باز به نام مسائل زنان و جنسیت

نسبت پارادایم سیاسی با کنشگری زنانه و عرصه خانواده در متن حوادث یک سال اخیر



رخ داده است را در تغییر پارادایم‌های اخلاقی، اصول اساسی و ارزش‌های هنجاری مشاهده می‌کنیم که در فرایند پالایش روابط انسانی از اصول ثابت، طبیعی و حقیقیات و به تبع آن اعتباری کردن تمامی عرصه‌های تعاملی در جامعه اتفاق افتاد. ابردکترینی که به تغییر معروف‌های اخلاقی و اجتماعی ختم شده و هر آن چه در زمان و مکان حاضر مطابق با خواست بشر باشد را معروف نیز می‌شمرد.

این تغییرات که تا عصر حاضر در دایره معروف‌های اخلاقی در حال تعریف هستند را می‌توان شاه کلید انحرافات در حوزه خانواده برشمرد چرا که قبول این انحرافات را ارزشمند و یک گزاره حتمی و دارای اعتبار اخلاقی و واجب التزام معرفی می‌کند و همنوایی عده‌ای از تئوری پردازان اخلاقی را نیز در پی دارد. در سطح دوم که لایه‌های مرئی کنش‌مداری در حوزه خانواده در قالب تلاش‌های گفتگویی و سیاست‌های تجویزی را شامل می‌شود، با عبور از ارزش‌های اخلاقی، تعاملات جنسی و جنسیتی، و پیدایش الگوهای جدید خانواده، مانند خانواده‌های تک والد، همجنس، غیرشرعی و قانونی با محوریت اصالت عاملیت فردی بر مصالح جمعی مواجه هستیم. دال‌های مهمی که در روند تحول مطالبات و تمایل شعاری به سمت مسأله زنان و خانواده در مناقشات اخیر قابل دریافت بودند.

لذا باید توجه کرد مسأله‌پردازی از این دریچه، با روشن کردن مسیر تأثیرگذاری و هدف‌گذاری غرب در موضوع خانواده در جهان و ایران، در کنار الزام ساختارهای داخلی از اندیشه تا سیاست و عمل به تأمل و تدقیق در مطالبات زنان، مهم‌ترین نکات موجود در این حوزه را در نسبت با مناقشات اخیر شناسایی و مستحق پرداخت می‌داند.

در غرب بوده است و مهم‌ترین کانون انحراف و تأثیرپذیری را به خود اختصاص می‌دهد؛ چراکه افراد خارج از نهاد طبیعی خانواده و با از دست دادن شانس دریافت ارزش‌های هنجاری و اصولی، تبدیل به برده‌های نظام سرمایه‌داری و گوش به فرمان بازار خواهند بود. در این فرایند عمده‌اندازه سیاستی متأثر از تئوری‌های سرمایه‌سالارانه، شاهد تغییر در دو سطح اساسی بوده‌ایم که با محوریت خانواده رقم خورده است.

سطح اول که در لایه‌های نامرئی و اندیشه‌ای

نظام سرمایه‌داری مواجه هستیم؛ زنان فراخوانده شده به بازار کار همچنان با مانع بزرگی به نام خانه و خانواده پیوندی ناگسستنی دارند. به همین سبب در همین دوران تلاش جریان‌های فمینیستی علیه نهاد خانواده برای برچیدن این مانع با استفاده از گفتمان‌های استقلال و برابری، تأثیرات چشمگیری بر هویت جنسیتی زنان و پیوندهای خانوادگی برجای گذاشت.

هدف تغییر خانواده است

در این رویه، خانواده هدف اصلی جریان مدرنیته

به طور کلی، آنچه در سال‌های اخیر در ایران قابل مشاهده است، وجود کاستی‌ها و معایبی در حوزه اندیشه و ترتیبات نهادی در نسبت با زنان بوده که با ایجاد زخم‌هایی باز، موجب سوءاستفاده‌های مداخله‌جویانه جریان‌های بیگانه را فراهم آورده است. این کاستی‌ها در وهله اول به دلیل نبود نظام نظری منسجم و تئوری‌پردازی روزآمد در موضوعات مربوط به زنان در نسبت با جامعه و خانواده، با نظر به منابع اسلامی و بومی متولد شده‌اند.

این عدم احصای نظام ارزشی دقیق و پایگاه‌های اطلاعاتی مستند برای حوزه‌های دانش و کنش در موضوعات مربوط به زنان، تولید بحران‌هایی با خمیرمایه سیاسی و امنیتی به تبع تغییرات جهانی این حوزه و سیاسی شدن اندیشه در حوزه خانواده را در پی داشته است. با سوار شدن گفتمان مدرنیته بر این کاستی‌ها شاهد همان فرایند تاریخی غرب در جریان‌سازی حوزه زنان و خانواده در ایران از بسط گفتمان اصالت فردی زنان در نسبت خانواده، با محوریت مشارکت و کنشگری صرف زنان بدون تبیین عرصه‌ها و مرزها در شروع اشاعه فرهنگ غربی تا برجسته‌سازی هویت‌های جنسی و جنسیتی مغایر با هنجارهای دینی و طبیعی با محوریت مدل‌های جدید خانواده و همزیستی، در سال‌های منتج به حوادث اخیر بوده‌ایم، که در نهایت با هدف پالایش جامعه ایرانی از نظام خانواده طبیعی و هویت‌های جنسیتی حقیقی آن بر موج مطالبات بر حق کنشگران سوار شد. بنابراین برای تبیین جریان مداخله‌گر و وسیع‌جریان‌سازی غربی در مناقشات داخلی به صورت پیشینی نیازمند مذاقه در احوالات غرب در موضوع زنان و خانواده خواهیم بود.

دوره اول، انقلاب صنعتی

با ظهور انقلاب صنعتی در اروپای قرن هجدهم و نوزدهم که با نیازمندی بازار به نیروهای ارزان قیمت



آنچه در سال‌های اخیر در ایران قابل مشاهده است، وجود کاستی‌ها و معایبی در حوزه اندیشه و ترتیبات نهادی در نسبت با زنان بوده که با ایجاد زخم‌هایی باز، موجب سوءاستفاده‌های مداخله‌جویانه جریان‌های بیگانه را فراهم آورده است. این کاستی‌ها در وهله اول به دلیل نبود نظام نظری منسجم و تئوری‌پردازی روزآمد در موضوعات مربوط به زنان در نسبت با جامعه و خانواده، با نظر به منابع اسلامی و بومی متولد شده‌اند.



جمعه

ایران

• مدیر مسئول: محمدحسن روزی طلب
• سردبیر: محمدصادق علیزاده
• معاون فنی: محمدملاعلی اکبری
• دبیر تحریریه: ونوس بهنود
• دبیران:
• سید پویا هاشمی حفظ آباد (گزارش و گفت و گو)
• صادق رخ فرد (تاریخ)

• محمدعلی یزدانبار (کتاب)
• آیه طائبی (زندگی)
• فاطمه سادات رضوی (طنز)
• سیده نرگس حسینی (زنان)
• زینب فروزنده (زوم)
• فاطمه کهریایی (فرهنگ)

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط
• مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸
• انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:
۸۸۵۴۸۸۹۲-۵

فمینیسم جنبش خوار

نحوه مواجهه متفاوت فمینیسم با جنبش های شکل گرفته در جهان

زهراسادات رضوی علوی
کارشناس ارشد جامعه شناسی

در ادبیات فمینیستی، جنبش اجتماعی زنان همان جنبشی تعریف می شود که به دنبال احقاق حقوق زنان باشد و فمینیسم تلاش کرده است خود را تنها جریان مدافع حقوق زنان بداند. از این رو دائماً در تعریف خود دسته ها و گروه های جدیدی را اضافه می کند تا با هدف برابری زن و مرد، تمام دغدغه مندان و فعالان مسائل زنان را فمینیست بخواند. مشیرزاده در کتاب «از جنبش تا نظریه، تاریخ دو قرن فمینیسم» بیان می کند که ما با یک تعریف واحد از فمینیسم مواجه نیستیم و در طول یک قرن که از مطرح شدن این اصطلاح گذشته است با نظریه های مختلف و گاه متعارضی در تبیین فرودستی زنان، برداشت های متنوع از وضعیت مطلوب و آرمانی برای آنان، دستورکارهای متفاوت و بعضاً متضاد در جنبش و راه های متفاوتی برای رسیدن به اهداف مورد تأکید، مواجه هستیم.

فمینیسم در دوران مختلف، زنانه نگری را بر مکاتب فکری مختلف بار می کند و این جریان اجتماعی را به هیچ وجه نمی توان دانش ابداعی و جدیدی دانست بلکه می توان آن را تحولاتی سیاسی نامید که بسته به نوع گرایش ها فکری افراد، مسائل زنان و راه حل آن را در مکتب فکری لیبرالیسم دنبال می کند و یا آن را رادیکال، سوسیال و یا به شیوه پیست مدرن با تکثیرهای متعدد اسلامی، محیط زیستی و... همراه می کند.

همچنانکه فمینیسم دانش را مصادره می کند و به نفع خود و با لرنزن محوری به آن می نگرد دربارہ جنبش های اجتماعی نیز می توان آن را جنبش خوار دانست که در جهان توسط زنان رقم بخورد و هدفش ارتقای وضعیت زنان باشد، به نام خود مصادره می کند و اگر جنبشی برای زنان و به نفع زنان باشد اما منطبق بر آموزه های فمینیستی نباشد براحتی بایکوت می کند. برای مثال جنبش های متعددی از زنان وجود دارد که کنش جدی و اثرگذار دارند؛ از جمله جنبش اسلامی «مرابطات»، جنبش «مقلوبه» در دفاع از فلسطین مظلوم، جنبش های ضد جنگ نظیر «کدپینک» که توسط زنان آمریکایی شکل گرفته است و یا اسلام خواهی و حجاب خواهی زنان مسلمان فرانسوی و جنبش هایی نظیر «به حجاب من دست نزن» که فمینیسم در برابر آنها سکوت می کند اما در دفاع از چندین نفر از مخالفان حجاب یک جریان رسانه ای قوی ایجاد می کند و در تمام رسانه های جهانی به آن ضربه می دهد و همزمان در مقابل راهپیمایی های متعدد معتقدان به حجاب در تشییع شهدا، ۲۲ بهمن و راهپیمایی باشکوه اربعین را به کلی نادیده می گیرد.

درواقع فمینیسم با تعریف ناقص از جنبش زنان، صنفی دیدن و محدود کردن آنها به مسائل زنان، توان آنها را در سایر عرصه های ظلم ستیزی، معنویت خواهی و دین مداری نادیده گرفته و بنا ندارد آنچه را واقعیت زنان است ببیند و یک جانبه دست به نمایش جنبش هایی می زند که قدرت خودش را بیشتر کند و زن در نگاه فمینیستی صرفاً زنی به رسمیت شناخته می شود که آورده سیاسی برای جنبش داشته باشد و زن کنش مند و مؤثر عرصه رقیب کتمان می شود. در این بین ادعای احقاق حقوق زنان است که در حد یک دروغ متزلزل باقی مانده است؛ واقعیتی که روز به روز بیشتری می شود و دیگر قابل کتمان نخواهد بود.

چرا برابری جنسیتی حلال مشکلات زنان نیست؟



مرضیه شعریاف
پژوهشگر، مدرس حوزه و دانشگاه

و اسناد بین المللی، برای کشورهای عضو، تعهداتی ایجاد می کند که باید در برابر آنها به جامعه جهانی پاسخگو باشند. بنابراین کشورهای داخلی یا اعتقادات دینی آنها همسو با مفاد این قراردادها نیست، امکان اجرایی کردن شان را ندارند. مفهوم برابری جنسیتی، وقتی قرار است حافظ منافع همه جنسیت ها (LGBTQ) و نه فقط مردان و زنان باشد، طبیعتاً با روح قوانین و شرعیات ما سازگار نیست. از آن گذشته، خلقت زنان و مردان به دلیل نقش های متفاوتی که در اجتماع و محیط خانوادگی برعهده دارند، متفاوت با یکدیگر صورت گرفته است. هر تکوینی متناسب با نقشی است که زن یا مرد باید ایفا کنند، در این صورت چگونه می توان برای تکالیف متفاوت، دم از حقوق برابر زد؟

کوتاه سخن اینکه، همکلامی با جامعه جهانی در صحبت از برابری جنسیتی، نه تنها برای احقاق حقوق زنان در جامعه و خانواده راهگشا نیست، بلکه در تناقض آشکار با سیستمی است که اسلام برای خانواده و جامعه طراحی کرده است. مهم است که ساخت نظر و عمل از یکدیگر تفکیک شوند. همچنین نمی توان با مبنای اندیشه ای غلط، به اصلاح امور دست زد و ما برای کنش مؤثر و اصلاح پایدار، نیاز به اندیشه درست و ذیل مبانی اسلامی داریم.

وام گیری از مفاهیم و اهداف بین المللی برای بهبود اوضاع حوزه های گوناگون در ایران، از قدیم الیام امر رایجی بوده؛ کما اینکه استفاده از توافقات و اسناد بین المللی و همراهی با جامعه جهانی در حوزه زنان، در اکثر دولت های پس از انقلاب نیز مطمح نظر بوده است. اینکه چرا ما به جای تکیه بر شناخت و بررسی ریشه های مسائل زنان در داخل و تلاش برای رفع آنها با توجه به عرف، شرع و مقتضیات ویژه کشور خودمان، باید الزاماً با کشورهای همسایه که شرایط مشابه با قوانین و عرف ما را ندارند، از نکات منفی این همکاری است. اما، از جهت دیگر نیز این هماهنگی، سبب می شود برخی غفلت ها در حوزه قانون گذاری یا عرف رایج در جامعه بازنگاری و بعضاً اصلاح گردد. از این رو اسناد و توافقات بین المللی هم فرصت و هم تهدیدی است که حوزه زنان با هوشمندی باید با آن مواجه شود.

از جمله مفاهیمی که مورد توافق جامعه جهانی در بحث جنسیت است، عبارت برابری جنسیتی است که به عنوان یکی از معیارهای توسعه در کشورهای مختلف سنجیده می شود. مفهومی که به ظاهر حکایت از برابر دانستن زن و مرد در امور و شئون مختلف و توجه به برخورداری یکسان هر دو از مناسبات عدالت دارد. با این حال توجه به چند نکته در این زمینه مهم است.

برای درک و دریافت صحیح از عبارات و مفاهیم به کار برده شده در اسناد بین المللی، رجوع به تعریف سازمان مرجع از آن عبارت یا مفهوم الزامی است. برابری جنسیتی به وضعیتی اطلاق می شود که در آن دسترسی افراد به امکانات و فرصت ها تحت تأثیر جنسیت آنها قرار نگرفته باشد. در این فرض، مفهوم جنسیت (gender)، به صورت موسع تعریف می شود و قرار است جنسیت، طیفی از گرایش ها باشد و مرد و زن دوسر این طیف قرار می گیرند و اینجاً دقیقاً اول اختلاف با این اسناد و ابتدای مخالفت ما با اجرایی کردن مفاد چنین تعهداتی است. پیوستن به معاهدات



همچنانکه فمینیسم دانش را مصادره می کند و به نفع خود و با لرنزن محوری به آن می نگرد دربارہ جنبش های اجتماعی نیز می توان آن را جنبش خوار دانست که در جهان توسط زنان رقم بخورد و هدفش ارتقای وضعیت زنان باشد، به نام خود مصادره می کند و اگر جنبشی برای زنان و به نفع زنان باشد اما منطبق بر آموزه های فمینیستی نباشد براحتی بایکوت می کند

